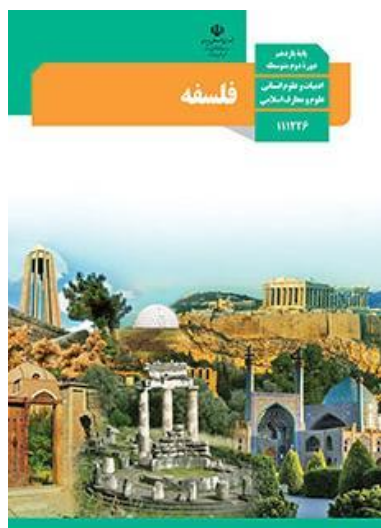


جزوه فلسفه ۱

سال یازدهم



شامل :

- ✚ خلاصه مطالب هر درس
- ✚ پاسخ فعالیت های هر درس براساس کتاب راهنمای معلم
- ✚ سوالات تشریحی
- ✚ سوالات جای خالی
- ✚ سوالات صحیح غلط
- ✚ سوالات تستی
- ✚ سوالات پاسخ کوتاه و تکمیلی

تهیه و تنظیم : **حیدر جلالی**

سال تحصیلی : ۹۸ - ۹۹

سخنی با دبیران ارجمند / دانش آموزان گرامی:

پیشنهاد می شود زمانی از این جزوه استفاده شود که ابتدا مطالب درسی از طریق کتاب به شکل کامل خوانده شده و سپس از این جزوه به عنوان منبع کمک آموزشی و برای مرور مطالب استفاده شود.

در این جزوه، علاوه بر خلاصه هر درس، مجموعه ای از سوالات متن شامل سوالات تشریحی - سوالات پاسخ کوتاه - سوالات صحیح، غلط - سوالات جای خالی - سوالات تستی و سوالات تکمیلی گنجانده شده است.

در اینجا از کلیه خوانندگان این مجموعه به ویژه دبیران ارجمند این درس، خواهشمندم با ارسال نظرات، ایده ها و انتقادات سازنده خود، به ایمیل بنده headerjalaly@yahoo.com این مجموعه را پربارتر نمایند.

شایان ذکر است استفاده و تکثیر جزوه با ذکر منبع و بدون تغییر نام بنده بلامانع است.

حیدر جلالی

۱۳۹۸

فصل اول : فلسفه و ابعاد آن

درس ۱ : چیستی فلسفه شامل مباحث :

- انسان و تفکر
- دو مرتبه از تفکر
- دانش فلسفه
- واژه فلسفه
- ویژگی های فلسفه

درس ۲ : ریشه و شاخه های فلسفه شامل مباحث :

- بخش اصلی و ریشه ای فلسفه
- شاخه های فلسفه

درس ۳ : فلسفه و زندگی شامل مباحث :

- معنای زندگی
- برخی فواید تفکر فلسفی

درس ۴ : آغاز تاریخی فلسفه شامل مباحث :

- فلسفه در یونان
- سوفیست ها

درس ۵ : زندگی بر اساس اندیشه شامل مباحث :

- سقراط در برابر دادگاه

▪ تفکیک ص ۹

قبل از پاسخ به سؤالات فوق، سؤال های زیر را به دقت مطالعه کنید و ببینید آیا می توان گفت برخی از آنها تفاوت خاصی با بقیه سؤال ها دارند؟ آنها را در دسته « الف » قرار دهید و بقیه را به دسته « ب » ببرید .

ردیف	سوال ها	الف	ب
۱	دلیل پیدایش انقلاب صنعتی در اروپا چه بود؟		تاریخی
۲	آیا تنها جهان موجود، همین جهان مادی و طبیعی است ؟	فلسفی	
۳	خداوند چند رکعت نماز را بر ما واجب کرده است؟		فقهی
۴	دلیل حمله اسکندر مقدونی به ایران چه بود؟		تاریخی
۵	آیا هر چیزی دارای علت است ؟	فلسفی	
۶	آیا زیبایی حقیقت دارد یا ساخته ذهن ماست ؟	فلسفی	
۷	پیرشدن سلول ها در اثر کدام عامل شیمیایی است؟		شیمی
۸	آیا می توانیم به اختیار خود موجود شویم ؟	فلسفی	

▪ تفکر ص ۱۰

به این مسئله ها توجه کنید :

- ۱- مجموعه زوایای مثلث چند درجه است؟
- ۲- چرا هوا معمولاً در زمستان سرد می شود؟
- ۳- چرا در اکثر کشورها طلاق افزایش یافته است؟
- ۴- آیا هر حیاتی پایانی دارد؟
- ۵- آیا جهان ابتدا و انتها دارد؟

همان طور که در کتاب منطق آموخته اید، برای رسیدن به علم معمولاً از روش هایی چون تجربه و استقرا و نیز قیاس و استدلال استفاده می شود. توضیح دهید که درباره هر کدام از این مسئله ها با کدام روش می توان تحقیق کرد و به نتیجه رسید.

سؤال اول یک سؤال ریاضی است. در ریاضیات از اقسام استدلال های قیاسی استفاده می شود. پس ریاضیات از نظر روش شبیه به فلسفه است، اما از نظر موضوع با آن متفاوت است. (استدلال قیاسی)

سؤال دوم یک سؤال در حوزه علوم طبیعی است و لذا باید از تجربه و استقراء استفاده کرد. (استدلال استقرائی و تجربی) سؤال سوم یک سؤال مربوط به حوزه علوم انسانی است که باید از طریق استقراء به پاسخ آن رسید. (استدلال استقرائی و تجربی)

سؤال چهارم نیز یک سؤال فلسفی است درست است که ما به تجربه می بینیم که انسان ها و حیوان ها حیاتشان موقت است و پایانی دارد. اما وقتی می پرسیم که «آیا هر حیاتی پایانی دارد» این سوال را نمی توان این تجربه ها پاسخ داد. می دانیم که خداوند هم حیات دارد، فرشتگان هم حیات دارند، اما حیات آنها پایان ندارد. (استدلال قیاسی) سؤال پنجم نیز یک سؤال فلسفی است زیرا درباره کل هستی سؤال می کند و یک سؤال بنیادین است. کل هستی در ظرف تجربه و آزمایش قرار نمی گیرد. (استدلال قیاسی)

▪ به کار ببندیم ص ۱۰

۱- کدام یک از افراد زیر بیشتر اهل تفکر فلسفی هستند؟ گزینه ب درست است .

الف) کسی که پاسخ فیلسوفان در ارتباط با سؤالات اساسی، را به خوبی آموخته و توضیح می دهد.

ب) کسی که در آرای فیلسوفان می اندیشد و دلایلی را که به نظر خودش، محکم است، انتخاب و ارائه می کند.

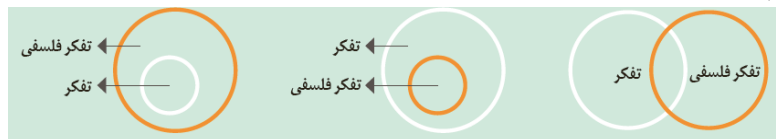
۲- برای درست فکر کردن و قرار گرفتن در مسیر درست تفکر فلسفی نیاز به برداشتن گام هایی است. این گام ها به صورت . نامرتب قرار گرفته اند؛ با توجه به نظر خود، آنها را به ترتیب بازنویسی کنید.

ارائه استدلال صحیح - جست و جوی پاسخ برای سؤالات - داشتن معیار برای پذیرش پاسخ - آگاهی از مجهولات و ندانسته های خود پاسخ ترتیب مسیر درست تفکر:

آگاهی از مجهولات و ندانسته ها ، جست و جوی پاسخ برای سؤالات ، ارائه استدلال صحیح ، داشتن معیار برای پذیرفتن پاسخ
۳- نکات اساسی مربوط به هر یک از عناوین درس را استخراج و در جدول زیر یادداشت کنید. سپس یادداشت های خود را با دیگران مقایسه نمایید .

عنوان	نکات اساسی
تفکر فلسفی	برخی انسان ها توجهشان به مسئله های فلسفی جلب نمی شود برخی انسان ها از سؤال های معمولی عبور می کنند و اهل تفکر در مسئله های فلسفی هستند ورود به تفکر فلسفی یکی از نشانه های تکامل فکری انسان است.
فلسفه	فلسفه یک دانش ویژه است که قوانین خاص خود را دارد. کسی می تواند به سؤال های فلسفی پاسخ دقیق بدهد، که در این دانش تخصص داشته باشد.
ویژگی های فلسفه	فلسفه در موضوع و روش با دانش های دیگر فرق دارد. موضوع فلسفه بنیادی ترین و اساسی ترین موضوعات است. روش استدلال در فلسفه استدلال قیاسی است

۴- اگر بخواهیم رابطه « تفکر » با « تفکر فلسفی » را به صورت دو دایره ترسیم کنیم، این دو دایره به شکل کدام یک از صورت های زیر خواهد بود، چرا؟



پاسخ قسمت وسط می باشد زیرا بین تفکر و تفکر فلسفی رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است یعنی هر تفکر فلسفی ، تفکر است اما بعضی تفکرها، فلسفی هستند و بعضی تفکرها، فلسفی نیستند ولذا دایره تفکر، اعم (بزرگتر) از دایره تفکر فلسفی است. در میان عبارات های زیر، عبارات های صحیح را انتخاب کنید.

الف) تفکر فلسفی، تفکر در حوزه فطرت اول و فلسفه تفکر در حوزه فطرت ثانی است، نادرست

ب) تفکر دو قلمرو دارد؛ تفکر در حوزه فطرت اول و تفکر در حوزه فطرت ثانی، درست

ج) تفکر فلسفی و فلسفه، هر دو در حوزه فطرت ثانی قرار می گیرند، درست

د) در فلسفه هم تفکر فلسفی صورت می گیرد، اما به شکل نظام مند و تخصصی، درست

ه) کسی که به تفکر فلسفی رسید، دیگر نیازی به تفکر در حوزه فطرت اول ندارد، نادرست

۶- فلسفه، از چه جهت با ریاضیات اختلاف دارد و از چه جهت مشترک است؟ مشترک از جهت روش - مختلف از جهت موضوع

سوالات تشریحی

۱- سه نمونه از نمونه سوال های اساسی و بنیادی که گاه و بی گاه در میان انبوه افکار و اندیشه های روزانه خودنمایی می کنند و ساعاتی طولانی ما را به تفکر وادار نمایند، نام ببرید .

مقصود ما از آزادی چیست؟ از برابری چه منظوری داریم؟ آیا اصولاً می توان آزادی را با برابری جمع کرد؟

(نمونه های دیگر: اگر هرکس آزاد باشد هر طور که می خواهد زندگی کند، آیا نتیجه این نخواهد شد که آدم ها در

وضعیت نابرابر قرار گیرند؟ چرا درد و رنج هست؟ خوشبختی و سعادت در گرو چیست؟ آیا می توان به آن رسید؟ سرانجام ما

انسان ها چه می شود؟ آغاز و انجام جهان چگونه است؟ عشق و دوستی چگونه است؟ آیا اینها امور واقعی و مقدس اند؟ یا امور

خیالی و ذهنی؟ اصولاً انسان و حقیقت انسانی چیست؟ آیا اختیار دارد یا مجبور است؟ چه هدفی را باید در دنیا دنبال کرد؟)

۲- هر سؤالی که برای ما پیش می آید، گویای چه چیزی است ؟

گویای آن است که چیزی را نمی دانیم و به دنبال دانستن آن هستیم.

۳- وقتی که از خود می پرسیم « امروز به کجا باید بروم به کتابخانه یا به ورزشگاه » این سخن به چه معناست ؟

بدین معناست که هنوز نمی دانیم کدام را باید انتخاب کنیم و به دنبال دانستن آن هستیم.

۴- مراحل اندیشه ورزی و تفکر در انسان را به ترتیب بنویسید.

روبه رو شدن با مسئله - طرح سوال - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به پاسخ.

۵- دو مرتبه تفکر در انسان را نام ببرید. تفکر غیر فلسفی - تفکر فلسفی.

۶- مقصود از تفکر غیر فلسفی چیست ؟

زمانی که انسان با همان سؤال های معمولی و روزانه روبه روست و به دنبال پاسخ آنهاست. (مرحله اول تفکر).

۷- مقصود از تفکر فلسفی چیست ؟

اگر انسانی از مرحله اول تفکر عبور کرد و با جدیت و پیوسته به سؤال های دسته دوم (سوال های اساسی و بنیادی)

پرداخت، وارد مرتبه دوم تفکر شد .

۸- چه زمانی می توان گفت که انسان وارد مرحله تمرین تفکر فلسفی شده است؟

اگر انسان با جدیت و پیوسته به سؤال های دسته دوم (سوال های اساسی و بنیادی) بپردازد و آنها را جدی بگیرد و به دنبال یافتن پاسخ

آنها برآید در حال تمرین تفکر فلسفی شده است، اگر چه یک کارگر، فیزیک دان، پزشک یا دانشجو یا دانش آموز باشد.

۹- تفاوت تفکر غیر فلسفی و تفکر فلسفی در چیست؟ آن را بنویسید.

در تفکر غیر فلسفی انسان با همان سؤال‌های معمولی و روزانه روبه‌روست و به دنبال پاسخ آنهاست. (مرحله اول تفکر) اما تفکر فلسفی زمانی است که انسان از مرحله اول تفکر عبور می‌کند و با جدیت و پیوسته به سؤال‌های دسته دوم (سؤال‌های اساسی و بنیادی) می‌پردازد و وارد مرتبه دوم تفکر می‌شود.

۱۰- مراحل تفکر فلسفی در انسان را به ترتیب بنویسید.

رو به رو شدن با مجهول‌ها و مسئله‌های فلسفی - طرح پرسش‌های فلسفی - رجوع به معلومات و تفکر در اندوخته‌ها و انتخاب معلومات مناسب با سؤال - رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت

۱۱- مقصود ملاصدرا از فطرت اول و فطرت دوم چیست؟

« فطرت اول »: مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها

« فطرت دوم »: ورود به پرسش‌های اساسی و تفکر در آنها (مرحله عالی و برتر)

۱۲- مطابق نظر ملاصدرا، ماندن در کدام قلمرو فطرت، شایسته انسان نیست و رسیدن به کدام قلمرو مطلوب اوست؟

ملاصدرا، فطرت اول را شایسته انسان نمی‌داند و از انسان‌ها می‌خواهد که بکشند از فطرت اول عبور کنند و به فطرت ثانی که مرحله‌ای برتر و عالی‌تر است، برسند.

۱۳- چه عاملی باعث ظهور فلسفه شده است؟

تلاش‌های بشر برای پاسخ قانونمند به سؤال‌های اساسی و بنیادی موجب ظهور دانشی به نام فلسفه شده است. از همان آغازین روزهای حیات فکری انسان، افرادی به اهمیت پرسش‌ها اساسی و بنیادی پی بردند و با دقت و تأمل فراوان، برای دستیابی به پاسخ صحیح تلاش کردند.

۱۴- ریشه لفظ فلسفه چیست و به چه معنا است؟ دی ۸۳ (ریشه یونانی لفظ فلسفه چیست و به چه معنا است) شهریور ۸۴

فلسفه ریشه یونانی دارد و معرب کلمه فیلسوفیا به معنای دوستداری دانایی است.

۱۵- معنی اصلی و معنی ارتقا یافته دو واژه « فیلسوفیا » و « فیلسوفوس » را بنویسید.

معنی اصلی فیلسوفیا: دوستداری دانایی و معنای ارتقایی آن دانش.

معنی اصلی فیلسوفوس: دوستدار دانایی و معنای ارتقایی آن دانشمند.

۱۶- سوفیست‌ها چه کسانی بودند و چه عقیده ای داشتند؟

کسانی که برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نبوده و می گویند هر کس هر چه خودش بفهمد همان حقیقت و واقعیت است.

۱۷- لفظ سوفیست چیست و به چه معناست و عقیده آنها را بیان کنید. دی ماه ۸۵

دانشمند. برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نبوده و می گویند هر کس هر چه خودش بفهمد همان حقیقت و واقعیت است.

۱۸- سوفیست در ابتدا به چه معنا بود؟ سپس چه معنایی به خود گرفت؟ شهریور ۸۱

در ابتدا به معنی دانشمند به کار رفت ولی به تدریج مفهوم اصلی خود را از دست داد و مفهوم مغالطه کار به خود گرفت.

۱۹- معنای کلمات فیلسوفوس، سوفیست، سفسطه را بنویسید. دی ماه ۸۱ دوستدار دانایی، دانشمند، مغالطه کاری

۲۰- چرا سقراط مایل نبود او را سوفیست بنامند و او خود را چه نامید؟ دی ماه ۸۲

تواضع و فروتنی - هم ردیف نشدن با سوفیست ها - خود را فیلسوفوس یعنی دوستدار دانایی نامید.

۲۱- سیر تاریخی کاربرد فلسفه را به ترتیب بنویسید.

فلسفه به معنای دوستداری دانایی - فلسفه به معنای مطلق دانش - فلسفه به معنای دانش خاص

۲۲- اساسا هر دانشی از دو جهت از سایر دانش ها متمایز و جدا می شود. آن دو جهت کدامند؟

از جهت موضوعی که آن دانش درباره آن بحث می کند. - از جهت روشی که در آن دانش مورد استفاده قرار می گیرد.

۲۳- علوم مختلف و فلسفه هر کدام موجودات را از جهت موضوع چگونه بررسی می کند؟

هر علمی درباره موضوع خاصی بحث می کند. دانش ریاضیات درباره مقدار و کمیت است. شیمی درباره ساختمان مواد و

ترکیب میان آنهاست. اخلاق درباره چگونگی کسب فضیلت ها و دوری از بدی هاست. سایر علوم نیز هر کدام به موضوعی

خاص از میان موضوعات جهان و زندگی انسان می پردازند و بحث می کنند.

اما فلسفه درباره بنیادی ترین و نهایی ترین موضوعات جهان و انسان است و پاسخ گوی عمیق ترین دغدغه های بشری است.

۲۴- موضوع فلسفه اولی با موضوع سایر علوم مقایسه نماید.

سایر علوم هر کدام به موضوعی خاص از میان موضوعات جهان و زندگی انسان می پردازند و بحث می کنند.

اما فلسفه درباره بنیادی ترین و نهایی ترین موضوعات جهان و انسان است و پاسخ گوی عمیق ترین دغدغه های بشری است.

۲۵ - فیلسوف در چه امور و مسائلی کاوش می کند؟ و این امور چه اهمیتی در سایر علوم مختلف دارند؟

فیلسوف در اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان کاوش می کند و اینها اموری هستند که پایه و اساس سایر علوم به شمار می آیند.

۲۶ - فلسفه عهده دار بررسی چه مسائلی است؟

دانش فلسفه عهده دار بررسی قانونمند سؤال های اساسی و بنیادی است.

۲۷ - دانش فلسفه چه تفاوتی با سایر دانش ها دارد؟

فلسفه درباره بنیادی ترین و نهایی ترین مسئله ها و موضوعات جهان و انسان بحث می کند.

۲۸ - تفاوت روش فلسفه با علوم مختلف مانند شیمی و جامعه شناسی و اقتصاد به هنگام کسب دانش را بنویسید.

برای کسب دانش در علوم مانند فیزیک، شیمی، زیست شناسی، اقتصاد و جامعه شناسی از روش های تجربی استفاده می کنیم. اما در مسائل فلسفی فقط باید به توانایی عقل و استدلال های عقلی تکیه کرد و با تفکر و تعقل و تجزیه و تحلیل دانسته ها به حل مسئله و کشف مجهول نزدیک شد.

۲۹ - روش تفکر فلسفی چگونه روشی است؟ توضیح دهید.

در مسائل فلسفی که به اصل و اساس جهان و انسان مربوط هستند، نمی توان از حواس یا آزمایش بهره برد و یا از ابزاری مانند میکروسکوپ و تلسکوپ کمک گرفت. در این موارد فقط باید به توانایی عقل و استدلال های عقلی تکیه کرد و با تفکر و تعقل و تجزیه و تحلیل دانسته ها به حل مسئله و کشف مجهول نزدیک شد.

۳۰ - چرا مسائل فلسفی از جهت روش شبیه به مسئله های ریاضی هستند؟

زیرا میکروسکوپ و آزمایشگاه و تجربه و حواس به حل آنها کمکی نمی کنند و فقط با عملیات فکری می توان به حل آنها پرداخت.

۳۱ - هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

الف) یکی از ویژگی های انسان

۱ - فطرت اول

ب) واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش ها به پاسخ ها

۲ - پرسشگری

ج) مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها

۳ - فطرت دوم

د) مرحله عالی و برتر

۴ - تفکر

جواب: الف) ۲ (ب) ۴ (ج) ۱ (د) ۳

۳۲- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- الف) فقط با عملیات فکری می توان به حل آنها پرداخت و شبیه به مسائل ریاضی اند. ۱- فیلسوفیا
ب) دوستداری دانایی ۲- سوفیست
ج) برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نیست. ۳- سخنوری و وکالت
د) سوفیست ها به تعلیم آنها اشتغال داشتند. ۴- مسائل فلسفی
و) دوستدار دانایی ۵- دانشمند
ه) رفته رفته کلمه فیلسوف به این مفهوم ارتقا پیدا کرد. ۶- فیلسوفوس

جواب: الف) ۴ ب) ۱ ج) ۲ د) ۳ و) ۶ ه) ۵

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- یکی از ویژگی های انسان چیست؟ پرسشگری
 - ۲- واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش ها به پاسخ ها چیست؟ تفکر
 - ۳- مرحله اول تفکر که انسان در آن با سؤال های معمولی و روزانه روبروست و به دنبال پاسخ آنهاست، کدام است؟ تفکر غیر فلسفی
 - ۴- مرحله دوم تفکر که انسان در آن با جدیت و پیوسته به سؤال های سوال های اساسی و بنیادی می پردازد، چه نامیده می شود؟ تفکر فلسفی
 - ۵- فطرت اول را در یک سطر توضیح دهید. مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها
 - ۶- فطرت دوم را در یک سطر توضیح دهید. ورود به پرسش های اساسی و تفکر در آنها
 - ۷- مطابق دیدگاه ملاصدرا، مرحله ای برتر و عالی تر فطرت به شمار می رود؟ فطرت دوم
 - ۸- دانش فلسفه عهده دار بررسی قانونمند چه مسائلی است؟ مسائل و سؤال های مربوط به موضوعات اساسی و بنیادی
 - ۹- کلمه فیلسوفیا مرکب از چند کلمه و هر کدام به چه معناست؟ دو کلمه فیلو به معنی دوستداری و سوفیا به معنی دانایی
 - ۱۰- کدام فیلسوف یونانی، واژه فلسفه (فیلسوفیا) را بر سر زبانها انداخت و عمومی کرد؟ سقراط
 - ۱۱- دانشمندان زمان سقراط و قبل از وی، خود را چه می نامیدند؟ الف) فیلسوفیا ب) سوفیست جواب: ب
 - ۱۲- سوفسطائیان چه علمی را ترویج می کردند. نام ببرید. شهریور ۹۷ سخنوری و وکالت
 - ۱۳- مهمترین هدف سوفیست ها چه بود و برای رسیدن به این مقصود از چه روشی استفاده می کردند؟ پیروزی بر رقیب - مغالطه
 - ۱۴- کلمه «سفسطه» از چه لفظی گرفته شده و معنای رایج آن چیست؟ سوفیست - مغالطه کاری
 - ۱۵- سقراط به دو دلیل مایل نبود او را سوفیست بنامند. یکی از دلایل آن را بنویسید. شهریور ۹۳
- تواضع و فروتنی - هم ردیف نشدن با سوفیست ها

۱-۶ چه زمانی بر هر یک از شاخه های دانش نام ویژه ای گذاشته شد و کلمه فلسفه برای چه نوع دانشی به کار رفت ؟
با گذشت زمان و پیشرفت دانش های مختلف - به تدریج کلمه فلسفه فقط برای همین دانش خاص به کار رفت.
جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- یکی از ویژگی های انسان است . پرسشگری
- ۲- واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش ها به پاسخ ها است . تفکر
- ۳- بدون کاری از انسان ساخته نیست . تفکر
- ۴- مرحله اول تفکر که انسان در آن با سؤال های معمولی و روزانه روبروست و به دنبال پاسخ آنهاست، نام دارد.
تفکر غیر فلسفی
- ۵- مرحله دوم تفکر که انسان در آن با جدیت و پیوسته به سؤال های سوال های اساسی و بنیادی می پردازد، به معروف است.
تفکر فلسفی
- ۶- مقصود ملاصدرا از همانا مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها است . فطرت اول
- ۷- طبق دیدگاه ملاصدرا، ورود به پرسش های اساسی و تفکر در آنها مربوط به است . فطرت دوم
- ۸- مطابق دیدگاه ملاصدرا، مرحله برتر و عالی تر فطرت به شمار می رود . فطرت دوم
- ۹- لفظ فلسفه معرب کلمه فیلسوفیا به معنای است. خرداد ۹۸- دوستداری دانایی
- ۱۰- معنای اولیه لفظ فلسفه بود. دی ۹۴- دوستداری دانایی
- ۱۱- فیلسوف بزرگ یونانی، واژه فلسفه (فیلسوفیا) را بر سر زبان ها انداخت و عمومی کرد. سقراط
- ۱۲- معنای کلمه فلسفه به تدریج ارتقا پیدا کرد و مترادف با شد. خرداد ۹۵ دانش یا دانایی
- ۱۳- کلمه فیلسوفوس که در اصل به معنی دوستدار دانایی بود رفته رفته به مفهوم ارتقاء یافت و کلمه فلسفه مرادف با شد.
شهریور ۸۳ - دانشمند، دانش
- ۱۴- کلمه سفسطه در زبان عربی از لفظ ... گرفته شده و اکنون معنای رایج آن ... است. خرداد ۸۷ سوفیست - مغالطه کاری
- ۱۵- لفظ یونانی ای که در آغاز به معنای دانشمند بود و به تدریج معنای آن تنزل یافت می باشد . خرداد ۸۳ سوفیست
- ۱۶- اکنون معنای رایج کلمه سفسطه است . دی ماه ۸۹ مغالطه کاری
- ۱۷- لفظ سوفیست اکنون به معنای است . خرداد ماه ۹۳ مغالطه کار
- ۱۸- دغدغه برخی از سوفیست ها، که بیشتر به تعلیم ... و ... اشتغال داشتند، بیان واقع و دفاع از حقیقت نبود. سخنوری - وکالت
- ۱۹- پیروزی بر رقیب مهم ترین هدف بود . سوفیست ها
- ۲۰- استدلال هایی که ظاهراً درست اما واقعا غلط هستند، نامیده می شوند. خرداد ۹۴- مغالطه یا سفسطه
- ۲۱- به علت تواضع و فروتنی مایل نبود او را سوفیست بنامند و وی خود را نامید. سقراط - فیلسوفوس
- ۲۲- تلاش های بشر برای پاسخ به سؤال های ویژه و اساسی موجب ظهور دانش فلسفه گشته است. قانونمند
- ۲۳- فلسفه درباره ... و ... مسئله ها و موضوعات جهان و انسان بحث می کند. بنیادی ترین - نهادی ترین
- ۲۴- فیلسوف در اصل و ... جهان، طبیعت و انسان کاوش می کند . وجود - حقیقت
- ۲۵- مسئله های فلسفی مانند مسئله های، فقط با عملیات می توان به حل آنها پرداخت . ریاضی - فکری

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- بشر از طریق ایجاد جامعه های صنعتی ، مصیبت های بزرگی برای محیط زیست پدید آورده است. درست
- ۲- عدالت مهم ترین عامل دوام و بقای جامعه به شمار می آید. درست
- ۳- برخی اعتقاد دارند که نظریه های علمی پیوسته تغییر نمی کنند. نادرست
- ۴- یکی از ویژگی های انسان پرشگری است. درست
- ۵- نمی توان گفت که بدون تفکر کاری از انسان ساخته نیست. نادرست
- ۶- در میان انبوه اندیشه های روزانه گاهی برقی از سؤال های خاصی ما را به تفکر وا می دارند. درست
- ۷- تفکر، واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش ها به پاسخ هاست. درست
- ۸- در مرحله تفکر فلسفی، انسان با سؤال های معمولی و روزانه روبرو و به دنبال پاسخ آنهاست. نادرست
- ۹- در مرحله اول تفکر، انسان با جدیت و پیوسته به سوال های اساسی و بنیادی می پردازد که به تفکر فلسفی معروف است. نادرست
- ۱۰- مقصود ابن سینا از فطرت اول همانا مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها است. نادرست
- ۱۱- طبق دیدگاه ملاصدرا، ورود به پرسش های اساسی و تفکر در آنها مربوط به فطرت اول است. نادرست
- ۱۲- مطابق دیدگاه سقراط ، فطرت دوم مرحله برتر و عالی تر فطرت به شمار می رود. نادرست
- ۱۳- تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند به سؤال های اساسی موجب ظهور دانش « فلسفه » شده است. درست
- ۱۴- فلسفه فقط درباره بنیادی ترین و نهادهی ترین موضوعات زندگی انسان بحث می کند. نادرست
- ۱۵- دانشمند علم تجربی در اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان کاوش می کند. نادرست
- ۱۶- مسائل فلسفی را می توان از طریق حواس یا آزمایش یا جست وجو در طبیعت حل کرد و پاسخ داد. نادرست
- ۱۷- مسائل فلسفی مانند مسائل ریاضی نیستند که فقط با عملیات فکری می توان به حل آنها پرداخت. نادرست
- ۱۸- لفظ فلسفه معرب کلمه " فیلسوفوس " به معنای " دوستدار دانایی " است. شهریور ۸۸ - دی ۹۷ نادرست
- ۱۹- لفظ فلسفه معرب کلمه فیلسوفیا و به معنی دوستداری دانایی است. خرداد ۹۲- درست
- ۲۰- لفظ یونانی " فیلسوفیا " به معنای " دوستدار دانش " می باشد. شهریور ۸۷ نادرست
- ۲۱- فیلسوفوس به معنای " دوستدار دانایی رفته رفته به مفهوم مغالطه کار تبدیل شد دی ۸۸ نادرست
- ۲۲- کلمه فیلسوفوس به تدریج مرادف با دانشمند شد و کلمه فلسفه مرادف با دانش شد. خرداد ۸۹ درست
- ۲۳- کلمه فیلسوفوس به تدریج مفهوم اصلی خود را از دست داد و مفهوم مغالطه کار به خود گرفت خرداد ۹۰ نادرست
- ۲۴- افلاطون به علت تواضع و فروتنی مایل نبود او را سوفیست بنامند. شهریور ۹۱- نادرست
- ۲۵- سقراط به علت تواضع و فروتنی مایل نبود او را سوفیست بنامند. دی ۹۳- شهریور ۹۴- درست
- ۲۶- سقراط به علت تواضع و فروتنی تمایل نداشت او را سوفیست بنامند. شهریور ۹۶- درست
- ۲۷- اکنون معنای رایج سوفیست، مغالطه کار است. خرداد ۹۷ درست
- ۲۸- لفظ « فلسفه » ریشه یونانی دارد و از کلمه سوفیست گرفته شده است. شهریور ۹۷ نادرست
- ۲۹- دغدغه برخی از سوفیست ها، که بیشتر به تعلیم سخنوری و وکالت اشتغال داشتند، بیان واقع و دفاع از حقیقت بود. نادرست
- ۳۰- پیروزی بر رقیب مهم ترین هدف سقراط بود. نادرست
- ۳۱- استدلال هایی که ظاهرا درست اما واقعا غلط هستند مغالطه یا سفسطه نامیده می شوند. درست

سوالات تستی

۱- مراحل اندیشه ورزی و تفکر در انسان به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟ **گزینه ۱**

- ۱) روبه رو شدن با مسئله - طرح سوال - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به پاسخ
- ۲) طرح سوال - روبه رو شدن با مسئله - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به پاسخ
- ۳) روبه رو شدن با مسئله - تفکر در اندوخته ها - طرح سوال - رسیدن به پاسخ
- ۴) طرح سوال - روبه رو شدن با مسئله - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به پاسخ

۲- کدام عبارت در مورد تفکر فلسفی درست نیست؟ **گزینه ۲**

- ۱) عبور از مرتبه اول تفکر و طرح پرسش های جدی و رسیدن به پاسخ
- ۲) رو به رو شدن با سوال های معمولی و روزانه و رسیدن به پاسخ
- ۳) با جدیت و پیوسته به سؤال های دسته دوم پرداختن و رسیدن به پاسخ
- ۴) رو به رو شدن با مسایل اساسی و بنیادی و رسیدن به پاسخ

۳- مراحل تفکر فلسفی در انسان به ترتیب در کدام گزینه دقیق تر بیان شده است؟ **گزینه ۳**

- ۱) رو به رو شدن با مسئله های فلسفی - طرح پرسش ها - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت
- ۲) طرح پرسش - رو به رو شدن با مسئله های فلسفی - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت
- ۳) رو به رو شدن با مسئله های فلسفی - طرح پرسش های فلسفی - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت
- ۴) طرح پرسش - رو به رو شدن با مسئله های فلسفی - تفکر در اندوخته ها - رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت

۴- همه گزینه ها بیانگر نظر ملاصدرا است بجز گزینه **گزینه ۳**

- ۱) مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها را فطرت اول می گویند.
- ۲) ماندن در فطرت اول شایسته انسان نیست و انسان ها باید بکوشند که از فطرت اول عبور کنند.
- ۳) انسان ها باید سعی کنند که به فطرت اول که مرحله ای برتر و عالی تر است، برسند.
- ۴) فطرت دوم پرسش های اساسی برای انسان ایجاد می کند، که سبب می شود درباره آنها بیاندیشد.

۵- کدام عبارت منظور ملاصدرا از « مرحله برتر و عالی تر » را بیان می کند؟ **گزینه ۲**

- ۱) فطرت اول ۲) فطرت دوم ۳) تفکر غیر فلسفی ۴) فلسفه مضاف

۶- نظر سوفیستها این بود که..... (سراسری ۹۳) **گزینه ۴**

- ۱) انسان همواره در ادراکات خود دچار خطا است.
- ۲) انسان قادر به تشخیص درستی یا نادرستی ادراکاتش نیست.
- ۳) ما فقط از واقعیاتی آگاه می شویم که آنها را درک می کنیم.
- ۴) واقعیت تابع درک انسان است، نه درک انسان تابع واقعیت

۷- پیش از سقراط، کسانی که خود را می دانستند، معیار را می گرفتند. (خارج کشور ۹۲) **گزینه ۴**

- ۱) فیلسوف - حقیقت - ادراک آدمی
- ۲) سوفیست - ادراک انسان - حواس او
- ۳) دانشمند - برخی واقعیات را - حواس آدمی
- ۴) دانشمند - حقیقت - درک شخصی فرد

۸- کلمه « سوفیست » آن گاه مفهوم اصلی خود را از دست داد که استدلال های ظاهراً ... و واقعاً ... به کار گرفته شد

و تحقق پیدا کرد. (خارج کشور ۹۰) **گزینه ۳**

- ۱) درست - غلط - جدل ۲) غلط - درست - جدل ۳) درست - غلط - سفسطه ۴) غلط - درست - سفسطه.

۹- تفاوت علوم، در اصل به کدام مولفه باز می گردد؟ (خارج کشور ۹۵)

۱) موضوع (۲) روش (۳) مسائل (۴) مفاهیم

۱۰- دغدغه برخی سوفیست ها که بیشتر به اشتغال داشتند، بیان واقع و دفاع از نبود و مهم ترین هدف آنان

..... بود، از این رو در استدلال های خود بیشتر از کمک می گرفتند. **گزینه ۱**

۱) تعلیم سخنوری و وکالت - حقیقت - پیروزی بر رقیب - مغالطه (۲) تکمیل شبوه های استدلال - حقیقت - پیروزی بر رقیب - جدل
۳) گفتگوهای استدلالی - حقیقت - پیروزی بر رقیب - مغالطه (۴) تعلیم سخنوری و وکالت - حقیقت - پیروزی بر رقیب - جدل

۱۱- کدام عبارت درست نیست؟ **گزینه ۱**

۱) چگونگی کسب فضیلت ها یک مساله فلسفی است، بنابراین علوم تجربی جای بررسی و طرح آن نیست.
۲) مسائل فلسفی، از جهت روش، مانند مسائل ریاضی هستند که فقط با عملیات فکری و استدلالی می توان به جواب آنها دست یافت.
۳) مسایل هر علمی، تابع موضوع آن علم است و با تغییر موضوع، مسائل علم نیز تغییر می کند.
۴) فیلسوف در اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان کاوش می کند و اینها اموری اند که پایه و اساس سایر علوم به شمار می آیند..

۱۲- اساسا هر دانشی از چند جهت از سایر دانش ها متمایز و جدا می شود و این جهات در کدام گزینه آمده است؟

۱) دو - روش - هدف (۲) دو - موضوع - روش (۳) سه - هدف - روش - موضوع (۴) دو - موضوع - هدف **گزینه ۲**

۱۳- با توجه به نسبت های چهارگانه در منطق، رابطه « تفکر » و « تفکر فلسفی » در کدام گزینه به شکل درست بیان شده

است؟ **گزینه ۱**



(۲) عموم و خصوص من وجه -



(۱) عموم و خصوص مطلق



(۴) عموم و خصوص مطلق -



(۳) عموم و خصوص من وجه

۱۴- تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند به سؤال های ویژه و اساسی موجب ظهور دانشی به نام..... شد. **گزینه ۴**

(۱) منطق (۲) ریاضیات (۳) فلسفه (۴) فلسفه های

۱۵- تفاوت اساسی فلسفه با سایر دانش ها در کدام گزینه دقیق تر بیان شده است؟ **گزینه ۱**

۱) فلسفه درباره بنیادی ترین و نهایی ترین مسئله ها و موضوعات جهان و انسان بحث می کند.
۲) سایر دانش ها درباره بنیادی ترین و نهایی ترین مسئله ها و موضوعات جهان و انسان بحث می کند.
۳) سایر دانش ها، در هر موضوعی به دنبال نهایی ترین پرسش ها درباره چیستی و چرایی امور هستند.
۴) فلسفه را نمی توان از طریق حواس یا آزمایش یا جست وجود در طبیعت حل کرد و پاسخ داد.

درس دوم فصل اول : ریشه و شاخه های فلسفه

پاسخ فعالیت های درس دوم

▪ دسته بندی ص ۱۲

گزاره های فلسفی زیر، نظر برخی فیلسوفان درباره موضوعات مختلف فلسفی است. اگر دقت کنید، می بینید برخی از آنها اساسی تر و بنیادی تر هستند. این گزاره ها را در ردیف یک و بقیه را در ردیف دو علامت بزنید؟

ردیف	نوع گزاره	۱	۲
۱	انسان مدنی بالطبع است و ذاتا به زندگی اجتماعی گرایش دارد.		*
۲	هستی یک وجود بی انتهاست و حد و مرزی ندارد.	*	
۳	اساس حکومت و سیاست را قدرت تشکیل می دهد.		*
۴	زندگی را با امید به آینده بنا کن، زیرا جهان طراحی دقیقی دارد.		*
۵	تاریخ انسان از قانونمندی خاصی پیروی می کند.		*
۶	درک واقعیت های هستی امکان پذیر است.		*
۷	برخی از فضائل اخلاقی ذاتا ارزشمند هستند.		*
۸	قانون علیّت در سراسر عالم جاری و ساری است.	*	
۹	موجودات جهان به دو دسته زوال پذیر و زوال ناپذیر تقسیم می شوند.	*	
۱۰	راه های مختلفی برای شناخت جهان وجود دارد.		*

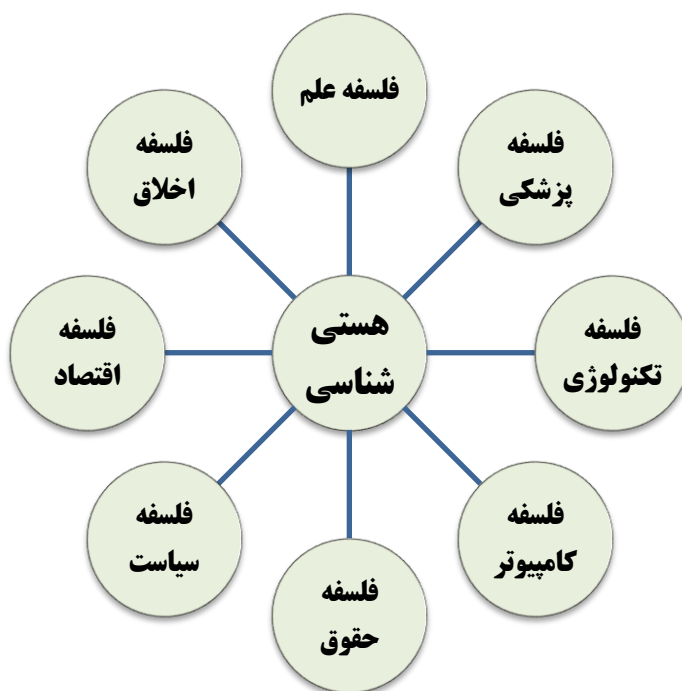
بررسی ص ۱۳

بار دیگر به فعالیت ابتدای درس بازگردید و ببینید که کدام یک از گزاره ها مربوط به وجودشناسی و کدام مربوط به معرفت شناسی است.

ردیف	نوع گزاره	وجودشناسی	معرفت شناسی
۱	هستی یک وجود بی انتهاست و حد و مرزی ندارد.	*	
۲	درک واقعیت های هستی امکان پذیر است.		*
۳	قانون علیّت در سراسر عالم جاری و ساری است.	*	
۴	موجودات جهان به دو دسته زوال پذیر و زوال ناپذیر تقسیم می شوند.	*	
۵	راه های مختلفی برای شناخت جهان وجود دارد.		*

تکمیل کنید : ص ۱۰

نام فلسفه های مضافی را که می دانید، در دایره های خالی بنویسید.



▪ دسته بندی ص ۱۷

بار دیگر به فعالیت ابتدای درس بازگردید و نام فلسفه مضاف هر یک از گزاره ها را که به شاخه های فلسفه مربوط می شوند، روبه روی آنها بنویسید.

ردیف	گزاره	نام فلسفه مضاف
۱	انسان مدنی بالطبع است و ذاتا به زندگی اجتماعی گرایش دارد.	فلسفه اجتماع یا فلسفه جامعه شناسی
۲	اساس حکومت و سیاست را قدرت تشکیل می دهد.	فلسفه سیاست
۳	زندگی را با امید به آینده بنا کن، زیرا جهان طراحی دقیقی دارد.	فلسفه انسان ، انسان شناسی
۴	تاریخ انسان از قانونمندی خاصی پیروی می کند.	فلسفه تاریخ
۵	انسان توانایی درک واقعیت های هستی را دارد.	معرفت شناسی
۶	برخی از فضائل اخلاقی ذاتا ارزشمند هستند.	فلسفه اخلاق

سوالات تشریحی

- ۱- بخش اصلی دانش فلسفه درصدد بحث و بررسی چه موضوعی است؟
بخش اصلی که به منزله ریشه و اساس فلسفه است، درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است.
- ۲- مقصود از بخش های فرعی دانش فلسفه چیست؟
بخش های فرعی که به منزله شاخه ها و فروع فلسفه اند، آن دسته از دانش های فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص منتقل می سازند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان می کنند.
- ۳- تفاوت و تمایز میان بخش اصلی دانش فلسفه و بخش های فرعی آن را در چه می دانید؟ آن را توضیح دهید.
بخش اصلی که به منزله ریشه و اساس فلسفه است، درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است و بخش های فرعی که به منزله شاخه ها و فروع فلسفه اند، آن دسته از دانش های فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص منتقل می سازند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان می کنند.
- ۴- تلاش فیلسوفان در بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن به چه هدفی صورت می گیرد؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
فیلسوفان تلاش می کنند قوانین و احکامی را که مربوط به خود هستی و وجود است به دست آورند؛ مثلاً بدانند که آیا در هستی قانون علیت جاری است یا نه و از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است، آنان می خواهند توانایی انسان در شناخت هستی را هم بررسی کنند و بدانند که بشر چگونه و با چه ابزاری می تواند به شناخت هستی بپردازد.
- ۵- اصطلاحات روبرو را تعریف کنید. الف) هستی شناسی ب) معرفت شناسی
الف) درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند.
ب) توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد.
- ۶- اگر کسی در وجودشناسی بپذیرد که «وجود بر دو قسم مادی و مجرد است» در زمینه انسان شناسی فلسفی چه دیدگاهی خواهد داشت؟
اگر کسی در وجودشناسی پذیرفته باشد که «وجود بر دو قسم مادی و مجرد از ماده است» چنین کسی در انسان شناسی فلسفی خود می تواند بگوید که «انسان» نیز دارای دو بُعد مادی و مجرد است.
- ۷- کسانی که در زمینه انسان شناسی فلسفی، انسان را دارای دو بعد مادی و مجرد می دانند در علم روان شناسی چه دیدگاهی خواهند داشت؟
کسانی که معتقد باشند انسان دارای این دو بُعد مادی و مجرد است، در علم روان شناسی به بُعد مجرد او هم می پردازند و جایگاه آن را در رفتار و تربیت نشان می دهند.
- ۸- آیا امروزه می توان برای هر رشته علمی یک شاخه از فلسفه نیز طراحی کرد و نحوه پیدایش آنها چگونه است؟
آری، با تأمل فیلسوفانه در حوزه هایی مانند اخلاق، دین، تاریخ و طبیعت، شاخه هایی از فلسفه مانند فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه تاریخ و فلسفه طبیعت شکل می گیرد. امروزه دامنه این فلسفه ها بسیار توسعه یافته و هر رشته علمی، دارای شاخه ای از فلسفه نیز هست، مانند فلسفه فرهنگ، فلسفه تکنولوژی و فلسفه حقوق.
- ۹- چرا به «فلسفه علم»، «فلسفه هنر»، «فلسفه اخلاق» و «فلسفه فیزیک» فلسفه های مضاف می گویند؟
زیرا کلمه فلسفه به کلمه ای که نام آن دانش یا موضوع خاص است، اضافه شده است؛ مانند «فلسفه فیزیک» که به کلمه «فیزیک» اضافه شده است یا «فلسفه علم» که به کلمه «علم» اضافه شده است.

۱۰- تعیین کنید هریک از موارد زیر به دانش های خاص برمی گردد یا به ریشه و شاخه های فلسفه .

(۱) معرفت شناسی (۲) فلسفه حقوق (۳) فلسفه تکنولوژی (۴) علم اقتصاد (۵) علم پزشکی (۶) فلسفه علم پزشکی (۷) وجودشناسی (۱، ۷) ریشه فلسفه (۲، ۳، ۶) شاخه های فلسفه (۴، ۵) دانش های خاص

۱۱- آیا بین فلسفه های مضاف و علوم مختلف ارتباط وجود دارد؟ توضیح دهید .

آری زیرا مبانی و زیربناهای علوم در فلسفه های مضاف قرار دارند و آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می گیرد .

۱۲- مکتب اصالت فرد در علوم اجتماعی را توضیح دهید.

گروهی از فیلسوفان پیرو اصالت فرد هستند و جامعه را مجموعه ای از افراد می دانند که کنار هم زندگی می کنند.

۱۳- مکتب اصالت جامعه در علوم اجتماعی را توضیح دهید .

گروهی از فیلسوفان معتقدند که افراد یک جامعه نقش و هویت مستقلی ندارند و افکار و اندیشه ها و تصمیم گیری های آنان تابع شرایط اجتماعی آنان است .

۱۴- اثرات اعتقاد به اصالت فرد یا اعتقاد به اصالت جامعه سبب بروز چه نوع مکاتبی می شود ؟

آنان که به اصالت فرد معتقدند، همواره منافع و مصلحت افراد را بر منافع جامعه مقدم دانسته و در برنامه ریزی های فرهنگی و اقتصادی و نظایر آن، بیشتر به منافع و رشد فرد توجه دارند و در سیاست نیز معتقد به « لیبرالیسم » هستند که تأمین کننده آزادی های فردی است.

اما آنان که به اصالت جامعه معتقدند ، برنامه های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی آنان، سمت و سویی اجتماعی دارد و منافع جمع را در اولویت قرار می دهند و در سیاست نیز به « سوسیالیسم » اعتقاد دارند که تأمین کننده منافع جمعی است.

۱۵- دیدگاه فلسفی کسانی که هم به اصالت فرد و هم به اصالت جامعه معتقدند را بنویسید.

این گروه معتقدند که گرچه افراد تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار می گیرند، اما هیچ گاه قدرت اختیار و تصمیم گیری خود را از دست نمی دهند و توانایی تأثیرگذاری بر جامعه و حتی تغییر جامعه را دارند. همچنین معتقدند که جامعه صرفاً جمع افراد نیست، بلکه با گرد هم آمدن افراد و زندگی طولانی آنان با یکدیگر، یک روح جمعی در جامعه شکل می گیرد که می تواند بر افراد جامعه تأثیر بگذارد و آنها را تابعی از ویژگی ها و ساختار جامعه قرار دهد. این دیدگاه فلسفی قائل به اصالت فرد و جامعه، توأمان است.

۱۶- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- | | |
|---|----------------|
| الف) تأمین کننده منافع جمعی | ۱- هستی شناسی |
| ب) بررسی قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود | ۲- سوسیالیسم |
| ج) تأمین کننده آزادی های فردی | ۳- معرفت شناسی |
| د) توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد . | ۴- لیبرالیسم |

جواب: الف) ۲ (ب) ۱ (ج) ۴ (د) ۳

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- دو بخش اصلی و ریشه ای فلسفه را نام ببرید؟ وجودشناسی - معرفت شناسی
- ۲- دانشی که درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند چه نامیده می شود؟ وجودشناسی یا هستی شناسی
- ۳- دانشی که توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد چه نام دارد؟ معرفت شناسی
- ۴- یکی از شاخه های مهم فلسفه است را نام ببرید. فلسفه علوم اجتماعی
- ۵- یکی از مسائل مورد توجه فلسفه علوم اجتماعی چیست؟ آیا جامعه اصالت و اهمیت دارد یا فرد
- ۶- به ترتیب، کدام مکتب، تأمین کننده آزادی های فردی و کدام یک تأمین کننده منافع جمعی است؟ لیبرالیسم - سوسیالیسم
- ۷- کدام دیدگاه معتقد است که گرچه افراد تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار می گیرند، اما هیچ گاه قدرت اختیار و تصمیم گیری خود را از دست نمی دهند و توانایی تأثیرگذاری بر جامعه و حتی تغییر جامعه را دارند؟ دیدگاه کسانی که هم به اصالت فرد اعتقاد دارند و هم به اصالت جامعه

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- دانش فلسفه دارای یک بخش و تعدادی بخش های ... است. اصلی - فرعی
- ۲- بخش اصلی دانش فلسفه به منزله ... فلسفه است و بخش های فرعی در حکم ... آندند. ریشه و اساس، شاخه ها و ستون های
- ۳- بخش اصلی فلسفه درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت و مسائل پیرامون آن است. وجود
- ۴- فیلسوفان تلاش می کنند قوانین و احکامی را که مربوط به خود است به دست آورند. هستی (وجود)
- ۵- از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر آن است، فیلسوفان می خواهند توانایی انسان در شناخت ... را بررسی کنند. امکان شناخت - هستی
- ۶- فیلسوفان می خواهند بدانند که بشر و با چه می تواند به شناخت هستی پردازد. چگونه - ابزاری
- ۷- بخش اصلی و ریشه ای فلسفه به دو بخش و تقسیم می شود. هستی شناسی - معرفت شناسی
- ۸- دانشی که درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند..... نامیده می شود. هستی شناسی
- ۹- دانشی است که توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد. معرفت شناسی
- ۱۰- شاخه های دانش فلسفه، آن دسته از دانش های فلسفی هستند که قوانین بنیادی و را به محدوده های خاص منتقل می سازند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان می کنند. وجودشناسی - معرفت شناسی
- ۱۱- به شاخه هایی از فلسفه مانند فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه تاریخ و فلسفه طبیعت می گویند. فلسفه های مضاف
- ۱۲- یکی از مسائل مورد توجه در این است که آیا جامعه اصالت و اهمیت دارد یا فرد. فلسفه علوم اجتماعی
- ۱۳- آنان که به اصالت فرد معتقدند، همواره منافع و مصلحت ... را بر منافع ...مقدم می دانند. افراد - جامعه
- ۱۴- طرفداران اصالت فرد، در سیاست معتقد به هستند که تأمین کننده آزادی های فردی است. لیبرالیسم

۱۵- طرفداران اصالت جامعه معتقدند که افراد یک جامعه، نقش و مستقلی ندارند و افکار و تصمیم گیری های آنان تابع ...
اجتماعی آنان است. هويت - شرايط

۱۶- طرفداران اصالت جامعه در سياست به ... اعتقاد دارند که تأمين کننده منافع جمعی است. « سوسيالیسم »

تعيين کنید کدام عبارت صحيح و کدام غلط می باشد.

- ۱- دانش فلسفه دارای یک بخش اصلی و تعدادی بخش های فرعی است. درست
- ۲- بخش اصلی دانش فلسفه به منزله ستون فلسفه است و بخش های فرعی در حکم ریشه آند. نادرست
- ۳- بخش اصلی فلسفه درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است. درست
- ۴- فیلسوفان تلاش می کنند قوانین و احکامی را که مربوط به خود هستی و وجود است به دست آورند. درست
- ۵- از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر ضرورت شناخت آن است، فیلسوفان می خواهند توانایی انسان در شناخت جهان را بررسی کنند. نادرست
- ۶- بخش اصلی و ریشه ای فلسفه به دو بخش هستی شناسی و وجود شناسی تقسیم می شود. نادرست
- ۷- دانشی که درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند معرفت شناسی نامیده می شود نادرست
- ۸- فلسفه های مضاف آن دانش هایی هستند که می خواهند توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار دهند نادرست
- ۹- شاخه های دانش فلسفه، درصددند، قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های عام منتقل سازند. نادرست
- ۱۰- یکی از مسائل مورد توجه در فلسفه علوم این است که آیا جامعه اصالت و اهمیت دارد یا فرد. نادرست
- ۱۱- آنان که به اصالت فرد معتقدند، همواره منافع و مصلحت جامعه را بر منافع افراد مقدم می دانند. نادرست
- ۱۲- طرفداران اصالت فرد، در سياست معتقد به سوسيالیسم هستند که تأمين کننده آزادی های فردی است. نادرست
- ۱۳- طرفداران اصالت جامعه معتقدند که افراد یک جامعه، نقش و هويت مستقلی ندارند. درست
- ۱۴- طرفداران اصالت جامعه معتقدند افکار و تصمیم گیری های افراد یک جامعه، تابع شرايط اجتماعی آنان است. درست
- ۱۵- طرفداران اصالت جامعه در سياست به لیبرالیسم اعتقاد دارند که تأمين کننده منافع جمعی است. نادرست
- ۱۶- می توان برای هر رشته علمی یک شاخه ای از فلسفه نیز طراحی کرد. درست

سوالات تستی

گزینه ۲

۱- کدام سوال به حوزه معرفت شناسی مربوط می شود؟ (سراسری ۹۷)

(۱) آیا یادآوری خاطرات خوشایند، بر همه انسان ها تاثیر یکسان دارد؟

(۲) اگر حافظه جایی در مغز داشته باشد، خاطره یک کوه را چگونه می توان جای داد؟

(۳) آیا فعالیت های مغز در زمان مرور خاطرات خوش و خاطرات رنج آور، یکسان است؟

(۴) زمانی که انسان محبت نسبت به کسی را در خود احساس می کند، آیا در مغز او نیز اتفاقی می افتد

۲- کدام دانش به این سوال که « آیا در هستی، قانون علیت جاری است یا نه.» پاسخ مناسب تری می دهد؟ گزینه ۳

(۱) معرفت شناسی (۲) فلسفه طبیعت (۳) وجودشناسی (۴) فلسفه مضاف

۳- دانشی که درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند و دانشی که توانایی انسان در شناخت هستی را مورد

مطالعه قرار می دهد به ترتیب عبارتند از: گزینه ۴

(۱) معرفت شناسی- هستی شناسی (۲) هستی شناسی- وجود شناسی (۳) فلسفه های مضاف- هستی شناسی (۴) هستی شناسی- معرفت شناسی

۴- کدام یک از گزینه های زیر، در زمره فلسفه های مضاف به شمار نمی رود؟

(۱) فلسفه علم (۲) فلسفه هنر (۳) فلسفه اخلاق (۴) فلسفه اولی گزینه ۴

۵- درباره فلسفه های مضاف نمی توان گفت: گزینه ۳

(۱) فلسفه فرهنگ، فلسفه تکنولوژی و فلسفه حقوق فلسفه های مضاف می گویند زیرا کلمه فلسفه به کلمه ای که نام آن دانش یا موضوع خاص است، اضافه شده است.

(۲) میان هستی شناسی و معرفت شناسی هر فیلسوف با فلسفه مضاف او رابطه وجود دارد.

(۳) به عنوان یکی از اقسام هستی، در داخل همان وجودشناسی قرار می گیرد و امروزه با عنوان مستقل مطرح می شوند.

(۴) آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می گیرد.

۶- کدام عبارت نادرست است؟ گزینه ۱

(۱) مبانی و زیربنای علوم در معرفت شناسی قرار دارند.

(۲) شاخه های دانش فلسفه، آن دسته از دانش های فلسفی اند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص منتقل می سازند.

(۳) آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می گیرد.

(۴) امروزه دامنه فلسفه های مضاف بسیار توسعه یافته و هر رشته علمی، دارای شاخه ای از فلسفه است.

۷- به ترتیب، کدام نظریه، به درستی توصیف کننده لیبرالیسم و سوسیالیسم در سیاست است؟ گزینه ۲

(۱) اصالت فرد- اصالت جامعه (۲) اصالت فرد- اصالت جامعه

(۳) اصالت جامعه- اصالت فرد (۴) اصالت جامعه- اصالت فرد و جامعه

پاسخ فعالیت های درس سوم

▪ بررسی ص ۲۶

با توجه به تمثیل غار افلاطون،

- ۱- گذر از یک وضع عادی و رسیدن به حقیقت برتر در پرتو چه چیزی به دست می آید؟
راه رهایی از نظر افلاطون، در آمدن از سکون، بلند شدن از جای خود، تحمل رنج اولیه برای عبور و رسیدن به حقیقت است.
- ۲- رنج رسیدن به حقیقت شیرین تر است یا راحتی ماندن در نادانی؟ رنج رسیدن به حقیقت
- ۳- چرا افلاطون ماندن در نادانی و عدم درک حقیقت را به زندانی در بند تشبیه کرده است؟
نادان، محصور در توهمات خود است. محدوده دید او بسیار کوچک است. بنا بر ضرب المثل، نا نوک بینی خود را بیشتر نمی بیند. گویا دست و پایش بسته است و از انواع حرکت هایی که می تواند بکند و انواع تصمیم هایی که می تواند بگیرد، خبر ندارد. به همین جهت، انجام نمی دهد. و زندانی در بند نیز چنین است. پس می توان گفت هر دو گروه درباره شکل زندگی و تصمیم گیری هایی که می کنند، نمی اندیشند و گرفتار زنجیر عادات خود و آداب و رسوم هستند که جامعه، صحیح یا غلط، بر آنها تحمیل کرده است. حوادث جهان و زندگی نیز آنان را به تأمل و تفکر نمی کشاند.
- ۴- بزرگ ترین زندانی که بشر ممکن است به آن گرفتار شود، چیست؟
این سؤال درباره زندان انسان از دیدگاه افلاطون است.
افلاطون در تمثیل غار، انسان معمولی را انسانی تصور می کند که در غاری زندانی است و توانایی عبور از وضع موجود را ندارد. او انسانی است که به همین مشاهدات محسوس قناعت می کند و همین دنیا و عالم محسوس را حقیقت هستی تلقی می کند و چشمش به روی مراتب دیگر عالم باز نشده است.
- ۵- چرا زندانیان در غار سخنان جوانی را که برای رهایی آنها برگشته بود، نمی پذیرفتند؟
این سؤال، مقایسه ای میان انسان رها شده از غار و افراد محبوس در زندان است.
مشکل بزرگ انسان های متفکر، نامأنوس بودن سخنان آنها برای آدم های معمولی است. انسان های عادی به وضع موجود خود عادت کرده اند و هر کس بخواهد این عادت را به هم بریزد برای آنان سخت و دردآور است.
آدم های معمولی چون اهل تفکر نیستند همین وضع موجود را بیشتر می پسندند و از تغییر و تحول بیزارند.
البته نکات فراوان دیگری می توان در پاسخ این سه سؤال مطرح کرد که نتیجه تفکر در تمثیل غار است.

سوالات تشریحی

- ۱- ویژگی تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه در مورد باورهای زندگی چیست؟ و چگونه می تواند ، فرد را به آزاد اندیشی و شخصیت مستقل برساند ؟
- تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، غور در باورهای مربوط به زندگی است. آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها . راه پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست . در این صورت ، این خودمان هستیم که بنیان های فکری خود را می سازیم و به آزاداندیشی می رسیم و شخصیتی مستقل کسب می کنیم.
- ۲- با توجه به نقش باورهای مربوط به زندگی در تعیین و انتخاب اهداف، انسانها را می توان به چند دسته تقسیم کرد ؟
می توانیم مردم را به سه دسته تقسیم کنیم :
- ۱) برخی آدم ها کمتر به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می اندیشند و به همان اندازه ای که از دور و برشان آموخته اند، قناعت می کنند، در نتیجه در انتخاب هدف نیز دقت نظر چندانی ندارند و بیشتر دنباله روی دیگرانند.
- ۲) برخی آدم ها به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می اندیشند و در بسیاری موارد به دانشی درست درباره جهان و انسان می رسند؛ در نتیجه می توانند هدف قابل قبولی برای زندگی برگزینند و زندگی آنان معنای درستی پیدا کند .
- ۳) برخی آدم ها نیز نگرشی نادرست درباره جهان و انسان دارند. اینان، در انتخاب هدف به خطا رفته و زندگی آنان معنای نادرستی به خود گرفته است .
- ۳- سه مورد از فواید تفکر فلسفی را نام ببرید. ۱) دوری از مغالطه ها ۲) استقلال در اندیشه ۳) رهایی از عادات غیرمنطقی
- ۴- نقش تفکر فلسفی و ارتباط آن با منطق در دوری از مغالطه ها چگونه نقشی است ؟ توضیح دهید .
یکی از فواید آموختن منطق توانایی تشخیص مغالطه ها و خارج کردن آنها از باورهاست. فلسفه از این توانایی منطقی کمک می گیرد تا اندیشه های درست را از تفکرات غلط تشخیص دهد و راه رسیدن به اعتقادات درست را هموار سازد.
- ۵- کوشش فیلسوفان برای دوری از مغالطه به چه هدفی صورت می گیرد؟
فیلسوفان می کوشند با کاستن از مغالطه ها ، فهم درستی از حقایق، چه در عالم هستی و چه در مسائل زندگی روزمره ارائه دهند، با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد، آن فهم را بیان کنند .آنان همچنین می کوشند نمونه هایی از مغالطه ها را جهت عبرت گرفتن دیگران، بیان کنند. برخی از افراد بدون اینکه دقت کنند، گاهی در زندگی خود، باوری را که مبنای آن یک مغالطه است، پذیرفته اند و براساس آن تصمیم می گیرند و عمل می کنند .
- ۶- دو ویژگی از مهمترین ویژگی های فیلسوف واقعی را بنویسید.
فیلسوف واقعی سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را برپایه توهّم تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند. فیلسوف واقعی در استدلال ها تفکر می کند و اگر به درستی آنها پی برد، می پذیرد.
- ۷- فرق اندیشه یک فیلسوف با دیگران درباره مسائل بنیادین فلسفه چیست؟
اولاً، فیلسوف درباره مسائل مختلف مانند خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی و رنج به نحو جدی فکر می کند.
ثانیا ، فیلسوف با روش درست وارد مسائلی مانند خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی و رنج می شود و پاسخ می دهد.
ثالثا فیلسوف تابع برهان و استدلال است؛ نه تابع افراد و اشخاص.

۸- واکنش مردمی که عادات غیرمنطقی دارند نسبت به نقد و ارزیابی این افکار غیرمنطقی توسط متفکران و اندیشمندان چیست؟
 در ابتدا مردم سخنان این متفکران را نمی پذیرند و حتی دیدگاه آن متفکران را باطل و انحرافی می نامند.
 ۹- چرا در تمثیل غار افلاطون، زندانی نمی تواند مستقیماً به سمت دهانه غار روانه شود و به روشنایی آتش بیرون نگاه کند؟
 زیرا روشنایی چشم هایش را خیره خواهد ساخت و نخواهد توانست عین اشیا را که تا آن هنگام تنها سایه های آنها را می دید، درست ببیند و اگر بخواهد در خود روشنایی بنگرد، طبیعی است که چشم هایش به دردی طاقت فرسا مبتلا خواهد شد؛ بنابراین این فرد از روشنایی خواهد گریخت و باز به سایه ها پناه خواهد برد زیرا آنها را بهتر می توانست ببیند. عقیده اش هم نسبت به سایه ها استوارتر خواهد شد

۱۰- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- | | |
|--|-----------------------|
| (الف) از فواید تفکر فلسفی . | (۱) فیلسوف واقعی |
| (ب) آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها | (۲) دوری از مغالطه ها |
| (ج) سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد | (۳) تفکر فلسفی |
| (د) افلاطون با بیان آن می خواهد ، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند تمثیل | (۴) غار افلاطون |
- جواب) الف) ۲ (ب) ۳ (ج) الف (د) ۴

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- اهل تفکر فلسفی می کوشند بنیان های فکری خود را در کدام چارچوب قرار دهند؟ چارچوب عقل و منطق
- ۲- چه مسائل یا اموری، فلسفه ما را می سازند و نقش تعیین کننده در انتخاب اهداف ما دارند؟ باورهای مربوط به زندگی
- ۳- این عبارت که « فیلسوف واقعی سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه توهّم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند . » بیانگر کدام مورد از فواید تفکر فلسفی است ؟ استقلال در اندیشه
- ۴- هدف افلاطون از بیان تمثیل غار چیست ؟
 می خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند.
- ۵- افلاطون تمثیل غار خود را در کدام کتاب خویش مطرح می نماید؟ کتاب جمهوری

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- اهل تفکر فلسفی می کوشند بنیان های فکری خود را در چارچوب ... و ... قرار دهند. عقل - منطق
- ۲- تفکر و اندیشیدن فیلسوفانه غور در مربوط به زندگی است. فلسفی - باورهای
- ۳- مقصود از تفکر فلسفی، آموختن چرایی و یافتن دلایل یا باورهای مربوط به زندگی. درستی - نادرستی
- ۴- باورهایی که ما را می سازند، نقش تعیین کننده در انتخاب ما دارند. فلسفه - اهداف
- ۵- فلسفه هر کس ... به زندگی اوست. معنا دهنده
- ۶- برخی آدم ها کمتر به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می اندیشند و به همان اندازه ای که از دور و برشان آموخته قناعت می کنند، در نتیجه در انتخاب ... دقت نظر چندانی ندارند و بیشتر دیگرانند. هدف - دنباله روی
- ۷- برخی آدم ها به اموری مانند ... انسان و جهان می اندیشند و در بسیاری موارد به دانشی ... درباره جهان و انسان می رسند. حقیقت - درست
- ۸- برخی آدم ها نگرشی ... درباره جهان و انسان دارند. اینان، در انتخاب هدف به رفته و زندگی آنان معنای نادرستی به خود گرفته است. نادرست - خطا
- ۹- با پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست، می توانیم بنیان های فکری خود را بسازیم و به برسیم و شخصیتی کسب کنیم. آزاداندیشی - مستقل
- ۱۰- فلسفه از توانایی منطق کمک می گیرد تا اندیشه های را از تفکرات تشخیص دهد و راه رسیدن به اعتقادات درست را هموار سازد. درست - غلط
- ۱۱- فیلسوفان می کوشند با کاستن از، فهم درستی از حقایق، چه در عالم هستی و چه در مسائل زندگی روزمره ارائه دهند، با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد، آن را بیان کنند. مغالطه ها - فهم
- ۱۲- فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه توهّم، تخیل، تبلیغات و تعصب دلیل - بنا نمی کند.
- ۱۳- فرق فیلسوف با دیگران در این است که فیلسوف درباره همه مسائل فلسفی مانند خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی و رنج به نحو جدی می کند. بنیادین - فکر
- ۱۴- افلاطون در تمثیل غار می خواهد نشان دهد که چگونه ...، انسان را به سمت حقیقی هدایت می کند. فلسفه - آزادی
- ۱۵- افلاطون دستیابی به آزادی حقیقی را در کتاب به کمک بیان داشته است. جمهوری - تمثیل غار

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- همه ما باورهایی درباره جهان ، انسان ، مرگ و عدالت داریم و براساس آنها تصمیم می گیریم و عمل می نماییم . درست
- ۲- همه انسان ها، فارغ از اشتغالات روزانه، لحظاتی درباره باورهای خود فکر می کنند و نسبت به پذیرش آن باورها می اندیشند.
نادرست
- ۳- تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، غور در باورهای مربوط به زندگی است . درست
- ۴- در حقیقت، اهل تفکر فلسفی می کوشند بنیان های فکری خود را در چارچوب عقل و منطق قرار دهند. درست
- ۵- باورهایی که فلسفه ما را می سازند، نقش تعیین کننده در انتخاب اهداف ما دارند . درست
- ۶- فلسفه هر کس معنادهنده به زندگی اوست . درست
- ۷- یکی از فواید آموختن فلسفه توانایی تشخیص مغالطه ها و خارج کردن آنها از باورهاست. نادرست
- ۸- منطق از توانایی فلسفه کمک می گیرد تا اندیشه های درست را از تفکرات غلط تشخیص دهد. نادرست
- ۹- فیلسوفان می کوشند نمونه هایی از مغالطه ها را جهت عبرت گرفتن دیگران، بیان کنند . درست
- ۱۰- فیلسوف واقعی سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند . درست
- ۱۱- فیلسوف واقعی در استدلال ها تفکر می کند و اگر به درستی آنها پی برد، می پذیرد. درست
- ۱۲- فرق فیلسوف با دیگران در این است که فیلسوف درباره همه مسائل بنیادین فلسفی مانند خدا به نحو جدی فکر می کند.
درست
- ۱۳- ارسطو از بزرگ ترین فیلسوفان تاریخ ، تمثیلی دارد که به « تمثیل غار» مشهور است. نادرست
- ۱۴- افلاطون در تمثیل غار می خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند. درست
- ۱۵- افلاطون تمثیل غار را در کتاب جمهوری مطرح می کند . درست
- ۱۶- کتاب جمهوری متعلق به ارسطو است. خرداد ۹۲- نادرست

سوالات تستی

- ۱- کدام عبارت با توجه به بحث تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، درست نیست ؟
- ۱) تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، عمل برطبق عادت به باورهای مربوط به زندگی مانند مرگ، عدالت و زیبایی است .
- ۲) تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه یعنی آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها .
- ۳) تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، راه پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست .
- ۴) تفکر فلسفی و اندیشیدن فیلسوفانه، کسب شخصیتی مستقل و آزاداندیش و ایجاد بنیان های فکری خاص خود
- ۲- فواید تفکر فلسفی در همه گزینه ها آمده است به جز
- ۱) دوری از مغالطه ها (۲) رهایی از مسائل بنیادین (۳) رهایی از عادات غیرمنطقی (۴) استقلال در اندیشه
- ۳- کدام عبارت بیانگر « نظریه مثل افلاطونی » است ؟ کنکور سراسری ۸۳
- ۱) آنچه در این جهان است اصل و حقیقتش در جهان دیگر است.
- ۲) آنچه در این جهان است فقط سایه است و اصلی ندارد .
- ۳) افراد این جهان اصلی دارند که در درون یک غار و در تاریکی زندگی می کنند .
- ۴) افراد این جهان به منزله حقایقی هستند که سایه آنها در جهان دیگری است .
- ۴- منظور اصلی افلاطون از ارائه « تمثیل غار » بیان کدام مطلب است ؟
- ۱) فلسفه می تواند انسان را به آزادی حقیقی هدایت کند . (۲) فلسفه می خواهد نهایت بی اعتباری ادراکات حسی را نشان دهد .
- ۳) فلسفه درصدد تبیین نارسایی ادراکات حسی است . (۴) فلسفه در تلاش است تا ناپایداری موجودات طبیعت را آشکار سازد.
- ۵- این مطلب که « هیچ فیلسوف واقعی سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه توهم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند . » نشان دهنده کدام یک از فواید سه گانه تفکر فلسفی است ؟
- ۱) دوری از مغالطه ها (۲) حیرت فلسفی (۳) رهایی از عادات غیرمنطقی (۴) استقلال در اندیشه
- ۶- با توجه به تمثیل غار افلاطون کدام مطلب را نمی توان برداشت کرد ؟
- ۱) وقتی زندانی آزاد شده از غار به افراد درون غار می گوید ، سایه ها حقیقی نیستند ، سخن او را تصدیق می کنند.
- ۲) افراد درون غار ، سایه انسان ها و حیوانات و اشیای خارج غار را اشیای واقعی می پندارند .
- ۳) وقتی زندانی آزاد شده از غار به افراد درون غار می گوید ، سایه ها حقیقی نیستند ، حرف او را خنده دار توصیف می کنند.
- ۴) تمثیل غار افلاطون می خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند.
- ۷- پاسخ اصلی به این سوال که « چرا با وجودی که همه مردم در مسائل بنیادین فلسفی مانند خدا، آزادی و اختیار، خوشبختی و رنج می اندیشند و نظر می دهند؛ اما فیلسوف نیستند و با فیلسوفان تفاوت دارند ؟
- ۱) زیرا فیلسوف درباره همین مسائل به نحو جدید فکر می کند و با روش جدید وارد این قبیل مسائل می شود.
- ۲) زیرا فیلسوف سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و با روش متفاوت وارد این قبیل مسائل می شود .
- ۳) زیرا فیلسوف درباره این مسائل به نحو جدی فکر می کند و با روش درست وارد این قبیل مسائل می شود.
- ۴) زیرا فیلسوف عقیده اش را بر پایه توهم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند .

درس چهارم فصل اول : آغاز تاریخی فلسفه

سوالات تشریحی

- ۱- آیا آغاز اندیشه بشر مربوط به زمان و مکان خاصی است؟ چرا؟
خیر نمی توان برای دانش فلسفه، از نظر زمانی آغازی تعیین کرد. همان طور که نمی توان گفت فلسفه ابتدا در کدام سرزمین پدید آمده است. زیرا هر جا که تمدنی شکل گرفته و پدید آمده، حتماً کسانی در آن تمدن بوده اند که دربارهٔ اساسی ترین مسئله های هستی و زندگی بشر اندیشیده و سخن گفته اندگرچه آثار مکتوبی از آنان به ما نرسیده است و ما اطلاعی از آن اندیشه ها و سخن ها نداریم. برخی از تمدن ها آن قدر قدیمی اند که در گذر زمان و آمد و شد حوادث آثار تمدنی آنها از بین رفته است.
- ۲- چرا از سرزمین یونان به عنوان مهد تفکر فلسفی یاد می کنند؟ دی ۸۶
زیرا نخستین مجموعه ها یا قطعه هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده یا جنبه ی فلسفی در آنها غلبه داشته است از یونان باستان به یادگار مانده است
- ۳- مهد تفکر فلسفی کجاست؟ چرا؟
یونان زیرا نخستین مجموعه ها یا قطعه هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده یا جنبه ی فلسفی در آنها غلبه داشته است از یونان باستان به یادگار مانده است
- ۴- زادگاه فلسفه ی یونان در کجاست و از چه زمانی آغاز شد؟
زادگاه فلسفه یونان واقع در غرب آسیای صغیر (ترکیه ی کنونی) که ایونیا که نامیده می شد می باشد و شش قرن پیش از میلاد پایه گذاری شد.
- ۵- چه مسئله ای بیش از هر چیز ذهن اندیشمندان نخستین را جهت تبیین عقلانی به خود مشغول می داشت؟ (شهریور ۸۸)
دگرگونیهایی بود که پیوسته در جهان رخ می داد و آنها کوشش می کردند تا به دیدگاهی دست یابند که بتوانند به درستی این دگرگونی ها را تبیین عقلانی کنند
- ۶- از نظر تاریخ نگاران فلسفه غربی، نخستین فیلسوف یونان کیست؟ و در چه قرنی می زیسته است؟
تالس - قرن شش پیش از میلاد.
- ۷- سه تن از نخستین فیلسوفان یونان را نام ببرید.
تالس - فیثاغورث - هراکلیتوس - پارمیندس
- ۸- با توجه به اینکه از «تالس» هیچ گونه نوشته ای باقی نمانده است پس از چه طریقی می توان به افکار وی دست یافت؟
تنها از روی نوشته های فیلسوفان بعدی می توان از افکار او آگاه شد.
- ۹- تالس که مانند اندیشمندان آن دوره یونان به دنبال یافتن مبدأ تغییرات و دگرگونی ها بود، اولین عنصر و پایه و اساس سایر چیزها را چه می داند؟
به عقیده تالس آب اولین چیز و بنیان سایر چیزهاست. همه چیزها از آب ساخته شده است. زمین نیز روی آب قرار گرفته است.

۱۰- چرا تالس عقیده داشت که آب اولین عنصر و پایه و اساس سایر اشیاء است؟

زیرا می دید که آب در درجات بالا بخار می شود و در درجات بسیار پایین منجمد و سخت می گردد و وقتی به صورت باران می آید، گیاهان از زمین می رویند. پس اینها هم حتما شکل دیگری از آب اند.

۱۱- فیثاغورس کیست و چگونه توانست یک دستگاه عمیق فلسفی بنیان نماید؟

فیثاغورس نه تنها پایه گذار ریاضی و هندسه است بلکه یکی از پایه گذاران فلسفه نیز محسوب می شود. او ریاضیات را به گونه ای خاص با فلسفه و عرفان در هم آمیخت و یک دستگاه فلسفی عمیق بنیان نهاد.

۱۲- دیدگاه ارسطو درباره «فیثاغورس» و پیروانان او را بنویسید.

فیلسوفانی که به نام فیثاغورسیان خوانده می شوند، نخستین کسانی بوده اند که خود را وقف ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شده اند. در نظر آنان، اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق است و اعداد و اصول اعداد، همان عناصر اولی همه موجودات هستند.

۱۳- به عقیده فیثاغورت، عناصر اولیه یا ماده اولیه جهان چیست؟

اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق است و اعداد و اصول اعداد، عناصر اولی همه موجودات هستند.

۱۴- دلایل شهرت هراکلیتوس در تاریخ فلسفه چیست؟ آنها را بنویسید.

شهرت وی در تاریخ فلسفه به دلیل دو اندیشه اوست:

اولی وحدت اعداد است. دومین اندیشه مشهور وی تغییر و تحول دائمی جهان است.

۱۵- عقیده هراکلیتوس درباره وحدت اعداد را توضیح دهید.

اموری که با هم ضد هستند، می توانند با یکدیگر جمع شوند؛ مثلاً دامنه کوه، هم سربالایی است و هم سرپایینی. درباره یک لیوان که تا نصف آن آب است، هم می توان گفت، نیم لیوان خالی است و هم می توان گفت نیم آن پر است و این دو جمله تضادی با یکدیگر ندارند. پس وجود این اعداد است که جهان را می سازد و گریزی از ستیز و تضاد نیست.

۱۶- با توجه به دیدگاه هراکلیتوس، دو نمونه مثال بزیند از اموری که با هم ضد هستند و می توانند با یکدیگر جمع شوند.

دامنه کوه، هم سربالایی است و هم سرپایینی. درباره یک لیوان که تا نصف آن آب است، هم می توان گفت، نیم لیوان خالی است و هم می توان گفت نیم آن پر است.

۱۷- عقیده هراکلیتوس درباره تغییر و تحول دائمی جهان را توضیح دهید.

همه چیز در سیلان و حرکت است» هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. دگرگونی، قانون زندگی و کائنات است، بر همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت. باید قبول کنیم که «نمی توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد»

۱۸- ابتدا پیام هراکلیتوس را نوشته سپس بنویسید منظور وی از این پیام چیست؟

«نمی توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد». منظور وی این است که همه چیز در سیلان و حرکت است» هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. دگرگونی، قانون زندگی و کائنات است، بر همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت.

هراکلیتوس - سقراط - گرگیاس

نمی توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد . جواب : هراکلیتوس

۲۰- پارمیندس چگونه به توصیف عقاید فلسفی خود پرداخت ؟

فلسفه خود را به صورت شعر عرضه کرده و با بیانی شاعرانه به توصیف عقاید فلسفی خود پرداخته است .

۲۱- چرا نظر هراکلیتوس و پارمیندس درباره هستی نقطه مقابل یکدیگر است؟

۲۲- چرا سخن هراکلیتوس در باب هستی نقطه قابل نظر پارمیندس است؟

زیرا در حالی که هراکلیتوس می گوید ، همه چیز در سیلان و حرکت است » و هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد .

پارمیندس بر خلاف هراکلیتوس ، می گفت که هستی ، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد .

۲۳- تفاوت دیدگاه هراکلیتوس و پارمیندس درباره هستی را بیان کنید ؟

به عقیده هراکلیتوس ، همه چیز در سیلان و حرکت است » هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد . دگرگونی ، قانون

زندگی و کائنات است ، بر همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت .

پارمیندس بر خلاف هراکلیتوس ، می گفت که هستی ، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد .

پارمیندس می گفت در جهان واقع ، نیستی راه ندارد و نمی توان گفت « نیستی هست » زیرا این جمله تناقض آمیز است .

ما با یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر روبه رو هستیم .

۲۴- نظریه پارمیندس درباره هستی و وجود را بنویسید .

هستی ، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد .

۲۵- به عقیده پارمیندس چگونه می توان به یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر دست یافت ؟

تنها با تفکر عقلی است که واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر را می توان دریافت . زیرا از طریق عقل می توان به

آن لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است .

۲۶- به عقیده پارمیندس ، چرا ادراک حسی نمی تواند ما را به واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر برساند؟

۲۷- از نظر پارمیندس چرا حواس نمی تواند انسان را به واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر برساند؟

زیرا حواس فقط مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر است .

۲۸- آراء و نظرات گوناگون در یونان باستان موجب چه امری شد؟ شهریور ۸۱

سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار غالب شود و بذربی اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهن ایشان

پراکنده گردد .

۲۹- آراء و نظرات گوناگون و غالباً متضاد جهان شناسان باستان در یونان قدیم چه نتیجه ای را در پی داشت؟

ایجاد نوعی تشویش و نگرانی در مردم آن روزگار - بذربی اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهن ها پراکنده شد

۳۰- چه عاملی سبب بی اعتمادی مردم نسبت به دانش و اندیشه در یونان شد؟

آرا و نظریات گوناگون و غالباً متضادی که اندیشمندان آن عرضه داشتند .

۳۱- چه چیز باعث پیدایش سوفیست ها شد؟

آرا و نظریات گوناگون و غالباً متضادی که اندیشمندان آتن عرضه داشتند، سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار غالب شود و بذریعۀ اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهن ایشان پراکنده گردد. این آشفتگی فکری به ظهور دانشمندانی منجر گردید که منادی بی اعتباری علم و اندیشه شدند

۳۲- چرا سوفیست ها به سخن جهان شناسان باستان توجه نکرده و نظریات آنها را بیهوده می دانستند؟

به این دلیل که سخن اندیشمندان و جهان شناسان با یکدیگر متضاد است و آنها نتوانسته اند تفسیر درستی از جهان به دست آورند، نظریات آنان را بیهوده دانستند

۳۳- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- الف) همه چیز در جهان در تغییر و دگرگونی است و هیچ چیز ثابتی وجود ندارد. (۱) فیثاغورث
ب) پایه گذار ریاضی و هندسه و ریاضیات را به گونه ای خاص با فلسفه و عرفان در هم آمیخت. (۲) پارمیندس
ج) نخستین بار به مفهوم «بودن» و «شدن» که از مفاهیم اصلی فلسفه هستند، توجه دقیق کرد. (۳) هراکلیتوس

جواب: الف با ۳ ب با ۱ ج با ۲

۳۴- هریک از عقاید زیر متعلق به کدام شخصیت یونانی است؟

الف) اعداد و اصول آنها، مادهٔ اولیهٔ همه موجودات هستند.

ب) مادهٔ اولیهٔ همه چیز آب است.

ج) اموری که با هم ضد هستند می توانند با یکدیگر جمع شوند.

فیثاغورث - تالس - هراکلیتوس

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- به عقیده سهروردی، در دوره کیانیان انسان های وارسته به چه چیزی می اندیشند و دارای چه نوع سلوکی بوده اند؟
به حکمت و فلسفه می اندیشیدند و دارای سلوک معنوی بوده اند.
- ۲- دو اثر از آثار به جای مانده از تمدن های باستانی که حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی داشته باشند، را نام ببرید.
اوپانیشادها که شامل متون متعدد هندو است و گانها که سروده های زرتشت می باشد
- ۳- نخستین آثار فلسفی از کدام دوره باستان به یادگار مانده است؟ یونان
- ۴- تفسیر جهان در دوره یونان با چه روشی صورت می گرفت؟ روش عقلی
- ۵- زادگاه فلسفه یونانی چه نام دارد؟ ایونیا
- ۶- آنچه بیش از هر چیز ذهن اندیشمندان نخستین را به خود مشغول می داشت چه بود؟ خرداد ۹۶
دگرگونی هایی که پیوسته در جهان طبیعت رخ می داد.
- ۷- واژه فیلسوف در زمان کدام فیلسوف بر سر زبانها افتاد؟ سقراط
- ۸- مورخان فلسفه، نخستین اندیشمندان یونانی که اندیشه فلسفی مشخصی داشته است را چه کسی می دانند؟ تالس
- ۹- برخی اعتقاد دارند، اولین بار کدام فیلسوف، لفظ فلسفه را به کار برد؟ فیثاغورس
- ۱۰- فیثاغورث کدام واژه را به معنایی که امروز رایج است و کدام واژه را برای جهان برای نخستین بار استفاده کرد؟ واژه «تئوری»
را به معنایی که امروزه رایج است و واژه «کیهان» را برای جهان برای نخستین بار استفاده کرد.
- ۱۱- پیام هراکلیتوس درباره عدم ثبات در جهان را بنویسید. خرداد ۹۶
نمی توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد.
- ۱۲- پیام هراکلیتوس که می گوید (نمی توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد) به کدام ویژگی جهان اشاره دارد؟
تغییر و دگرگونی اینکه هیچ چیز ثابتی در جهان وجود ندارد.
- ۱۳- پارمیندس برای نخستین بار به کدام مفاهیم اصلی توجه دقیق کرده و تفاوت آن دو را ذکر کرده است؟
بودن و شدن یا وجود و حرکت
- ۱۴- به عقیده پارمیندس برای رسیدن به یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر باید از چه ابزاری استفاده کرد؟ ابزار عقل
- ۱۵- سوفسطائیان چه علمی را آموزش می دادند؟ آموزش فن سخن وری

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- نمی توان برای دانش فلسفه، از نظر.....آغازی تعیین کرد . زمانی
- ۲- سهروردی از فیلسوفان بزرگ دوره اسلامی ، معتقد است که در دوره کیانیان انسان های وارسته هم به می اندیشیدند و هم دارای سلوک بوده اند. حکمت (فلسفه) - معنوی
- ۳- از آثار به جای مانده از تمدن های باستانی که حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی داشته اند عبارتند از که شامل متون متعدد هندو است و ... که سروده های زرتشت می باشد . اوپانیشادها - گاتاها
- ۴- آنچه پیش از هر چیز ذهن اندیشمندان نخستین را به خود مشغول می داشت..... بود که در جهان طبیعت رخ می داد. شهریور ۹۲ - تغییر یا دگرگونی
- ۵- نخستین مجموعه هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده از سرزمینبه یادگار مانده است.دی ۹۰- یونان
- ۶- نخستین مجموعه هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده از سرزمین است . خرداد ۹۸ یونان
- ۷- مباحث فلسفی در بخشی از سرزمین یونان به نام.....پایه گذاری شد . دی ماه ۹۷ ایونیا
- ۸- مورخان فلسفه، را مهد تفکر فلسفی دانسته و را نخستین فیلسوف یونانی معرفی می نمایند. یونان- تالس
- ۹- در سرزمین یونان بود که دانش شکل گرفت و تفسیر جهان با روش رایج شد. فلسفه - عقلانی
- ۱۰- واژه فیلسوف در زمان بر سر زبانها افتاد . سقراط
- ۱۱- تالس می گوید: اولین عنصر و پایه و اساس سایر چیزهاست. آب
- ۱۲- ریاضیات را به گونه ای خاص با فلسفه و عرفان در هم آمیخت و یک دستگاه فلسفی عمیق بنیان نهاد. فیثاغورس
- ۱۳- در نظر فیثاغورس، اصول اعداد، همان عناصر همه موجودات هستند. اولی
- ۱۴- فیلسوفانی که به نام فیثاغورسیان خوانده می شوند، نخستین کسانی بوده اند که خود را وقف ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شده اند، دیدگاهدرباره فیثاغورس و پیروان اوست . ارسطو
- ۱۵- فیثاغورث واژه را به معنایی که امروزه رایج است و واژه را برای جهان برای نخستین بار استفاده کرد . « تئوری » - « کیهان »
- ۱۶- شهرت هراکلیتوس به دو چیز است ، اولی ، وحدت است و دومیدائمی جهان است. اضداد - تغییر (تحول)
- ۱۷- به عقیده هراکلیتوس ، اموری که با همهستند، می توانند باهم..... شوند . ضد - جمع
- ۱۸- به عقیده هراکلیتوس ، قانون زندگی و قانون کائنات است . دگرگونی
- ۱۹- به عقیده هراکلیتوس ، همه چیز در ... و حرکت است هیچ چیز ... دراین جهان وجودن دارد . سیلان - ثابتی
- ۲۰- پارمیندس فلسفه خود را به صورتعرضه کرده و با بیانیبه توصیف عقاید فلسفی خود پرداخته است. شعر - شاعرانه
- ۲۱- پارمیندس برای نخستین بار به مفهوم وکه از مفاهیم اصلی فلسفه هستند، توجه دقیق کرده و تفاوت آن دو را ذکر کرده است. بودن و شدن (وجود و حرکت)
- ۲۲- پارمیندس، معتقد بود هستی و وجود یک امر است و حرکت و ندارد. ثابت - شدن

- ۲۳- به نظر پارمیندس در جهان واقع، نیستی راه ندارد و نمی توان گفت « ... هست» زیرا این جمله ... است. نیستی - تناقض آمیز
- ۲۴- طبق دیدگاه پارمیندس ما درجهان با یک واقعیت بدون تغییر و ... و ... روبه رو هستیم جاودان-فناپذیر
- ۲۵- به نظر پارمیندس، از طریق ... نمی توان به یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر رسید و تنها با ... است که یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر را می توان دریافت . حواس - تفکر عقلی
- ۲۶- به نظر پارمیندس ،حواس فقط، مرتبهٔ ... جهان و هستی را نشان می دهد که نشان دهندهٔ امور مختلف و ... است. ظاهری - متغیر

- ۲۷- به نظر پارمیندس، با عقل می توان به آن لایهٔ ... و ... هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است . باطنی - حقیقی
- ۲۸- سوفیست ها به این دلیل که سخن اندیشمندان و جهان شناسان با یکدیگر ... است و آنها نتوانسته اند تفسیر ... از جهان به دست آورند، نظریات آنان را بیهوده دانستند . متضاد - درستی
- ۲۹- آرا و نظریات گوناگون وغالبا ... که اندیشمندان آتن عرضه داشتند،سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار غالب شود و بذر... نسبت به دانش و اندیشه در ذهن ایشان پراکنده گردد . متضادی - بی اعتمادی

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- آغاز اندیشه بشر را می توان مربوط به زمان و مکان خاصی دانست . خرداد ۹۶ نادرست
- ۲- می توان گفت که فلسفه ابتدا در سرزمین یونان پدید آمده است . نادرست
- ۳- ایران باستان یکی از سرزمین های فلسفه خیز بوده و فیلسوفانی خداپرست در آن می زیسته اند . درست
- ۴- سهروردی معتقد است که در دورهٔ کیانیان انسان های وارسته ای بوده اند که فقط به حکمت و فلسفه می اندیشیدند . نادرست
- ۵- از آثار به جای مانده از تمدن های باستانی که حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی داشته اند ، می توان به گاتاها متون متعدد هندو و اوپانیشادها سروده های زرتشت اشاره کرد . نادرست
- ۶- از سرزمین یونان به عنوان مهد تفکر فلسفی یاد می کنند . درست
- ۷- نخستین آثار فلسفی از یونان باستان به یادگار مانده است. خرداد ماه ۹۳ درست
- ۸- در یونان باستان بود که دانش فلسفه شکل گرفت و تفسیر جهان با روش رمزی و تمثیلی رایج شد. نادرست
- ۹- زادگاه فلسفهٔ یونانی، پایتخت یونان باستان « آتن » است . نادرست
- ۱۰- در ایونیا بود که در حدود شش قرن پیش از میلاد مباحث فلسفی پایه گذاری شد و اولین فیلسوفان یونان پا به عرصهٔ وجود گذاشتند. درست
- ۱۱- در یونان باستان در حدود شش قرن قبل از میلاد در ایونیا مباحث فلسفی پایه گذاری شد . شهریور ۹۷ درست
- ۱۲- آنچه بیش از هر چیز ذهن اندیشمندان نخستین را به خود مشغول می داشت دگرگونیهایی بود که پیوسته در جهان رخ می داد و می کوشیدند تا آن را توجیه عقلانی کند. شهریور ۸۹ درست
- ۱۳- اندیشمندان یونان باستان کوشش می کردند تا به دیدگاهی دست یابند که بتوانند به درستی دگرگونی های پیوسته در جهان را تبیین عقلانی کنند . درست

- ۱۴- اندیشمندانی که در دوره یونان بودند، فقط به تفکر فلسفی می پرداختند . نادرست
- ۱۵- در زمان تالس بود که کلمه فلسفه بر سر زبان ها افتاد. نادرست
- ۱۶- به عقیده تالس ، همه چیز، در نهایت، از آب ساخته شده است. درست
- ۱۷- به نظر ارسطو، فیثاغورسیان ، نخستین کسانی بودند که خود را وقف ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شدند. درست
- ۱۸- به نظر فیثاغورس اعداد همان عناصر اولی همه موجوداتند. درست
- ۱۹- برخی می گویند لفظ « فلسفه» را فیثاغورس برای اولین بار به کار برد . درست
- ۲۰- فیثاغورس، واژه « تئوری» را به معنایی که امروزه رایج است و نیز واژه « کیهان» را برای جهان برای نخستین بار استفاده کرد . درست
- ۲۱- شهرت پارمیندس در تاریخ فلسفه به دلیل نظریه وحدت اضداد و نظریه مربوط به تغییر و تحول دائمی جهان است. نادرست
- ۲۲- به عقیده هراکلیتوس ، اموری که با هم ضد هستند، نمی توانند با یکدیگر جمع شوند . نادرست
- ۲۳- به عقیده پارمیندس همه چیز در سیلان و حرکت است و هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. نادرست
- ۲۴- به نظر هراکلیتوس، دگرگونی، قانون زندگی و قانون کائنات است، بر همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت. درست
- ۲۵- شعار « نمی توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد» از پارمیندس است . نادرست
- ۲۶- سقراط از قول افلاطون می گوید که سقراط با پارمیندس ملاقات کرد . نادرست
- ۲۷- پارمیندس فلسفه خود را به صورت شعر عرضه کرده و با بیانی عقلانی به توصیف عقاید فلسفی خود پرداخت. نادرست
- ۲۸- هراکلیتوس قبل از پارمیندس به مفهوم وجود و شدن که از مفاهیم اصلی فلسفه هستند، توجه دقیق کرده و تفاوت آن دو را ذکر کرده است. نادرست
- ۲۹- هراکلیتوس بر خلاف پارمیندس ، می گفت که هستی، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد. نادرست
- ۳۰- پارمیندس می گفت در جهان واقع، نیستی راه دارد و می توان گفت « نیستی هست» و در این جمله تناقضی وجود ندارد . نادرست
- ۳۱- به نظر پارمیندس از طریق حواس نمی توان به واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر رسید. درست
- ۳۲- به نظر پارمیندس تنها با تفکر عقلی است که واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر را می توان دریافت . درست
- ۳۳- با توجه به دیدگاه پارمیندس، حواس فقط همین مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر است. درست
- ۳۴- با توجه به دیدگاه پارمیندس ، با عقل می توان به آن لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است . درست

سوالات تستی

۱- کدام عبارت در مورد آغاز تاریخی فلسفه نادرست است؟

گزینه ۴

- ۱) نخستین مجموعه ها یا قطعه هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده از یونان باستان به یادگار مانده است.
- ۲) در یونان، دانش فلسفه شکل گرفت و تفسیر جهان با روش عقلانی رایج شد.
- ۳) زادگاه فلسفه یونانی بخشی از سرزمین یونان باستان واقع در غرب آسیای صغیر به نام «ایونیا» است.
- ۴) اطلاعات امروز ما به وضوح می تواند تاریخ دقیقی از آغاز فلسفه ارائه دهد.

۲- کدام عبارت درست است؟

گزینه ۴

- ۱) یونان را مهد تفکر فلسفی دانسته اند چرا که ظهور اندیشه در آن، باعث شد که زبان افسانه جای زبان تعقل را بگیرد.
- ۲) بی اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه سبب شد تا نظرات متضادی از سوی جهان شناسان باستان عرضه شود.
- ۳) در تمدن های دیگر، آثاری که حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی داشته باشند، به جای نمانده است.
- ۴) در آغاز شکل گیری فلسفه، دگرگونی های پیوسته در جهان طبیعت بیش از هر چیز اندیشمندان را به خود مشغول داشت.

۳- با توجه به دیدگاه مورخان فلسفه، به ترتیب مشخص کنید، نخستین اندیشمند یونانی که بود؟ ماده اولیه عالم را چه

گزینه ۴

می دانست؟ و تفسیری از جهان به چه روشی بود؟

- | | |
|--|----------------------------------|
| ۱) فیثاغورث - اصول اعداد - عقلانی و تخیلی | ۲) تالس - آب - اسطوره ای و تخیلی |
| ۳) فیثاغورث - اصول اعداد - تخیلی و افسانه ای | ۴) تالس - آب - عقلانی |

۴- فیثاغورث واژه را به معنایی که امروزه رایج است و واژه را برای جهان برای نخستین بار استفاده کرد.

گزینه ۱

- ۱) تئوری - کیهان ۲) کیهان تئوری ۳) فلسفه - تئوری ۴) فلسفه - کیهان .

۵- پارمیندس برای نخستین بار به مفهوم و که از مفاهیم اصلی فلسفه هستند توجه دقیق کرده و ... آن دو را ذکر

کرده است. ۱) بودن - وجود - تفاوت ۲) شدن - سیوررت - اشتراک ۳) بودن - شدن - تفاوت ۴) سیوررت - بودن - اشتراک

گزینه ۳

۶- فیثاغوریان اصل اشیاء را چه می دانستند؟

- ۱) آب ۲) آتش ۳) اعداد ۴) ماده نامتعیین

گزینه ۳

۷- این بیان که «فیلسوفانی که به نام فیثاغورسیان خوانده می شوند، نخستین کسانی بوده اند که خود را وقف

ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شده اند» از کیست؟ و پایه گذار ریاضی و هندسه کدام فیلسوف است؟

- ۱) افلاطون - فیثاغورس ۲) ارسطو - فیثاغورس ۳) فیثاغورس - ارسطو ۴) فیثاغورس - افلاطون

گزینه ۲

۸- مفاد کدام عبارت ، بیانگر نظر خاص پارمیندس است ؟

- (۱) جهان امری یگانه و ثابت نیست و تحولی در کار است. (۲) هستی و وجود حقیقتی ثابت دارد، نه در حال حرکت و شدن
(۳) جهان امری یگانه و ثابت نیست و تحولی در کار نیست (۴) هستی و وجود حقیقتی ثابت ندارد و در حال حرکت و شدن

گزینه ۲

۹- مفاد کدام عبارت ، بیانگر نظر خاص هراکلیتوس نیست ؟

گزینه ۴

- (۱) وجود اعداد است که جهان را می سازد و گریزی از ستیز و تضاد نیست..
(۲) دگرگونی قانون زندگی و قانون کائنات است، بر همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت .
(۳) اموری که با هم ضد هستند ، می توانند با یکدیگر جمع شوند.
(۴) هستی و وجود حقیقتی ثابت دارد و این ثبات است که بر همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت .

۱۰- چرا نظر هراکلیتوس و پارمیندس درباره هستی نقطه مقابل یکدیگر است ؟

گزینه ۱

- (۱) زیرا در حالی که هراکلیتوس می گوید ، همه چیز در سیلان و حرکت است» دومی می گفت هستی، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد.
(۲) زیرا در حالی که پارمیندس می گوید ، همه چیز در سیلان و حرکت است» دومی می گفت هستی، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد.
(۳) زیرا هراکلیتوس بر خلاف پارمیندس ، می گفت که در جهان واقع، نیستی راه ندارد و نمی توان گفت « نیستی هست»
(۴) زیرا پارمیندس برخلاف هراکلیتوس می گفت هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد و دگرگونی قانون زندگی است.

۱۱- با توجه به استدلال پارمیندس ، اگر چیزی از به وجود آید در این صورت قبلاً هست اما اگر از به وجود آید ،

در این صورت هیچ چیز نیست، زیرا از هیچ، هیچ چیز به وجود نمی آید. بنابراین : فقط هست و است. گزینه ۲

- (۱) لا وجود - وجود - وجود - کثیر
(۲) وجود - لاوجود - وجود - واحد
(۳) وجود - لاوجود - لاوجود - کثیر
(۴) لاوجود - وجود - لاوجود - واحد

۱۲- کدام یک ، با نظرات پارمیندس سازگار نیست ؟

گزینه ۱

- (۱) ما با یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر روبه رو هستیم که از طریق حواس می توان به آن رسید
(۲) ما با یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر روبه رو هستیم که تنها با تفکر عقلانی می توان به آن رسید
(۳) حواس فقط، مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر است .
(۴) با عقل می توان به لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است.

۱۳- سوفیست ها با این استدلال که ... نتیجه می گرفتند که ... و نتیجه عملی آن ... بود (خارج کشور ۹۱) گزینه ۴

- (۱) سخن جهان شناسان با یکدیگر تعارض دارد. جستجوی حقیقت بی نتیجه است- اعتقاد به تفکیک پذیر بودن حق و باطل
(۲) سخن جهان شناسان با یکدیگر تعارض دارد. آنها نتوانستند تفسیر درستی از جهان ارائه دهند- ترویج فن سخنوری
(۳) جهان شناسان در تفسیر جهان ناتوانند- نتوانستند تفسیر درستی از جهان ارائه دهند- اعتقاد به سلیقه ای بودن حق و باطل
(۴) ناسازگاری سخن جهان شناسان نمایانگر ناتوانی انسان از شناخت است - جستجوی حقیقت بی حاصل است - رواج اعتقاد به تفکیک ناپذیر بودن حق و باطل

درس پنجم فصل اول : زندگی بر اساس اندیشه

پاسخ فعالیت های درس پنجم

اندیشه ص ۳۹

در رفتار و گفتار سقراط بیندیشید و به سؤال های زیر پاسخ دهید:

۱- چرا سقراط وظیفه خود می دانست که درباره مسائل اساسی زندگی با مردم صحبت کند؟ آیا مردم از او چنین درخواستی کرده بودند؟

خیر مردم چنین درخواستی از سقراط نکرده بودند اما سقراط می گفت این رسالتی است که خداوند با ندهای غیبی و در رؤیاها برعهده من نهاده است .

۲- سقراط، این وظیفه خود را با چه روشی انجام می داد؟

سقراط، روش بحث ثابته داشت. مفهومی از مفاهیم را که در زندگی ما اهمیت حیاتی دارد، برمی گزید و درباره اش پرسش می کرد .

در روش سقراط ، وقتی کسی داوطلب پاسخ سوال سقراط می شد، سقراط با توجه به پاسخ او، سؤال دیگری طرح می کرد به طوری که مخاطب و پاسخ دهنده را به حقیقت می رساند و آنچه را که حق بود، از زبان پاسخ دهنده به دست می آورد. این روش گفت و گو و پرسش و پاسخ که سقراط به کار می گرفت، به تدریج به « روش سقراطی » شهرت یافت. سقراط می گفت من همچون یک ماما عمل می کنم. همان طور که ماما به خانم باردار کمک می کند تا فرزندش را به دنیا آورد، من نیز در گفت و گو با دیگران کمک می کنم که خودشان حقیقت را بیان کنند .

۳- مخالفان اصلی سقراط چه کسانی بودند؟ جوانان و بزرگسالان

۴- با توجه به آنچه تا اینجا درباره سقراط بیان شد، آیا می توان برخی از اصول فکری سقراط را به دست آورد؟ درباره فضیلت و ثروت، عقل و جهل و... ؟

آری . توجه سقراط به بحث از یکسو، فضیلت نشان می دهد که به عقیده وی نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح داد و اینکه ثروت، فضیلت نمی آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای فرد و جامعه سودمند است، به دست می آید.

از سوی دیگر سقراط با تقسیم جهل به دو بخش ساده و مرکب ، سوفسطائیان را در زمره کسانی می داند که گرفتار جهل مرکب شده اند . در این نوع از جهل، انسان اموری را نمی داند و نسبت به نادانی خویش نیز نادان است؛ بنابراین نمی داند که نمی داند . به عقیده سقراط چنین کسی در پی کسب دانایی هم نیست.

اما نوع دیگری از جهل وجود دارد و آن جهل بسیط است . البته بسیاری از دانشمندان چیزهای فراوانی می دانند، اما از آنجا که عظمت جهان را درک کرده اند و دانش خود را ناچیز می شمارند، تواضع می کنند و خود را در دستة دانایان قرار نمی دهند. سقراط از این دسته بود و به همین دلیل با اینکه سروش معبد دلفی او را دانا خوانده بود، تواضع می کرد و می گفت سروش بدان جهت مرا دانا خواند که به نادانی خود اقرار می کنم.

اندیشه ص ۴۲

سقراط الگویی از یک فیلسوف است که بر اساس فلسفه اش زندگی کرده و در راه پایبندی به آن جان خود را فدا نموده است. در این قسمت می خواهیم در گفتار و رفتار این فیلسوف بزرگ تأمل کرده و آن اصول فلسفی را که وی با آنها زندگی کرده، استخراج نماییم:

۵- چرا شاکیان، سقراط را متهم به بی دینی و انکار خدا می کردند؟ آیا واقعا او اعتقادی به خدا نداشت؟

زیرا دیدگاه سقراط با دیدگاه شاکیان در مورد خداوند یکسان نبود. سقراط حقیقتاً به خدا اعتقاد داشت و حتی معتقد بود که سرش معبد دلفی از جانب خداوند برای او پیغام هایی می آورد تا با مردم در میان بگذارد. او به مغالطه و فریب و زیر پا گذاشتن ارزش های اخلاقی اعتراض داشت و از مردم می خواست که به خدای برتر که همه چیز را می داند، ایمان داشته باشند و بار دیگر فضیلت های اخلاقی را زنده کنند.

۶- آیا می توان با تأمل در سخنان وی در دادگاه، برخی دیگر از اندیشه های سقراط را به دست آورد؟ مثلاً درباره خدا، مرگ و...؟

آری. خدایی که سقراط معرفی می کند دارای ویژگی های علم و قدرت و عدالت فوق بشری است. اما نظر سقراط

در مورد مرگ نیز یک دیدگاه متفاوت بود. وی مرگ را یک انتقال به جهان دیگر می دانست و معتقد بود، این

انتقال اگر با سربلندی و عزت باشد، شیرین است. اما اگر با خواری و ترس و جهل باشد، تلخ و زیان آور است.

۷- چرا سقراط دانایی را در اقرار به نادانی می دانست؟ آیا میان « چیزی نمی دانم » سقراط با « چیزی نمی دانیم »

سوفسطائیان تفاوتی هست؟

از نظر سقراط و هر انسان خردمندی ندانستن و جهل یک نقص و عیب محسوب می شود و هر کس باید در پی رفع

این نقص و عیب باشد. دانستن و علم یکی از بزرگ ترین فضائل انسانی است و هر قدر که علم و دانش انسان بیشتر

شود، قدر و منزلت او افزایش می یابد. به همین جهت سقراط خود را « فیلسوفیا » یعنی دوستدار دانایی نامید. او

حقیقتاً عاشق دانایی بود. بزرگ ترین کار سقراط مبارزه با جهل و نادانی مردم بود. او معتقد بود که سوفیست ها و مغالطه

کاران مردم را در جهل و نادانی نگه می دارند و به غلط می اندازند. او با فخر فروشی از طریق علم به شدت مخالف بود. اگر

کسی که به اندکی از دانش رسیده خود را برتر از دیگران بیندارد و تکبر داشته باشد، از حقیقت دانش دور شده است.

▪ دانش حقیقی انسان را در برابر خدا، خلقت و مردم متواضع و افتاده تر می کند. به خاطر اینکه: می داند خدایی که هستی را

آفریده و به او قدرت داده که گوشه ای از هستی را درک کند، دانشی وصف ناپذیر دارد. می داند که این خلقت و این جهان

آنقدر بزرگ و عظیم است که دانش او در برابر ندانسته هایش قطره ای در برابر دریاست. ابن سینا در وصف خود می گوید:

دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت یک موی ندانست ولی موی شکافت

اندر دل من هزار خورشید بتافت آخر به کمال ذره ای راه نیافت

در برابر مردم نیز متواضع می شود؛ زیرا می داند تکبر و فخر در مقابل مردم از رذایل اخلاقی و صفات پست است.

با توجه به این نکات است که سقراط فروتنی به خرج می دهد و خود را نادان ترین به حساب می آورد.

▪ سقراط، یکی از رسالت های خود را مبارزه با مدعیان دانش و دانشمند نماها می دانست. با آنها وارد بحث و گفت و گو می شد

تا نشان دهد که آنان از دانش واقعی برخوردار نیستند.

۸- وقتی به زندگی سقراط و رفتار او در مقابل دیگران نگاه می کنیم، کدام اصول اخلاقی را در رفتار وی می توانیم مشاهده کنیم؟

برتری فضیلت بر ثروت - فداکاری در راه حقیقت - تحمل رنج برای آگاهی مردم - نرسیدن از مرگ احساس تواضع در برابر

علم و دانایی

سوالات تشریحی

- ۱- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از چه اندیشه های بود و عقیده آنان چه بود؟
جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های سوفسطائیان بود. سوفسطائیان معتقد بودند که جهان را نمی توان شناخت و آنچه را که ما علم و دانش می نامیم، تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست و تطابق با واقعیت ها ندارد.
 - ۲- سوفسطائیان چگونه بر شیوه زندگی مردم جامعه آتن تأثیر می گذاشتند؟
با کمک اقسام مغالطه ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می پرداختند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می گذاشتند.
 - ۳- در شرایطی که جامعه آتن از حقیقت و فضیلت فاصله گرفته بود، سقراط چه اقدامی انجام داد؟
پرچم علم و فضیلت را برافراخت و برای احیای تفکر عقلانی قیام کرد و شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت.
 - ۴- در جامعه آتن چه چیزی حکایتگر واقعی یک فلسفه بود؟ چه کسی و چگونه آن را به تصویر کشیده است؟
زندگی سقراط - افلاطون، شاگرد برجسته «سقراط» این زندگی را حکایت کرده و مبارزه سقراط با مغالطه گران و سوفیست ها را به تصویر کشیده است.
 - ۵- روش سقراتی چگونه روشی بود؟ آن را توضیح دهید.
در روش سقراط، وقتی کسی داوطلب پاسخ سوال سقراط می شد، سقراط با توجه به پاسخ او، سؤال دیگری طرح می کرد به طوری که مخاطب و پاسخ دهنده را به حقیقت می رساند و آنچه را که حق بود، از زبان پاسخ دهنده به دست می آورد. روش گفت و گو و پرسش و پاسخ که سقراط به کار می گرفت، به تدریج به «روش سقراتی» شهرت یافت
 - ۶- سقراط از گشت و گذار در میان مردم چه مقصودی داشت؟ دی ۸۰ - خرداد و شهریور ۸۱
جز این مقصودی ندارم که شما جوانان و سالخوردگان را متقاعد سازم که نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهید و به شما یادآوری کنم که ثروت فضیلت به بار نمی آورد بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای افراد و جامعه سودمند است به دست می آید.
 - ۷- در نظر سقراط رابطه ی ثروت و فضیلت چگونه است؟ خرداد ۸۱
ثروت فضیلت به بار نمی آورد بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای افراد و جامعه سودمند است به دست می آید.
 - ۸- سقراط معتقد بود که خداوند چه رسالتی را بر عهده ی او نهاده است؟
من هیچگاه از بیدار ساختن، پند دادن و شماتت یکایک شما باز نمی ایستم این رسالتی است که خداوند با ندهای غیبی و در رویا بر عهده من نهاده است.
 - ۹- ملتوس در دادگاه، سقراط را به چه جرمی متهم کرد؟؟ دی ۸۰ و ۸۱
 - ۱۰- اتهاماتی که در دادگاه آتن به سقراط زده شد چه بود؟ دی ۸۸
 - ۱۱- در نظر ملتوس جرم سقراط چه بود؟
 - ۱۲- از نظر ملتوس، اتهامات سقراط چه بود؟ شهریور ۹۴
 - ۱۳- یکی از اتهاماتی را که در دادگاه آتن به سقراط زدند، بنویسید. خرداد ۹۳
 - ۱۴- یکی از اتهام های سقراط را که ملتوس در دادگاه مطرح کرد، بیان کنید. شهریور ۹۲
- پاسخ سوال ۹ تا ۱۴ : جرم سقراط این است که خدایانی را که همه به آنها اعتقاد دارند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید. با افکار خود جوانان را گمراه می سازد و آنها را از دین و آیین پدرانشان برمی گرداند.
- ۱۵- سرانجام محاکمه سقراط چه بود؟
ملتوس برای ادعای خود شواهدی ذکر کرد و در پایان از دادگاه برای سقراط درخواست مجازات مرگ نمود.

- ۱۶-** ملتوس جرم سقراط را در چه چیز می دانست و چه کیفی را برای او پیشنهاد کرد؟
 خدایانی را که همه به آنها اعتقاد دارند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید . با افکار خود جوانان را گمراه می سازد و آنها را از دین و آیین پدرانشان برمی گرداند . مجازات مرگ
- ۱۷-** افترايي که مخالفان از دیرباز به سقراط نسبت داده بودند چه بود؟ شهریور ۸۳
 سقراط رفتاری خلاف دین درپیش گرفته و درپی آن است که به اسرار آسمان و اعماق زمین دست یابد . باطل را حق جلوه دهد و این کار را به دیگران هم می آموزد.
- ۱۸-** سقراط از جستجو برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن می کردند و همچنین کشف راز پیام غیبی سروش، به چه نتیجه ای رسید؟
 کاوش و جستجوی من برای ادعای دانشمند بودن می کنند و جدا کردن آنها از کسانی که دانشمند حقیقی هستند، سبب شده که گروه بزرگی به غلط مرا « دانا » بنامند. در حالی که من دانا نیستم شاید به این دلیل که هربار نادانی کسی را آشکار می کنم، حاضران مجلس گمان می کنند که آنچه که او نمی داند، من می دانم .
- ۱۹-** پیام سروش معبد دلفی چه بود؟ و سقراط راز آن را در چه می دانست؟ خرداد ۸۲
 هیچ کس دانا تر از سقراط نیست - دانا ترین شما آدمیان کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند.
- ۲۰-** پیام سروش دلفی چه بود؟ شهریور ۹۲ شهریور ۹۵ هیچ کس دانا تر از سقراط نیست.
- ۲۱-** راز پیام سروش دلفی از نظر سقراط در الهامی به دوستش کرفون چه بود؟ خرداد ۹۲
 راز سروش معبد دلفی این است که « داناترین مردم سقراط است » یا بعبارتی راز پیام این بود که به ما بنمایاند تا چه پایه نادانیم . (نادانی ما را به ما بنمایاند و بگوید داناترین آدمیان کسی است که مانند سقراط بداند که نادان است .)
- ۲۲-** راز پیام سروش دلفی چه بود؟ دی ۹۷ - خرداد ۹۸
 دانا ترین شما آدمیان کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند. یا ه ما بنمایاند تا چه پایه نادانیم.
- ۲۳-** سقراط چگونه اثبات کرد که او منکر خدا نیست؟ (استدلال او را کامل بنویسید .)
۲۴- سقراط وجود خداوند را چگونه اثبات کرد؟
- سقراط با متانت گفت: اما این افترا، که من منکر خدا باشم، وارد نیست . مگر ممکن است که کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد، اما منکر وجود انسان باشد؟ آیا کسی پیدا می شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد ولی وجود خداوند را منکر شود؟
- ۲۵-** سقراط با طرح این سؤال از ملتوس که « آیا ممکن است کسی وجود امور انسانی را بپذیرد ولی منکر وجود انسان شود، چه نتیجه ای گرفت؟ من به خدا اعتقاد دارم
- ۲۶-** از نظر سقراط، اگر بدلیل ترس از مرگ یا هر خطر دیگری از فرمان الهی سربتا بد سزاوار چیست ؟
 سزاوار این است که دادگاهی تشکیل دهند و بگویند سقراط به خدا اعتقاد ندارد. ارتکاب آن گناه دلیل بر سرپیچی از امر خدا است؛ در آن صورت مدعی داشتن دانشی شده ام که در حقیقت فاقد آن هستم
- ۲۷-** علت ترس از مرگ از نظر سقراط چیست؟ دی ۸۹
 به اعتقاد سقراط، چرا مردم از مرگ می ترسند؟ شهریور ۹۶
 از نظر سقراط چرا مردم از مرگ می هراسند؟ خرداد ۹۷
 از نظر سقراط چرا مردم از مرگ می ترسند؟ شهریور ۹۷
 ترس از مرگ جز این نیست که آدمی خود را دانا بیندارد، بی آنکه دانا باشد .

۲۸- از نظر سقراط گریز از چه چیز دشوار است؟ چرا؟

گریز از مرگ دشوار نیست، گریز از بدی دشوار است؛ زیرا بدی از مرگ تندتر می دود.

۲۹- دلیل پذیرش مرگ از نظر سقراط چه بود؟

اگر مرگ انتقال به جهانی دیگر است و اگر این سخن راست است که همه در گذشتگان در آنجا گرد آمده اند، پس چه نعمتی بالاتر از اینکه آدمی از این مدعیان که عنوان قاضی برخوردارند، رهایی یابد و با داوران دادگر آن جهان روبه رو شود و با نیکان و بلند مرتبگان همنشین گردد! اگر مرگ این است، حاضرم بارها به کام مرگ روانه شوم.

۳۰- از نظر سقراط :

الف- دانای حقیقی کیست؟

ب- راز پیام سروش معبد دلفی چه بود؟

ج- مأموریت خدا به سقراط چه بود؟

د- چه کسی از خطر، هراسی به دل راه نمی دهد؟

و- علت ترس از مرگ چیست؟

ه- نصیب وی و آنتیان به وقت رفتن چه بود؟

الف - خدا ب- به ما بنمایاند تا چه پایه نادانیم. ج- در جست و جوی دانش بکوشم و آن را به دیگران بیاموزم.
د - کسی که به راه درستی دست یافت و آن را در پیش گرفت.

و - ترس از مرگ جز این نیست که آدمی خود را دانا پندارد بی آنکه دانا باشد ه- من برای مردن و شما برای زیستن

۳۱- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

۱- خدا

الف) نماینده متهم کنندگان سقراط

۲- افلاطون

ب) دانای حقیقی

۳- دفاعیه سقراط

ج) شاگرد برجسته سقراط

۴- ملتوس

د) بیانیه فلسفی

جواب : الف (ملتوس ب) خدا ج) افلاطون د) دفاعیه سقراط

سوالات پاسخ کوتاه

۱- از نظر سقراط دانای حقیقی کیست؟ خرداد ۹۶ خدا

۲- نماینده متهم کنندگان سقراط چه کسی بود؟ ملتوس

۳- سرانجام محاکمه سقراط چه بود؟ شهریور ۸۳ مرگ

۴- چهره برجسته تاریخ فلسفه کیست؟ سقراط

۵- جامعه آتن در زمان سقراط متاثر از اندیشه های چه گروهی بود؟ سوفسطائیان

۶- پرچمدار علم و فضیلت در جامعه یونان کدام فیلسوف است؟ سقراط

۷- چرا سقراط علیه سوفسطائیان سوفسطائیان قیام کرد؟ برای احیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت

۸- کدام فیلسوف یونانی مبارزه سقراط با مغالطه گران و سوفیست ها را در آثار خود به تصویر کشیده است؟ افلاطون

۹- به نظر افلاطون در جامعه یونان، سقراط، عمر خود را صرف چه اموری کرد؟

اصلاح جامعه و شناساندن افکار مغالطه آمیز سوفیست ها

۱۰- دو مسئله از مسائل اساسی که سقراط به هنگام گفت و گو با مردم در میان می گذاشت را نام ببرید.

خداشناسی، اخلاق، سیاست و اجتماع

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- ...چهره برجسته تاریخ فلسفه است . سقراط
- ۲- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های بود . سوفسطائیان
- ۳- سوفسطائیان معتقد بودند که جهان را نمی توان و آنچه را که ما علم و دانش می نامیم، تنها ساخته و پرداخته ... ماست و تطابقی با ندارد . شناخت - ذهن - واقعیت
- ۴- سوفسطائیان با کمک اقسام مغالطه ها و و فن به نشر اندیشه خود می پرداختند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می گذاشتند . جدل - سخنوری
- ۵- در آتن، سقراط برای احیای تفکر... و استواری قیام کرد و شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت. عقلانی، فضیلت
- ۶- زندگی حکایت واقعی یک فلسفه است . « سقراط »
- ۷- ... ، مبارزه سقراط با مغالطه گران و سوفیست ها را به تصویر کشیده است. افلاطون
- ۸- نماینده متهم کنندگان سقراط بود . مِلِتوس
- ۹- جرم سقراط این است که... که همه به آنها معتقدند انکاری کند و از... جدید سخن می گوید. خدایانی - خدایی
- ۱۰- در پایان دادگاه برای سقراط درخواست مجازات نمود . مِلِتوس - مرگ
- ۱۱- بیانیه ای فلسفی بود که همه اصول زندگی فلسفی سقراط را در برداشت . دفاعیه سقراط
- ۱۲- به عقیده مخالفان سقراط و سوفسطائیان ، سقراط رفتاری در پیش گرفته و در پی آن است که به آسمان و زمین دست یابد . خلاف دین - اسرار
- ۱۳- سقراط می گوید که کاوش و جست وجوی من برای شناخت کسانی که ادعای بودن می کنند و جدا کردن آنها از کسانی که هستند، سبب شد که گروه بزرگی به غلط مرا بنامند. دانشمند - دانشمند حقیقی - دانا
- ۱۴- از نظر سقراط، هربار کسی را آشکار می کنم، حاضران مجلس گمان می کنند که آنچه که او نمی داند، من نادانی - می دانم
- ۱۵- به نظر سقراط ، دانای حقیقی فقط است. خدا
- ۱۶- راز سروش معبد دلفی این بود که به ما بنمایاند تا چه پایه نادانیم
- ۱۷- داناترین شما آدمیان، کسی است که چون بداند که هیچ سقراط - نمی داند.
- ۱۸- از نظر سقراط، کسی که به راه ... دست یافت، هرگز نباید از هراسی به دل راه دهد. درستی ، خطر
- ۱۹- سقراط می گوید که مرا مأمور کرده تا در جست وجوی بکوشم و آن را به دیگران آموزش دهم . خداوند - دانش
- ۲۰- به نظر سقراط ، ترس از مرگ جز این نیست که آدمی خود را ... بیندارد، بی آنکه دانا باشد . دانا
- ۲۱- از نظر سقراط، گریز از مرگ ... نیست، گریز از ... دشوار است. دشوار - بدی
- ۲۲- اکنون وقت رفتن فرا رسیده است؛ من به سوی ... می روم و شما به سوی... . مرگ - زندگی

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های سوفسطائیان بود . درست
- ۲- سوفسطائیان با کمک اقسام مغالطه ها ، جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می پرداختند . درست
- ۳- در شرایطی که جامعه آتن از حقیقت و فضیلت فاصله می گرفت ،سقراط پرچم علم و فضیلت را برافراخت . درست
- ۴- سقراط برای احیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت قیام کرد و شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت . درست
- ۵- زندگی « افلاطون » حکایت واقعی یک فلسفه است . نادرست
- ۶- ارسطو ، شاگرد برجسته « سقراط » مبارزه سقراط با مغالطه گران و سوفیست ها را به تصویر کشیده است. نادرست
- ۷- سقراط، روش بحث ثابتی داشت . درست
- ۸- به عقیده سقراط ، فضیلت، ثروت نمی آورد. نادرست
- ۹- از نظر سقراط از ثروت است که فضیلت و هرچه که برای فرد و جامعه سودمند است، به دست می آید. نادرست
- ۱۰- سقراط من کسی نیستم که برای پول سخن بگویم یا به خاطر آن، لب از گفتار فرو بندم . درست
- ۱۱- ملتوس نماینده متهم کنندگان سقراط بود . درست
- ۱۲- به عقیده ملتوس،سقراط، خدایانی که همه به آنها اعتقاد دارند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید. درست
- ۱۳- از نظر ملتوس ، سقراط با افکار خود جوانان را گمراه می سازد و آنها را از دین پدرانشان برمی گرداند.درست
- ۱۴- ملتوس در پایان از دادگاه برای سقراط درخواست مجازات بخشش نمود . نادرست
- ۱۵- دفاعیه سقراط بیانیه ای فلسفی بود که همه اصول زندگی فلسفی سقراط را در برداشت . درست
- ۱۶- به عقیده سوفسطائیان، سقراط رفتاری خلاف دین درپیش گرفته و می خواهد به اسرار آسمان و زمین دست یابد..درست
- ۱۷- به نظر سوفسطائیان، سقراط رفتاری خلاف دین در پیش گرفته و می خواهد باطل را حق جلوه دهد و این کار را به دیگران بیاموزد . درست
- ۱۸- از نظر، سقراط کاوش و جست وجوی وی برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن می کنند و جدا کردن آنها از کسانی که دانشمند حقیقی هستند، سبب شده که گروه بزرگی به درست ، سقراط را « دانا » بنامند . نادرست
- ۱۹- سقراط در دفاعیه خود در دادگاه گفت ؛ من دانای حقیقی هستم . نادرست
- ۲۰- به عقیده سقراط، هربار نادانی کسی را آشکار می کرد ، حاضران مجلس گمان می کردند که آنچه که او نمی داند، سقراط می داند . درست
- ۲۱- از نظر سقراط دانای حقیقی فقط خداست. درست
- ۲۲- پیام سروش معبد دلفی این بود « داناترین مردم سقراط است » درست
- ۲۳- داناترین شما آدمیان کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند « خرداد ۹۶ درست
- ۲۴- از نظر سقراط، کسی که به راه درستی دست یافت و آن را در پیش گرفت، نباید از خطر هراسی به دل راه دهد. درست
- ۲۵- به نظر سقراط ، ترس از مرگ جز این نیست که آدمی خود را دانا بیندارد، بی آنکه دانا باشد . درست
- ۲۶- از نظر سقراط، گریز از مرگ بدی نیست، گریز از مرگ دشوار است؛ زیرا مرگ از بدی تندتر می دود. نادرست
- ۲۷- سقراط می گفت من پیر و ناتوان به دام مرگ افتادم؛ اما مدعیان من با همه چستی و چالاکي، درچنگال بدی گرفتارند درست
- ۲۸- سقراط در پایان دادگاه گفت ، اکنون وقت رفتن فرا رسیده است، من به سوی مرگ می روم و شما به سوی زندگی درست

سوالات تستی

۱- اساسی ترس از مرگ از نظر سقراط ، کدام است؟ کنکور ۹۸

گزینه ۱

(۱) توهم دانایی نسبت به مرگ

(۲) اشتیاق به توقف در دنیا

(۳) آگاهی از زیان مرگ

(۴) سرپیچی از امر خدا

۲- سقراط در زمان خودش به دانایی مشهور بود . علت این موضوع به نظر او چه بود؟ کنکور خارج کشور ۹۸

گزینه ۱

(۱) اینکه او نادانی سوفسطائیان را آشکار می کرد.

(۲) پیام سروش دلفی مبنی بر این که او داناترین مرد شهر است.

(۳) گفت و گوهای او با مردم برای اینکه فرمان خداوند را به جای آورده باشد .

(۴) تصور مردم مبنی بر این که او پاسخ سوالاتی را که از سوفسطائیان می کند ، می داند .

۳- کدام مورد به نتیجه نهایی تلاش های سقراط برای کشف راز سخن سروش معبد دلفی اشاره دارد؟ کنکور ۹۶

گزینه ۲

(۱) دانای حقیقی کسی جز خداوند نیست

(۲) کسی که از نادانی خود خبره دارد، دانا است

(۳) کسانی که بیشتر به دانایی شهره بودند، نادان تر بودند (۴) داناترین آدمیان کسانی اند که مانند سقراط هیچ نمی دانند.

۴- کدام عبارت بیانگر نظر سقراط است؟ کنکور خارج کشور ۹۶

(۱) نباید به مال و ثروت و کمال جسم بها داد .

(۲) ثروت برای فرد و جامعه سود چندانی ندارد .

(۳) همه چیزهای ارزشمند از فضیلت به دست می آیند. (۴) کمال نفس همراه با فضیلت، ثروت به بار می آورد. گزینه ۳

۵- با توجه با دفاعیات سقراط در دادگاه کدام عبارت مناسبتر است؟ کنکور سراسری ۹۲

گزینه ۳

(۱) وی انکار خدایان متعدد را، دلیلی بر انکار خدای یگانه نمی دانست.

(۲) به اعتقاد وی خورشید، سنگ و ماه، کره های خاکی بیش نبودند.

(۳) سخنان وی در مورد دانایی و عدالت، نشان می داد که به خدا معتقد است.

(۴) به گفته او همانطور که زین و لگام از آن اسب بود، جهان از آن خدا بود.

۶- هدف اصلی سقراط این بود که به مردم نشان دهد کنکور خارج کشور ۹۲

گزینه ۴

(۱) قبل از انجام هرکار باید بفهمد آن کار درست است یا نه (۲) بالاترین سعادت برای شهر او ، پیروی از فرمان خداست .

(۳) سعادت انسان در توجه به روح خود و تربیت آن است. (۴) از فضیلت است که ثروت و هرچه سودمند است به دست می آید

۷- در مقایسه ی « نمی دانم » سقراط با « نمی دانم » سوفسطائیان کدام مورد درست نیست؟ کنکور سراسری ۹۱

گزینه ۴

(۱) « نمی دانم » سقراط بیان جهل بسیط است، بر خلاف « نمی دانم » سوفسطائیان که ناشی از جهل مرکب است.

(۲) « نمی دانم » سوفسطائیان برخلاف « نمی دانم » سقراط، بر عشق به دانایی و فرزاندگی استوار نیست.

(۳) « نمی دانم » سوفسطائیان علیرغم ظاهرش، حاکی از جهل مرکب است که سقراط با نمی دانم خود سعی در از بین بردن آن دارد.

(۴) « نمی دانم » سوفسطائیان یعنی نمی توانم بدانم، ولی « نمی دانم » سقراط یعنی عدم اطمینان به همه ی دانسته ها

۸- ملتوس در جریان محاکمه ، سقراط را به چه اموری متهم کرده بود؟

گزینه ۴

(۱) سخن گفتن از خدای جدید و نافرمانی از سروش

(۲) فاسد کردن جوانان و رشوه خواری

(۳) فاسد کردن جوانان و نافرمانی از سروش معبد دلفی

(۴) سخن گفتن از خدای جدید و گمراهی جوانان

۹- سقراط در روز محاکمه، افترايي که از دیرباز به او نسبت داده بودند و ملتوس هم آن را تکرار کرد چه می دانست؟ گزینه ۱

۱) سقراط رفتاری خلاف دین در پیش گرفته و در پی آن است که به اسرار آسمان و زمین دست یابد.

۲) سقراط خورشید را سنگ می داند و ماه را کره ای خاکی.

۳) سقراط، علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول را منکر شده است .

۴) سقراط هر بار نادانی کسی را آشکار می کند . و خود را دانای حقیقی می پندارد.

۱۰- سقراط چگونه و براساس کدام دلیل پی برد که گروه بزرگی به غلط او را دانا می دانند در حالی که دانا نیست؟ گزینه ۱

۱) جدا کردن کسانی که ادعای دانشمند بودن می کنند از دانشمند حقیقی . (۲) آشکار کردن دانایی مدعیان دانش .

۳) آن دانایان از پاسخ به سوالات سقراط در می ماندند. (۴) با سخن سروش معبد دلفی دریافت

۱۱- کدام مورد از نظر سقراط بیانگر راز پیام سروش دلفی بود؟ گزینه ۲

۱) داناترین مردم سقراط است . (۲) به ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم .

۳) اینکه مردم آنها را بسیار دانا می دانستند. (۴) کسانی که بیشتر به دانایی شهره بودند نادان تر بودند.

۱۲- کدام مورد به نتیجه نهایی تلاش های سقراط برای کشف راز سخن سروش دلفی اشاره دارد؟ گزینه ۳

۱) دانای حقیقی فقط خداوند است . (۲) جدا کردن کسانی که ادعای دانشمند بودن می کنند از دانشمند حقیقی .

۳) کسی که از نادانی خود خبره دارد ، دانا است. (۴) داناترین آدمیان کسانی اند که مانند سقراط هیچ نمی دانند .

۱۳- با توجه با دفاعیات سقراط در دادگاه کدام عبارت مناسبتر است؟ گزینه ۳

۱) وی انکار خدایان متعدد را، دلیلی بر انکار خدای یگانه نمی دانست.

۲) به اعتقاد وی خورشید، سنگ و ماه، کره ای خاکی پیش نبودند.

۳) سخنان وی در مورد دانایی و عدالت، نشان می داد که به خدا معتقد است.

۴) به گفته او همانطور که صفات انسانی اثبات کننده وجود انسان بود، جهان از آن خدا بود.

۱۴- کدام عبارت بیانگر نظر سقراط درباره علت ترس از مرگ است؟

۱) آدمی خود را دانا پندارد، بی آنکه دانا باشد . (۲) زیرا مرگ از بدی تندتر می دود.

۳) چون گریز از مرگ دشوار نیست، گریز از بدی دشوار است. (۴) مرگ انتقال به جهانی دیگر است . گزینه ۱

۱۵- به اعتقاد سقراط، ایمن بودن از ترس و هراس خطرات، در گرو و «جهل مرکب» و «جهل بسیط» به ترتیب بیانگر و است. کنکور سراسری ۹۰ با اعمال تغییرات

گزینه ۳

۱) آگاهی به جهل و نادانی خود - دانا پنداری خویش - اقرار و آگاهی نسبت به نادانی خود

۲) دست یابی به درستی راه - اقرار و آگاهی نسبت به نادانی خود - دانا پنداری خویش

۳) دست یابی به درستی راه - دانا پنداری خویش - اقرار و آگاهی نسبت به نادانی خود

۴) آگاهی به جهل و نادانی خود - اقرار و آگاهی نسبت به نادانی خود - دانا پنداری خویش

۱۶- داناترین آدمیان به اعتقاد سقراط کسانی اند که و راز پیام سروش معبد دلفی همین بود که کنکور ۸۸ با اعمال تغییرات

۱) بدانند که هیچ نمی دانند - به ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم.

۲) توجه به خدای واحد را وجهه همت خود قرار دهند - سقراط رفتاری خلاف دین ما آتینان در پیش گرفته است.

۳) بدانند که هیچ نمی دانند - سقراط رفتاری خلاف دین ما آتینان در پیش گرفته است.

۴) توجه به خدای واحد را وجهه همت خود قرار دهند - به ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم. گزینه ۱

فصل دوم : معرفت و شناخت

درس ۶ : امکان شناخت شامل مباحث :

- چیستی معرفت
- امکان معرفت

درس ۷ : ابزارهای شناخت شامل مباحث :

- حس
- عقل
- قلب

درس ۸ : نگاهی به تاریخچه معرفت شامل مباحث :

چهار دوره تاریخ فلسفه

- دوره یونان باستان
- دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام
- دوره جدید اروپا
- رشد اندیشه نسبی گرایی
- ظهور پراگماتیسم

درس ششم فصل دوم : امکان شناخت

پاسخ فعالیت های درس ششم : تعیین درستی گزاره های اول درس :

۱- انسان می تواند اشیا را بشناسد.

۲- انسان می تواند اشیا را همان گونه که هستند بشناسد.

۳- انسان نمی تواند اشیا را همان گونه که هستند بشناسد.

۴- شناخت انسان می تواند خطا و اشتباه باشد.

۵- شناخت انسان همواره خطا و اشتباه است.

۶- انسان فقط می تواند همین امور محسوس و قابل تجربه حسی را بشناسد.

۷- انسان در شناخت امور محسوس هم همواره خطا می کند.

۸- انسان علاوه بر امور محسوس، امور نامحسوس را هم می تواند بشناسد.

- جمله دوم با جمله اول سازگار است. زیرا در جمله دوم قید « همان گونه که هستند » اضافه شده که جنبه توضیحی دارد. واً هر کسی که می گوید انسان می تواند اشیا را بشناسد، منظورش « همان گونه که هستند » می باشد و اگر جور دیگر بشناسد، نشناخته است.
- جمله سوم با جمله دوم ناسازگار است. حال، این جمله با جمله اول چه نسبتی دارد؟ آیا با جمله اول هماهنگ است یا مخالف؟ ممکن است کسی بگوید جمله اول با هر دو جمله هماهنگ است. هماهنگی آن با جمله دوم روشن است. اما درباره هماهنگی آن با جمله سوم بدین صورت است که در جمله اول فقط آمده که انسان می تواند اشیا را بشناسد، خواه همان گونه که هستند و خواه غیر همان گونه که هستند. پس جمله اول با این جمله سازگاری دارد. اما حقیقت این است که وقتی کسی می گوید انسان می تواند اشیا را بشناسد، اصولاً منظورش آن است که یک شی را همان گونه که هست می تواند بشناسد. اگر غیر همان طوری که هست بشناسد، آن را نشناخته و چیز دیگری را به جای آن شناخته است. مثلاً اگر بگوید آن موجودی که از دور می آید « اسب » است، و بعد معلوم شود که « گاو » بوده، آن را نشناخته و اشتباه کرده است.
- اگر کسی جمله چهارم را انتخاب کند، این جمله با جمله اول و دوم سازگار است اما با جمله سوم سازگار نیست. زیرا وقتی می گوئیم انسان می تواند خطا بکند، معنایش این است که: می تواند اشیا را بشناسد، در ضمن، ممکن است خطا هم بکند.
- اگر کسی جمله ۵ را انتخاب کند، لازمه اش این است که جمله ۳ را هم بپذیرد و جملات ۱، ۲ و ۴ را انکار کند.
- جمله ششم وارد محدوده علم شده است. کسی که محدوده شناخت را معین می کند، اصل شناخت را پذیرفته است. پس جمله ۶ با جملات ۱، ۲ و ۴ سازگار است و یک دانش آموز می تواند هر چهار جمله را انتخاب کند.
- جمله هفتم در مقابل جمله ششم است و چون لفظ « هم » در آن آمده، معنایش آن است که انسان همواره خطا می کند، حتی در امور محسوس، پس این جمله با جمله سوم و پنجم هماهنگ است.
- جمله هشتم که توانایی انسان بر امور محسوس و نامحسوس را می پذیرد، با جملات اول، دوم و چهارم سازگار است. اما با جملات سوم و پنجم و هفتم به طور کلی سازگار نیست. اما با جمله ششم، کلمه « فقط » که در جمله آمده سازگار نیست و در هر دو جمله امکان شناخت امور محسوس پذیرفته شده است.

تفکر

۱- بسیار پیش آمده که ما یک مسئله ریاضی را حل کرده ایم، اما بعد متوجه شده ایم که در حل آن مسئله راه را اشتباه رفته ایم. سپس راه دیگری را انتخاب کرده و به پاسخ صحیح رسیده ایم. اینکه انسان می تواند به خطای خود پی ببرد نشانه چیست؟

۲- بسیار پیش آمده که ما در موضوعی با فردی دیگر اختلاف نظر داشته باشیم و هر دو تلاش کنیم به کمک استدلال و توضیح، طرف مقابل را به دیدگاه خود نزدیک کنیم. این تلاش نشانه پذیرش چه حقیقتی است؟ در این فعالیت دو مسئله طرح شده است:

مسئله اول: تشخیص خطای خود و تصحیح آن: در این مسئله توجه دانش آموزان به یک نکته ظریف جلب شده است. درست است که ما خطا می کنیم. اما در عین حال می توانیم به همین خطا پی ببریم و این، خود، دلیلی بر توانایی انسان برای شناختن است. علاوه بر این، انسان خطای خود را تصحیح می کند. یعنی دانش بعدی خود را با دانش قبلی مقایسه می کند و متوجه می شود که این دانش نسبت به دانش قبل درست است.

مسئله دوم: گفت و گو و بحث برای قانع کردن طرف مقابل: کاری که ما هنگام گفت و گو با طرف مقابل می کنیم، خودش حاوی چند پیام در زمینه شناخت است:

یکی اینکه: دو فردی که دو نظر درباره یک موضوع دارند، هر دو قبول دارند که یکی از این دو نظر درست است، نه هر دو. البته ممکن است هر دو اشتباه باشند.

دوم اینکه: هر دو قبول دارند که راهی برای تشخیص درستی یا نادرستی این نظرات هست.

سوم اینکه: هر دو می دانند که می توانند دیدگاه درست خود را به دیگری انتقال دهند و به او اثبات کنند که نظرش صحیح نیست و نظر طرف مقابل صحیح است.

چهارم اینکه: بالاخره هر دو قبول دارند که امکان شناخت برای انسان هست.

سوالات تشریحی

- ۱- مقصود از اینکه یکی از ویژگی های انسان، توانایی شناخت است، چیست؟ توضیح دهید.
مقصود این است که ما اشیا و پدیده های پیرامون خود را شناسایی می کنیم و از طریق این شناخت با آنها ارتباط برقرار کرده و از آنها استفاده می نماییم. اشیاء و افراد را می بینیم، صدای آنها را می شنویم و بسیاری از ویژگی های دیگر آنها را درک می کنیم. اینکه ما با دیگری سخن می گوئیم، اینکه به سمت چیزی می رویم یا از چیزی دور می شویم و اینکه می کوشیم از خطرها فاصله بگیریم همه اینها نشانه توانایی ما در دانستن است.
- ۲- آیا شناختی که ما انسانها به دست می آوریم، دفعی یا تدریجی افزایش می باید؟ توضیح دهید.
شناخت ما به تدریج افزایش می یابد. ما در آغاز تولد چیزی نمی دانیم، بلکه گام به گام با پدیده های جهان آشنا می شویم؛ یعنی با عمل آموختن و یادگیری، در مسیر شناخت بیشتر پیش می رویم.
- ۳- ما انسانها چگونه در مسیر شناخت قرار می گیریم و آیا این شناختی که دست می آوریم محدود است یا نامحدود؟
ما با عمل آموختن و یادگیری، در مسیر شناخت بیشتر پیش می رویم. اما علی رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، باز هم شناخت ما بسیار محدود است. یعنی ما آگاه هستیم که در کنار دانسته ها و آموخته ها، حقایق فراوان دیگری هم در عالم هست که آنها را نمی دانیم و نمی شناسیم. گاهی متوجه می شویم که بعضی از دانسته های ما درست نبوده و دچار خطا شده ایم.
- ۴- هرگاه متوجه شویم که افراد مختلف درباره موضوع واحد نظرها و باورهای متفاوت دارند چه اقدامی باید انجام دهیم؟
می کوشیم که بدانیم از میان آن نظره های متفاوت کدام درست و کدام غلط است.
- ۵- با تأمل درباره مسائل مربوط به شناخت پرسش هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت برای ما مطرح می شود؛ سه نمونه از این پرسش ها را بنویسید.
اساساً شناختن چیست؟ آیا اصولاً شناخت ممکن است؟ شناخت های ما تا چه اندازه ارزش دارند؟ راه های شناخت کدام اند؟ حدود و قلمرو شناخت چیست؟
- ۶- اصطلاح « معرفت شناسی » را تعریف کنید.
« معرفت شناسی » آن بخشی از فلسفه است که به خود پدیده شناخت می پردازد و درصدد است به پرسش هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت پاسخ دهد. معرفت شناسی همیشه جزئی از فلسفه بوده است
- ۷- توجه ویژه کانت فیلسوف قرن هجدهم آلمان به شناخت چه تأثیر مثبتی در شاخه معرفت شناسی داشت؟
سبب شد که شاخه معرفت شناسی فلسفه رشد بیشتری کند و فیلسوفان بیشتری در دوره جدید بدان پردازند.
- ۸- تاریخچه طرح مباحث معرفت شناسی در دوره گذشته و جدید را بنویسید.
در گذشته برخی از مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می شد. اما در دوره جدید، به علت طرح پرسش های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه های گوناگون، این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی درآمد که به آن « معرفت شناسی » یا « نظریه معرفت » می گویند.
- ۹- مقصود از « چستی معرفت » را با ذکر مثالی توضیح دهید.
معنا و مفهوم معرفت و شناخت، روشن است و نیازی به تعریف ندارد. وقتی که از یک کودک می پرسیم « می دانی توپت کجاست » و او می گوید « آری می دانم » نسبت به معنای « می دانم » آگاه است. اگر ابهامی هم از جهت کلمه لغت باشد، حداکثر با بیان معادلی ابهام رفع می شود. مثلاً می گوئیم معرفت یا شناخت، همان دانستن و آگاهی نسبت به چیزی است.

۱۰- آیا ما می توانیم اشیا و موجودات جهان را بشناسیم و به آنها علم پیدا کنیم؟ توضیح دهید .

آری، امکان معرفت یک امر بدیهی و روشن است. نیازی به تحقیق و پیدا کردن دلیل ندارد. همین که ما با طرف مقابل خود صحبت می کنیم، یا لیوان آبی را برمی داریم و می نوشیم، یا از عمل کسی خوشحال یا عصبانی می شویم، گویای آن است که ما به امکان شناخت خود پی برده ایم .

۱۱- چرا سوفیست ها به این نتیجه رسیدند که انسان توانایی رسیدن به حقیقت را ندارد؟

سوفیست ها به علت استفاده از مغالطه های مختلف در گفت و گوها و در محاکم قضایی هر باطلی را حق جلوه می دادند، لذا به تدریج به این نظر رسیدند که انسان توانایی رسیدن به حقیقت را ندارد و نمی تواند به علمی که مطابق با واقع باشد، برسد

۱۲- عقیده گرگیاس در باره شناخت و امکان معرفت چیست؟

اولا چیزی وجود ندارد. ثانيا اگر هم چیزی وجود داشته باشد، برای انسان قابل شناخت نیست و انسان ابزار شناخت آن را

ندارد. ثالثا اگر برای انسان قابل شناخت باشد، نمی تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید .

۱۳- کدام یک از این دو مفهوم زیر برای هر انسانی روشن است ؟

الف) معنای معرفت ب) امکان رسیدن به شناخت و معرفت

هم معنای معرفت و هم امکان رسیدن به شناخت و معرفت برای هر انسانی روشن است.

۱۴- آیا شکاکیت مطلق، امکان پذیر است؟ چرا ؟ خیر زیرا شک در اصل دانستن و همه دانسته ها، امکان پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق سازگار نیست.

۱۵- دانش بشر به دو صورت پیشرفت می کند و کامل تر می شود، آن دو روش کدامند؟

۱- از طریق حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید در مورد عناصر و پدیده های جهان و گشودن شاخه های جدید دانش.

۲- از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح آنها

۱۶- مقصود از این سخن که دانش بشر درباره کیهان و سیاره ها پیوسته در حال تکمیل است، چیست؟

یعنی منجمان به تدریج ستارگان و سیارات بیشتری را شناسایی کرده اند و انتظار دارند که در آینده نیز کرات دیگری را بشناسند.

۱۷- مقصود از این سخن که دانش بشر درباره کیهان و سیاره ها پیوسته در حال تصحیح است، چیست؟

یعنی ستاره شناسان و کیهان شناسان به طور پیوسته برخی از دانش های گذشتگان را اصلاح نموده اند . مثلاً : منجمان قدیم، عموماً فکر می کردند که خورشید به دور زمین می گردد و زمین مرکز جهان است. منجمان جدید پی بردند که این نظر اشتباه بوده و زمین به دور خورشید در حرکت است.

۱۸- از میان فلاسفه یونان باستان ، فیلسوفان اسلامی و فلاسفه دوره جدید اروپا یک فیلسوف نام ببرید که در بحث معرفت و

شناخت نظریاتی ارائه نموده اند .

فلاسفه یونان : افلاطون و ارسطو فلاسفه اسلامی: ابن سینا ، شیخ اشراق، ملاصدرا ، علامه طباطبایی

فلاسفه دوره جدید اروپا : دکارت ، هیوم و کانت

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- توجه ویژه کدام فیلسوف دوره جدید اروپا به شناخت، سبب شد که شاخه معرفت‌شناسی فلسفه رشد بیشتری کند و فیلسوفان بیشتری در دوره جدید بدان بپردازند؟ کانت
- ۲- یک نفر از سوفسطائیان مشهور را نام ببرید. خرداد ۹۲ گریاس
- ۳- شعار «هیچ چیز وجود ندارد» از چه کسی است؟ گریاس
- ۴- چه کسانی بر این عقیده اند که انسان توانایی رسیدن به حقیقت را ندارد؟ سوفیست
- ۵- انسان‌ها چگونه در مسیر شناخت بیشتر پیش می‌روند؟ با عمل آموختن و یادگیری
- ۶- کدام دانش بخشی از فلسفه است که به پدیده شناخت می‌پردازد؟ معرفت‌شناسی
- ۷- مباحث معرفت‌شناسی در گذشته، در ضمن چه مباحث مطرح می‌شد؟ مباحث فلسفی
- ۸- نام دیگر نظریه معرفت‌شناسی چیست؟ نظریه معرفت
- ۹- مقصود از شکاکیت مطلق چیست؟ شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- یکی از ویژگی‌های انسان، توانایی است که به افزایش می‌یابد. شناختن - تدریج
- ۲- ما انسان‌ها با عمل و، در مسیر شناخت پیش می‌رویم. آموختن - یادگیری
- ۳- علی‌رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، شناخت ما است و درکنار این دانسته‌ها و آموخته‌ها بسیاری در عالم هست که آنها را نمی‌شناسیم. محدود - حقایق
- ۴- بخشی از فلسفه است که به خود پدیده شناخت می‌پردازد و درصدد پاسخ به پرسش‌هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت است. معرفت‌شناسی
- ۵- معرفت‌شناسی همیشه جزئی از بوده است. فلسفه
- ۶- در گذشته برخی از مباحث معرفت‌شناسی در ضمن مباحث طرح می‌شد. فلسفی
- ۷- مباحث معرفت‌شناسی در دوره جدید، به صورت شاخه مستقلی درآمد که به آن معرفت‌شناسی یا می‌گویند. نظریه معرفت
- ۸- به عقیده سوفیست‌ها، انسان توانایی رسیدن به را ندارد و نمی‌تواند به علمی که مطابق با ... باشد، برسد. حقیقت - واقع
- ۹- یکی از سوفیست‌های معروف است. گریاس
- ۱۰- «اگر هم چیزی وجود داشته باشد، برای انسان قابل شناخت نیست» عقیده..... است. گریاس
- ۱۱- معنا و مفهوم معرفت و شناخت، است و نیازی به ندارد. روشن - تعریف
- ۱۲- هم معرفت و هم رسیدن به شناخت و معرفت برای هر انسانی روشن است. معنای - امکان
- ۱۳- شکاکیت، به معنای شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها است. مطلق
- ۱۴- دانش بشر از طریق حل و دستیابی به ... جدید در مورد عناصر و پدیده‌های جهان و گشودن شاخه‌های جدید دانش به دست می‌آید. مجهولات - اطلاعات

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- یکی از ویژگی های انسان، توانایی شناختن است . درست
- ۲- شکی نیست که ما موجودی هستیم که از خود و جهان پیرامون خود شناختی داریم . درست
- ۳- شناخت ما از جهان، امری است که به تدریج حاصل نمی شود بلکه امری دفعی است . نادرست
- ۴- ما انسان ها با عمل آموختن و یادگیری، در مسیر شناخت پیش می رویم. درست
- ۵- گاهی متوجه می شویم که بعضی از چیزهایی که فکر می کردیم می دانیم درست نبوده و ما دچار خطا شده ایم . درست
- ۶- تأمل درباره مسائل مربوط به شناخت ، موجب طرح پرسش هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت می شود . درست
- ۷- انسان شناسی بخشی از فلسفه است که به خود پدیده شناخت پرداخته، می کوشد به پرسش های جدی پاسخ دهد .
نادرست
- ۸- معرفت شناسی همیشه جزئی از فلسفه نبوده است. نادرست
- ۹- در گذشته برخی از مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می شد . درست
- ۱۰- در دوره جدید ، معرفت شناسی به صورت شاخه مستقلی درآمد که به آن « نظریه معرفت » می گویند . درست
- ۱۱- معنا و مفهوم معرفت و شناخت، چنان روشن و بدیهی نیست و نیازی به تعریف دارد. نادرست
- ۱۲- " هیچ چیز را نمی توان شناخت " شعار پروتاگوراس است. خرداد ۹۴ - نادرست
- ۱۳- هم معنای معرفت و هم امکان رسیدن به شناخت و معرفت برای هر انسانی روشن است. درست
- ۱۴- شگاکیت مطلق، به معنای شک در اصل دانستن و همه دانسته ها است . درست
- ۱۵- دانش ما درباره کیهان و سیاره ها فقط پیوسته در حال تصحیح است. نادرست
- ۱۶- از جهت تصحیح دانش بشر، منجمان به تدریج ستارگان و سیارات بیشتری را شناسایی کرده اند و انتظار دارند که در آینده نیز کرات دیگری را بشناسند. نادرست
- ۱۷- از جهت تکمیل دانش بشر، ستاره شناسان و کیهان شناسان به طور پیوسته برخی از دانش های گذشتگان را اصلاح نموده اند .
نادرست

سوالات تستی

۱- کدام سوال به حوزه مسائل معرفت شناسی مربوط نمی شود ؟

گزینه ۱

(۱) آیا یادآوری خاطرات خوشایند بر همه انسان ها تاثیر یکسان دارد ؟ (۲) شناخت های ما تا چه اندازه ارزش و اعتبار دارند؟

(۳) آیا می توانیم موجودات جهان را بشناسیم و به آنها علم پیدا کنیم؟ (۴) آیا ما می توانیم به همه اسرار مغز پی ببریم؟

۲- کدام مورد عبارت را به نحو درستی کامل می کند ؟ معرفت شناسی بخشی از فلسفه است که به می پردازد ؟

(۱) اعتبار روش تجربی (۲) وجود و هستی موجودات (۳) خود پدیده شناخت (۴) فلسفه هر علم

گزینه ۳

۳- کدام مورد بیانگر تفاوت اساسی معرفت شناسی دوره یونانی با معرفت شناسی دوره جدید است ؟

(۱) در هر دو دوره برخی از مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می شد.

(۲) در دوره یونان، مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح شد اما امروزه، نظریه معرفت شاخه مستقلی است.

(۳) در هر دو دوره یونانی و جدید، مباحث معرفت شناسی شاخه مستقلی بوده و هست.

(۴) در دوره یونان، مباحث معرفت شناسی شاخه مستقلی بود اما امروزه، در ضمن مباحث فلسفی طرح می شود.

گزینه ۲

۴- تفاوت بین چستی معرفت و امکان معرفت این است که اولی و دومی

(۱) نیازی به تعریف دارد - بدیهی و روشن است . (۲) بدیهی و روشن است - نیازی به تعریف دارد.

(۳) بدیهی و روشن نیست - نیازی به تعریف دارد. (۴) نیازی به تعریف ندارد - بدیهی و روشن است

گزینه ۴

۵- محتوای کدام عبارت با بدیهی و روشن بودن معنای معرفت و امکان رسیدن به شناخت سازگار است ؟

(۱) شکاکیت مطلق، یعنی شک در معنای معرفت، و نه شک در امکان رسیدن به معرفت

(۲) شکاکیت مطلق، یعنی شک در امکان معرفت، و نه شک در معنای معرفت

(۳) شکاکیت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته ها، امکان پذیر نیست.

(۴) اگر کسی در همه دانسته ها شک کند گرفتار تناقض می شود و نظر او با شک مطلق سازگار است .

گزینه ۳

۶- اگر کسی مدعی شود که «هیچ چیز وجود ندارد و به فرض وجود قابل شناخت نیست و به فرض قابلیت شناخت، فاقد

امکان تعلیم به دیگران است» مبنای این ادعا به ترتیب، اندیشه..... است که به معترف بود.

گزینه ۴

۱- گرگیاس - نسبیت امور ۲- پروتاگوراس - انکار معرفت ۳- پروتاگوراس - نسبیت امور ۴- گرگیاس - انکار معرفت

گزینه ۴

۷- کدام یک، با نظرات گرگیاس سازگار نیست ؟

گزینه ۴

۱- هیچ چیزی وجود ندارد..

۲- اگر چیزی وجود داشته باشد، برای انسان قابل شناخت نیست و انسان ابزار شناخت آن را ندارد..

۳- اگر برای انسان قابل شناخت باشد، نمی تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید

۴- اگر چیزی به حواس نیاید به این معنی است که وجود ندارد.

۸- کدام مطلب در مورد پیشرفت پیوسته دانش انسان درست نیست ؟

گزینه ۴

۱- دانش بشر فقط از طریق حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید در مورد عناصر و پدیده های جهان پیشرفت می کند

۲- دستیابی انسان به دانش های مختلف در رشته ها و شاخه های گوناگون علم دلیلی بر توانایی بشر برای رسیدن به معرفت است

۳- از جهت تصحیح، منجمان به تدریج ستارگان و سیارات بیشتری را شناسایی کرده اند و انتظار دارند که در آینده نیز کرات دیگری را بشناسند.

۴- در جهت تکمیل ستاره شناسان و کیهان شناسان به طور پیوسته برخی از دانش های گذشتگان را اصلاح نموده اند.

درس هفتم فصل دوم : ابزارهای شناخت

پاسخ فعالیت های درس هفتم

فعالیت ابتدای درس ص ۵۰ :

- عبارت های زیر را با دقت بخوانید، سپس به سؤال ها پاسخ دهید.
- سرنوشت هرکس در گرو عملی است که خود انجام داده است.
 - تاریخ بشر با حوادث تلخ و ناگوار فراوانی آمیخته است.
 - یکی از فرشتگان الهی جبرئیل است که آوردن وحی بر پیامبران را برعهده دارد.
 - زمین علاوه بر حرکتی که به دور خود و به دور خورشید دارد، حرکتی هم همراه با منظومه شمسی در کهکشان دارد.
 - انسانی که واقعا خدا را مقصود خود قرار بدهد، اعمالش در جهت رسیدن به او خواهد بود.
 - جهان برای برخی انسان ها حکم قفس را دارد.

۱- آیا اصولاً با این جمله ها موافقت می کنید؟

۲- با صرف نظر از اینکه با این گزاره ها موافق هستید یا مخالف، فکر می کنید گویندگان این جمله ها با چه ابزاری و از چه طریقی به آنها پی برده و آنها را پذیرفته اند؟

- گزاره اول، بیانگر قدرت اختیار در انسان است، یعنی یک گزاره انسان شناختی است.
- گزاره دوم، یک گزاره در حوزه تاریخ بشر و حوادثی است که بر او گذشته است.
- گزاره سوم، یک گزاره درباره جهان غیب و ماوراءالطبیعه است.
- گزاره چهارم، یک گزاره علمی در حوزه فیزیک و علوم طبیعی است.
- گزاره پنجم، یک گزاره اعتقادی و تأثیر اعتقاد بر عمل است.
- گزاره ششم، یک گزاره عرفانی و اخلاقی شمرده می شود.

بررسی : ص ۵۲

گاهی ما در هنگام استفاده از حواس دچار خطا می شویم؛ مثلاً ممکن است چوب را داخل آب، شکسته ببینیم یا یک ساختمان بزرگ را، از فاصله دور، کوچک بینداریم. حال:

- آیا چنین پيشامدهایی سبب سلب اعتماد ما از حواس می شود؟
 - برای اینکه به خطای خود در این موارد پی ببریم، باید از چه ابزاری استفاده کنیم؟ آیا باز هم باید از حواس کمک بگیریم؟
 - آیا اینکه انسان می تواند متوجه خطای خود شود، می تواند دلیلی بر توانایی حواس برای شناخت اشیا باشد؟
- پاسخ سؤال اول، معمولاً منفی است، زیرا برای همه دانش آموزان خطای در حواس رخ داده، اما باز هم از حواس استفاده می کنند. کسی نیست که به علت چند بار اشتباه در دیدن، دیگر از چشم خود استفاده نکند. او حتی برای پی بردن به خطای خود باز هم از همین حواس استفاده می کند. به عبارت دیگر: هرکس می داند که ساختار دستگاه حواس ما و ادراک مربوط به حواس ما یک ساختار درست دارد و پیش آمدن خطا مربوط به ساختار دستگاه نیست.
- پاسخ سؤال دوم، همان طور که گفته شد همان حواس است. پاسخ سؤال سوم در ضمن پاسخ سؤال اول داده شد.

بیان نمونه : ص ۵۳

آیا می توانید نمونه های دیگری از ویژگی ها و حالات نفس را مثال بزنید که انسان ابتدا آن را در خود یافته و سپس در موجودات دیگر مشاهده کرده است؟

این فعالیت، برای تعمیق خودشناسی و تأمل درونی است. نمونه های دیگری که انسان ابتدا در خود می یابد و بعد در دیگران هم مشاهده می کند:

- ۱- محبت و دشمنی ۲- استدلال کردن ۳- شادی و غم ۴- اخلاق و ویژگی های اخلاقی مانند ترس و شجاعت
- ۵- رابطه علیت میان اراده انسان و افعال او ۶- احساس شک و تردید در برخی امور

بررسی : ص ۵۴

آیا در علمی که از راه استدلال عقلی محض به دست می آیند، امکان خطا و اشتباه وجود دارد؟ با توجه به آنچه در منطق، درباره استدلال آموخته اید، در این باره توضیح دهید. در اینجا سه نکته مورد نظر است.

۱- اشتباه فقط در بدیهیات راه ندارد، مانند اجتماع تقیضین محال است.

۲- در استدلال تجربی که از حس کمک می گیریم امکان خطا هست که با تلاش و کوشش علمی و دقت در آزمایش ها و تجربه ها آن را کم می کنیم.

۳- در استدلال عقلی محض، چه در ریاضیات و چه در فلسفه امکان خطا وجود دارد. این خطا می تواند از ناحیه ماده باشد و می تواند از ناحیه صورت، یعنی شکل استدلال باشد. هر دو شکل خطا قابل تشخیص رفع شدن است.

مقایسه : ص ۵۱

معرفت وحیانی	شهود عارفانه
معرفت وحیانی از جانب خدا نازل شده است.	شهود عارفانه مشاهده قلبی خود عارف است.
در انتقال وحی به مردم اشتباهی رخ نمی دهد.	ممکن است که یک عارف در بیان شهود خود دچار اشتباه شود.
هدف وحی هدایت مردم است.	در شهود عارفانه لزوماً چنین هدفی وجود ندارد.
وحی فقط به کسی می شود که ویژگی های لازم نبوت را دارد	برای هر کسی که خالصانه به تزکیه نفس بپردازد رخ می دهد.

سوالات تشریحی

- ۱- یکی از تلاش های فیلسوفان در زمینه ابزار شناخت چیست؟
فیلسوفان تلاش می کنند ابزارهای شناخت را شناسایی کنند و قلمرو کاربرد آنها را معین نمایند .
- ۲- ابزارهای شناخت و معرفت در انسان را بنویسید . حس - عقل - قلب
- ۳- یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی را بنویسید.
یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی حس در شناخت تفاوت ها و تمایزهاست.
- ۴- نقش شناخت تمایزها و تفاوت های اشیا را در انسان با ذکر مثال توضیح دهید.
شناخت تمایزها و تفاوت های اشیا این امکان را به انسان می دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت استفاده های مختلف بکند؛ مثلاً اگر در مقابل ما یک لیوان آب و یک ظرف غذا باشد، برای رفع تشنگی لیوان آب را برمی داریم و برای رفع گرسنگی به سراغ ظرف غذا می رویم ،این عمل به ما می فهماند که ما در تشخیص لیوان آب و ظرف غذا اشتباه نکرده ایم.
- ۵- از طریق ابزار عقل چگونه می توان به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی برد و قوانین طبیعی را شناخت؟
عقل با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته های حسی می تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی ببرد و قوانین طبیعی را بشناسد .
- ۶- « شناخت تجربی » چگونه شناختی است ؟
شناختی را که با همکاری عقل و حس به دست می آید ، « شناخت تجربی » می گوئیم .
- ۷- دو قاعده از قواعد عقلی مهم که شناخت تجربی بر آنها متکی است ، را بنویسید.
پدیده ها خود به خود پدید نمی آیند، بلکه هر پدیده ای نیازمند علت است . هر پدیده علتی ویژه دارد، و از هر چیزی، هر چیزی پدید نمی آید . طبیعت، همواره یکسان عمل می کند.
- ۸- « شناخت عقلی » چگونه شناختی است ؟ دو نمونه از این گونه شناخت ها را نام ببرید .
عقل قادر است بدون استفاده از یافته های تجربی و صرفاً با تأمل، به حقایق برسد و دانش هایی را پایه گذاری کند. به این قبیل دانش ها شناخت عقلی می گوئیم. مانند بسیاری از دانستنی های ریاضی و فلسفه
- ۹- به چه نوع معرفتی ، « معرفت شهودی » اطلاق می شود ؟ و این معرفت چگونه حاصل می شود ؟
معرفتی که از طریق « قلب » یا « دل » به دست می آید، « معرفت شهودی » نام دارد. این معرفت از طریق تقویت ایمان و تعالی بخشیدن به نفس و تهذیب آن و کمال طلبی همراه با عبادات خالصانه، به تدریج و گام به گام حاصل می شود. پس برای دریافت معرفت شهودی سیر و سلوک و تهذیب نفس ضروری است.
- ۱۰- علت تسمیه معرفت شهودی به این نام چیست ؟
این شناخت را بدان جهت شهودی گویند که قلب انسان حقیقت را چنان درمی یابد که گویا با چشم می بیند.
- ۱۱- مقصود از « معرفت وحیانی » چیست ؟ توضیح دهید .
یکی از شهودهای قلبی وحی الهی است. این شهود ویژه پیامبران است و خداوند از طریق وحی و به واسطه پیامبران معارفی را در اختیار بشر قرار می دهد که به آن « معرفت وحیانی » می گویند .

۱۲- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- الف) با همکاری عقل و حس به دست می آید
ب) طبیعت، همواره یکسان عمل می کند
ج) بسیاری از دانستنی های ریاضی و فلسفه
د) برای دریافت آن، سیروسلوک و تهذیب نفس ضروری است.
- ۱- از قواعد عقلی مهم در شناخت تجربی
۲- شناخت عقلی
۳- معرفت شهودی
۴- شناخت تجربی
- الف: شناخت تجربی ب: از قواعد عقلی مهم در شناخت تجربی ج: شناخت عقلی د) معرفت شهودی

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- حقایقی را که توانایی درک آنها از راه احساس ممکن نیست و فقط عقل درک کند، کدامند؟
امور محسوس و طبیعی را و امور غیرمحسوس و غیرطبیعی
- ۲- شناختی را که عقل با همکاری حس به دست می آورد، چه نامیده می شود؟ شناخت عقلی
- ۳- شناختی که بر چند قاعده عقلی مهم استوار است و دانشمند در هنگام بررسی داده های حسی، آن قاعده ها را در نظر دارد و از آنها بهره می برد چه نوع شناختی است؟ شناخت تجربی
- ۴- یک فیلسوف عقل گرای یونانی و یک فیلسوف عقل گرای اسلامی را نام ببرید. ارسطو - ابن سینا
- ۵- دیدگاه ابن سینا در مورد قانون علیت را در یک سطر بنویسید.
قانون علیت از تجربه و آزمایش به دست نمی آید، بلکه برعکس، خودش پایه و اساس هر تجربه ای است.
- ۶- دو مورد از دانش های عقلی را نام ببرید. ریاضیات - فلسفه
- ۷- مقصود از این سخن که معرفت شهودی یک معرفت بی واسطه است، چیست؟
یعنی بدون استفاده از تجربه و آزمایش و بدون استدلال عقلی در قلب تجلی می کند.
- ۸- برای دریافت معرفت شهودی چه چیزی ضروری است؟
برای دریافت چنین معرفتی سیروسلوک و تهذیب نفس ضروری است

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی ما در شناخت ... و... اشیا است. تفاوت ها- تمایزهای
- ۲- شناختی را با همکاری به دست می آورد، شناخت تجربی می گوئیم. عقل - حس
- ۳- شناخت بر چند قاعده عقلی مهم متکی است که دانشمند در هنگام بررسی داده های ، آن قاعده ها را در نظر دارد و از آنها بهره می برد. تجربی - حسی
- ۴- یکی از قواعد اولیه تعقل در شناخت این است که طبیعت، همواره عمل می کند. تجربی - یکسان
- ۵- از اولین دانشمندانی است که مبانی علوم تجربی را پایه گذاری کرد. ارسطو
- ۶- ارسطو، علاوه بر تبخّر در فلسفه، یک دانشمند نیز شمرده می شد. علوم طبیعی
- ۷- ابن سینا در توضیح و تبیین قواعد علوم طبیعی نقش بسزایی داشت. عقلی
- ۸- قانون ... یکی از قواعد اولیه تعقل است که انسان در شناخت هر پدیده ای از آن استفاده می کند. علیت

- ۹- بسیاری از دانستنی های و دانش در زمره شناخت عقلی به شمار می روند. ریاضی - فلسفه
- ۱۰- معرفتی که از طریق « قلب » یا « دل » به دست می آید، ... نام دارد که صورت می گیرد. معرفت شهودی - بی واسطه
- ۱۱- معرفت شهودی از طریق تقویت ... و تعالی بخشیدن به ... و تهذیب آن و کمال طلبی همراه با عبادات خالصانه، به تدریج و گام به گام حاصل می شود. ایمان - نفس
- ۱۲- برترین شهود الهی است که مختص است. وحی - پیامبران
- ۱۳- در شهود ... ، خداوند کلمات و عبارات خود را بر ... پیامبر نازل می کند. وحیانی - قلب
- ۱۴- قرآن کریم نمونه ای از ... الهی است که خداوند از طریق ... بر قلب آخرین پیامبر نازل کرده است. کلام - وحی
- تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.**
- ۱- یکی از راه های شناخت ما حس است. درست
- ۲- گاهی در شناخت حسی خطا رخ می دهد. به همین دلیل در زندگی روزمره ما اعتباری ندارد. نادرست
- ۳- یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی توانایی ما در شناخت تفاوت ها و تمایزهای اشیا است. درست
- ۴- شناخت وجه مشترک اشیا این امکان را می دهد که به کمک عقل از اشیا متفاوت استفاده های مختلف کنیم. نادرست
- ۵- انسان به کمک عقل می تواند حقایق را درک کند که توانایی درک آن از راه احساس ممکن نیست. درست
- ۶- حقایق را که عقل می تواند درک کند ، فقط مربوط به امور محسوس و طبیعی است. نادرست
- ۷- عقل با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته های حسی می تواند به بسیاری از اسرار طبیعت پی ببرد و قوانین طبیعی را بشناسد. درست
- ۸- شناختی را که با همکاری عقل و حس به دست می آید ، « شناخت تجربی » می گوئیم. درست
- ۹- یکی از قواعد مهم عقلی در شناخت تجربی این است که پدیده ها خود به خود پدید نمی آیند و هر پدیده ای نیازمند علت است. درست
- ۱۰- یکی از قواعد مهم عقلی در شناخت تجربی این است که هر پدیده علتی ویژه دارد، و از هر چیزی، هر چیزی پدید نمی آید. درست
- ۱۱- یکی از قواعد مهم عقلی در شناخت تجربی این است که طبیعت، همواره یکسان عمل می کند. درست
- ۱۲- افلاطون از اولین دانشمندانی است که مبانی علوم تجربی را پایه گذاری کرد. نادرست
- ۱۳- ارسطو ، علاوه بر تبخّر در فلسفه، یک دانشمند علوم طبیعی نیز شمرده می شد. درست
- ۱۴- ارسطو علاوه بر فلسفه، در طبیعیات و ریاضیات هم کتاب نوشته است. درست
- ۱۵- ارسطو در طبیعیات خود مبانی طبیعت شناسی را بیان کرده و درباره علیت و اقسام علت سخن گفته است. درست
- ۱۶- ابن سینا در توضیح و تبیین قواعد عقلی علوم طبیعی نقش بسزایی داشت. درست
- ۱۷- ابن سینا کتاب های متعددی در فلسفه و علوم طبیعی دارد که مورد توجه فیلسوفان و دانشمندان علوم طبیعی بود. درست
- ۱۸- فارابی در گسترش اندیشه های ارسطو درباره قانون علیت تأملات عمیقی کرد که همچنان قابل استفاده است. نادرست
- ۱۹- به نظر فارابی، قانون علیت از تجربه و آزمایش به دست نمی آید، بلکه خودش پایه و اساس هر تجربه ای است. نادرست
- ۲۰- قانون علیت، یکی از قواعد اولیه تعقل است که انسان در شناخت هر پدیده ای از آن استفاده می کند. درست
- ۲۱- عقل قادر است بدون استفاده از یافته های تجربی و صرفاً با تأمل، به حقایق برسد و دانش عقلی را پایه گذاری کند. درست
- ۲۲- بسیاری از دانستنی های ریاضی و فلسفه در زمره شناخت عقلی به شمار می روند. درست

- ۲۳- دانستنی های فلسفه از طریق حواس و تجربه به دست نمی آیند و فقط از طریق تعقل محض می توان به آنها رسید. درست
- ۲۴- « قلب » یا « دل » یکی از ابزارهای معرفت انسان است که می تواند بی واسطه به حقایق برسد و معرفت کسب کند. درست
- ۲۵- معرفتی که از طریق « قلب » یا « دل » به دست می آید، « معرفت شهودی » نام دارد. درست
- ۲۶- معرفت شهودی از طریق تقویت ایمان و تعالی بخشیدن به نفس و تهذیب آن و کمال طلبی همراه با عبادات خالصانه، به تدریج و گام به گام حاصل می شود. درست
- ۲۷- معرفت شهودی، با واسطه است و بدون استفاده از تجربه و آزمایش و بدون استدلال عقلی حاصل می شود. نادرست
- ۲۸- برای دریافت معرفت شهودی سیروسولوک و تهذیب نفس ضروری است. درست
- ۲۹- مشاهدات عارف، از نوع شهود قلبی است و از طریق چشم صورت نمی گیرد. درست

سوالات تستی

۱- کدام مطلب در مورد شناخت حسی درست نیست ؟

- (۱) گرچه گاهی در شناخت حسی خطا رخ می دهد، اما این شناخت به قدری برای ما معتبر است که بر پایه آن در طبیعت زندگی می کنیم، و نیازهایمان را برطرف می سازیم.
- (۲) یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی، که زمینه تفکر عقلی قرار می گیرد، توانایی ما در شناخت تفاوت های اشیا است.
- (۳) شناخت های حسی متفاوت از اشیا، این امکان را به انسان می دهد که به کمک عقل خود از اشیا متفاوت استفاده های مختلف بکند.
- (۴) به کمک شناخت حسی می توان حقایق مربوط به امور محسوس و طبیعی یا امور غیر محسوس و غیر طبیعی را درک کرد. گزینه ۴
- ۲- یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی انسان در شناخت ... و ... اشیا است.
- (۱) تفاوت ها - تمایزهای (۲) اشتراکات - تفاوت های (۳) تمایزها - اشتراکات (۴) اشتراکات - تمایزهای
- گزینه ۱
- ۳- کدام مورد بیانگر تفاوت اساسی شناخت تجربی با شناخت عقلی است؟
- گزینه ۳

- (۱) شناختی عقلی با همکاری عقل و حس به دست می آید برخلاف شناخت تجربی
- (۲) در شناخت عقلی با استفاده از یافته های تجربی و نه صرفاً با تأمل، به حقایق می رسیم مانند دانستنی های ریاضی
- (۳) دانستنی های شناخت عقلی از طریق تعقل محض و نه از طریق حواس و تجربه به دست می آیند مانند ریاضی و فلسفه اولی
- (۴) شناخت عقلی بر چند قاعده مهم متکی است که دانشمند در هنگام بررسی داده های حسی، آن قاعده ها را در نظر دارد و از آنها بهره می برد.
- ۴- کدام یک جزء قواعد عقلی مهم که شناخت تجربی بر آنها متکی است، شمرده نمی شود ؟
- (۱) پدیده ها خود به خود پدید نمی آیند، بلکه هر پدیده ای نیازمند علت است .
- (۲) هر پدیده علتی ویژه دارد، و از هر چیزی، هر چیزی پدید نمی آید .
- (۳) طبیعت همواره یکسان عمل می کند.
- (۴) شناخت هر پدیده با همکاری حس و عقل به دست می آید.
- گزینه ۴
- ۵- اولین دانشمندانی است که مبانی علوم تجربی را پایه گذاری کرد و فیلسوفی که در توضیح و تبیین قواعد عقلی علوم طبیعی نقش بسزایی داشت به ترتیب در کدام گزینه آمده است ؟

- (۱) افلاطون - ارسطو (۲) ارسطو - ابن سینا (۳) ارسطو - افلاطون (۴) افلاطون - ابن سینا
- گزینه ۲
- ۶- کدام یک از موارد زیر مختص پیامبران است و معرفتی که از آن حاصل می شود چه نام دارد؟
- (۱) قلب - معرفت وحیانی (۲) وحی - معرفت شهودی (۳) وحی - معرفت وحیانی (۴) قلب - معرفت شهودی
- گزینه ۳
- ۷- تفاوت بین معرفت شهودی و معرفت وحیانی این است که اولی بر..... و دومی بر..... اشاره دارد ؟
- (۱) معرفتی که از طریق تقویت ایمان و تعالی بخشیدن به نفس حاصل می شود - کمال طلبی همراه با عبادات خالصانه
- (۲) نوعی شهود قلبی - معرفت بی واسطه و لزوم سیروسولوک و تهذیب نفس
- (۳) معرفت بی واسطه و لزوم سیروسولوک و تهذیب نفس - معرفتی که از طریق وحی و به واسطه پیامبران حاصل می شود.
- (۴) معرفت بی واسطه و لزوم سیروسولوک و تهذیب نفس - نوعی شهود قلبی
- گزینه ۳

درس هشتم فصل دوم : نگاهی به تاریخچه معرفت

پاسخ فعالیت های درس هشتم

□ مقایسه ص ۶۱ :

سیر اندیشه از پارمنیدس تا ارسطو را مطالعه کنید و به سؤال های زیر پاسخ دهید:

۱. آیا تفاوتی میان نظر پارمنیدس و افلاطون درباره ادراک حسی وجود دارد؟

در این سؤال، مقایسه نظر پارمنیدس و افلاطون درباره ادراک حسی و محسوسات مطرح شده است.

- پارمنیدس ادراک حسی را معتبر نمی داند، اما افلاطون منکر ادراک حسی نیست و آن را پایین ترین نوع معرفت تلقی می کند.
- پارمنیدس معتقد به حرکت و تغییر نیست. اما افلاطون معتقد است که عالم محسوس عالم تغییر و حرکت است و به همین جهت پایین ترین مرتبه عالم است.

۲. آیا افلاطون و ارسطو اختلاف نظری در معرفت شناسی دارند؟

در این سؤال، مقایسه افلاطون و ارسطو درخواست شده است.

- افلاطون و ارسطو، هر دو معرفت انسان را دارای ارزش واقع نمایی می دانند و با سوفسطائیان مخالف بودند.
- هر دو هم برای ادراک حسی و هم عقلی اعتبار قائل بودند.
- البته افلاطون ادراک حسی را بسیار پایین تر از ادراک عقلی می دانست و مردم را تشویق به ادراک عقلی می کرد. علاوه بر این، افلاطون ادراک شهودی را هم معتبر می دانست.

۳. آیا می توان میان دیدگاه پارمنیدس و افلاطون وجه تشابهی پیدا کرد؟

در این سؤال از وجه تشابه میان پارمنیدس و افلاطون سؤال کرده است.

- این دو فیلسوف، هر دو، به عالم معقول که عالم ثبات است، اهمیت می دادند و آن را جهان حقیقی تلقی می کردند. می توان از جدول زیر برای نوشتن وجوه افتراق و اشتراک استفاده کرد:

وجوه اشتراک	وجوه اختلاف
توجه و اهمیت دادن به عالم معقول یا عالم ثبات و جهان حقیقی دانستن آن.	پارمنیدس ادراک حسی را معتبر نمی داند، اما افلاطون منکر ادراک حسی نیست و آن را پایین ترین نوع معرفت تلقی می کند. پارمنیدس معتقد به حرکت و تغییر نیست. اما افلاطون معتقد است که عالم محسوس عالم تغییر و حرکت است و به همین جهت پایین ترین مرتبه عالم است.
معتبر دانستن ادراک حسی و عقلی	افلاطون ادراک حسی را بسیار پایین تر از ادراک عقلی می دانست. افلاطون ادراک شهودی را هم معتبر می دانست.

□ تامل ص ۶۲ :

شیخ اشراق بر این عقیده است که فیلسوف، بدون معرفت شهودی، به جایی نمی‌رسد و اگر کسی تصور کند که تنها به وسیله مطالعه کتب و بدون سیر و سلوک عرفانی می‌تواند، فیلسوف شود، اشتباه بزرگی کرده است. همان‌گونه که عارفی که فاقد نیروی تفکر و تحلیل عقلی است، یک عارف ناقص است، فیلسوف و جست و جوگر حقیقت، اگر اسرار الهی را به صورت مستقیم و بی واسطه تجربه نکند، فیلسوفی ناقص و کم‌قدر خواهد بود.

در این متن تأمل کنید و بگویید حاوی چه پیامی در حوزه معرفت‌شناسی است؟

- از نظر شیخ اشراق، طی مدارج عالی در فلسفه با طی مدارج در عرفان ارتباط دارد.
- شیخ اشراق معتقد است که بدون استدلال و بدون نیروی تفکر و تحلیل عقلی، عرفان هم ناقص است و عارفی که فاقد قدرت تحلیل است، یک عارف ناقص است.

□ تشخیص ص ۶۷-۶۶ :

گزاره‌های زیر را بخوانید و ابتدا مشخص کنید کدام گزاره‌ها معنای مشترک دارند. سپس تعیین کنید کدام گزاره دیدگاه نسبی‌گرایی در معرفت را بیان می‌کند.

۱- به طور کلی شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد و لزوماً برای فردی دیگر معتبر نیست.

در این گزاره قید «به طور کلی» و «نسبت به خودش» حکایتگر دیدگاه کلی نسبی‌گرایی است.

۲- در برخی موارد شناخت انسان‌ها نسبی است و شناخت هر کس برای خودش معتبر است، اما در برخی موارد، انسان‌ها می‌توانند به شناخت یکسان دست پیدا کنند.

این گزاره با واقع‌گرایی تضاد ندارد. اما با نسبی‌گرایی ناسازگار است. زیرا اگر نسبی‌گرا بپذیرد که انسان‌ها در برخی موارد می‌توانند نظر یکسان داشته باشند، دیگر اختلافی با واقع‌گرا نخواهد داشت. آنچه نسبی‌گرا را از واقع‌گرا جدا می‌کند، بیان مطلق او درباره نسبی‌گرایی است.

۳- به طور کلی این امکان برای انسان‌ها وجود دارد که به شناخت‌های یکسانی برسند، گرچه ممکن است در برخی موارد شناخت یکسانی نداشته باشند.

این گزاره با گزاره دوم یکسان است، گرچه در بیان متفاوت است.

۴- شناخت انسان‌ها در بسیاری از موارد نسبی است، اما این سخن به معنای نسبی بودن همه معرفت‌ها نیست.

این گزاره نیز با گزاره سوم و دوم سازگاری دارد.

۵- انسان‌ها امکان این را ندارند که بتوانند درباره یک چیز به معرفتی یکسان دست پیدا کنند؛ دیدگاه انسان‌ها درباره پدیده‌ها، حتماً متفاوت است.

این گزاره با گزاره اول کاملاً سازگار است و لذا با گزاره دوم و سوم و چهارم اختلاف دارد. این گزاره هم بیان دیگری از نسبی‌گرایی است.

□ به کار ببندیم ص ۶۸ :

- ۱- ویژگی بارز اندیشه هر یک از دانشمندان زیر را درباره معرفت بنویسید و سپس نظر خود را درباره هر یک بیان کنید.
- در این سؤال، دانش آموزان دیدگاه فلاسفه مطرح شده را درباره معرفت می نویسند و نقد خود را ارائه می کنند. در واقع، این فعالیت، چکیده و خلاصه درس است که با نقد و بررسی دانش آموزان باید توأم شود.
- پارمنیدس در بی اعتباری ادراک حسی سخن گفت و در نتیجه وجود حرکت را انکار کرد.
 - سوفسطائیان به طور کلی منکر واقع نمایی هر ادراکی شدند و گفتند که ما به ازای ادراکات ما، چیزی نیست.
 - افلاطون برای ادراک حسی و عقلی و شهودی، هر سه ارزش قائل بود؛ البته ادراک حسی را پایین ترین و کم ارزش ترین نوع ادراک می دانست.
 - شیخ اشراق همه مراتب معرفت را قبول داشت. اما توجه ویژه ای به معرفت شهودی کرد. او معرفت عقلی بدون شهود و هم معرفت شهودی بدون عقلانیت را رد می کرد.
 - ملاصدرا همه مراتب معرفت را پذیرفت و تلاش کرد سازگاری آنها با یکدیگر را نشان دهد.
 - علامه طباطبایی نیز مانند ملاصدرا همه مراتب و اقسام معرفت را پذیرفت.
 - بیکن برای معرفت حسی و تجربی اهمیت فوق العاده ای قائل بود اما معرفت عقلی را کم فایده می پنداشت.
 - دکارت معرفت عقلی را برتر از معرفت حسی و تجربی می دانست.
 - کانت تلاش کرد اعتبار معرفت عقلی و حسی را بازگرداند که منجر به پیدایش مکتب های جدید در معرفت شناسی شد.
- ۲- به نظر شما چه عواملی باعث شده است واقع نمایی دانش تجربی با اشکال مواجه شود. به طور گروهی با دوستان خود بحث و نتیجه را در کلاس ارائه کنید.
- سؤال دوم یک سؤال واگراست و پاسخ های مختلفی می توان به آن داد.
- یکی از مهم ترین عوامل، تغییرات و تحولاتی بود که در علوم تجربی رخ داد و در برخی موارد نظریات گذشتگان به کلی باطل شد. مثلاً درباره نظام کیهانی، گذشتگان زمین را مرکز عالم می دانستند و معتقد بودند که خورشید به گرد زمین می چرخد، اما این نظر به کلی غلط از آب درآمد.
- ۳- هر کدام از دیدگاه های زیر به کدام فیلسوف مربوط است؟
- امری که قابل بررسی تجربی نباشد بی معناست. دیدگاه پوزیتیویست ها است.
 - معرفت تجربی حاصل همکاری حس و عقل است. دیدگاه فلاسفه اسلامی مانند فارابی و ابن سینا و دیدگاه ارسطو فیلسوف یونانی
 - درک حقیقت از راه عقل و شهود معنوی، هر دو، امکان پذیر است. دیدگاه سهروردی
 - میان داده های استدلالی و قطعی عقلی با معارف وحیانی تضادی نیست و هر دو مؤید یکدیگرند. دیدگاه بیشتر فلاسفه اسلامی است که البته ملاصدرا و علامه طباطبایی بر آن تأکید کرده اند.
 - معرفت حسی، عقلی، شهودی و وحیانی، هر کدام در جای خود مفید است.
- دیدگاه عموم فلاسفه اسلامی است که البته ملاصدرا به تبیین کامل آن پرداخت

سوالات تشریحی

۱- چهار دوره تاریخ فلسفه را نام ببرید.

دوره یونان باستان - فیلسوفان اروپایی دوره قرون وسطی - دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران. - دوره جدید اروپا

۲- دوره یونان باستان شامل چه فیلسوفانی می شود؟

فیلسوفان پیش از سقراط و بعد از وی از جمله افلاطون و ارسطو و شاگردان این دو

۳- دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران با ظهور چه فیلسوفانی همراه بود؟

فیلسوفانی مانند فارابی، ابن سینا، ابن رشد، شیخ اشراق و ملاصدرا

۴- دوره جدید اروپا با چه ظهور چه فیلسوفانی آغاز می شود؟ فیلسوفانی مانند فرانسیس بیکن، دکارت، کانت و هگل

۵- اولین دوره معرفت شناسی به کدام دوره باز می گردد و چه مسائلی نظر فیلسوفان این دوره را به خود جلب کرده بود؟

اولین دوره معرفت شناسی به دوره یونان بازمی گردد. دوره یونان، معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح نبود، اما

ارزش شناخت و میزان انطباق شناخت انسان با «واقعیت» از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود.

۶- دیدگاه هراکلیتوس از فیلسوفان پیش از سقراط در یونان باستان، در مورد شناخت را بنویسید.

هراکلیتوس علاوه بر حس به عقل هم اهمیت می داد. به اعتقاد وی، شناخت حسی اعتبار دارد و ما وجود حرکت در این جهان را از

طریق حس در می یابیم و درک می کنیم.

۷- دیدگاه هراکلیتوس در مورد شناخت حسی و حرکت را بنویسید.

به نظر هراکلیتوس، شناخت حسی اعتبار دارد و ما وجود حرکت در این جهان را از طریق حس در می یابیم و درک می کنیم.

۸- دیدگاه پارمنیدس از فیلسوفان پیش از سقراط در یونان باستان، در مورد شناخت حسی را بنویسید.

پارمنیدس از کسانی بود که شناخت حسی را، به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می دهد، معتبر نمی دانست.

۹- نظر پارمنیدس در مورد وجود حرکت را بنویسید.

حرکت وجود ندارد و همه اشیا در ثبات و پایداری هستند.

۱۰- عقیده هراکلیتوس و پارمنیدس درباره شناخت حسی و حرکت چه بود؟

۱۱- چرا نظر هراکلیتوس و پارمنیدس درباره شناخت حسی و حرکت نقطه مقابل یکدیگر است؟

زیرا به نظر هراکلیتوس، شناخت حسی اعتبار دارد و ما وجود حرکت در این جهان را از طریق حس در می یابیم و درک می کنیم.

اما پارمنیدس از جمله کسانی بود که شناخت حسی را، به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می دهد، معتبر نمی دانست و

معتقد بود که حرکت وجود ندارد و همه اشیا در ثبات و پایداری هستند.

۱۲- چه کسانی اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال بردند و چرا؟

سوفسطائیان به سبب اختلاف نظرها و مغالطه هایی که خودشان بدان متوسل می شدند، اصل امکان شناخت واقعیت را زیر

سؤال برده و مدعی بودند که نه از راه حس و نه از راه عقل، می توان به حقیقت رسید و اگر چیزی را حس می کنیم بدان معنا

نیست که حس ما از یک واقعیت بیرونی خبر دهد. به عبارت دیگر، ما چیزی جز احساس در اختیار نداریم.

۱۳- دیدگاه پروتاگوراس در مورد حقیقت را بنویسید.

پروتاگوراس که طرز تلقی سوفسطائیان را داشت، می گفت: حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی

می دهد، خواه حواس افراد یکسان گزارش دهد یا متفاوت. حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می تواند متفاوت

باشد. اشیا، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، در آن نوبت همان طور هستند و هر طور که به نظر تو می آیند، برای

تو نیز همان طور هستند.

۱۴- ارسطو چگونه توانست مانع دچار شدن انسان ها به سفسطه شود؟

ارسطو با تدوین منطق گامی مهم در این زمینه برداشت و توانست قواعد استدلال و شیوه های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش دهد و مانع رشد سفسطه در جامعه شود.

۱۵- به عقیده افلاطون کدام شناخت مطمئن تر است و چرا؟

افلاطون که به عقل اهمیت می داد، عقیده داشت که شناخت عقلی بسیار مطمئن تر از شناخت حسی است زیرا اموری را که عقل درک می کند، ارزش برتری دارد. عقل می تواند جهانی برتر از جهان طبیعت را بشناسد و برای آن استدلال ارائه نماید. وی نام این جهان برتر را عالم مُثُل نامید. عالم طبیعت سایه عالم مُثُل است.

۱۶- عقیده ارسطو در مورد ادراک حسی و عقلی را بنویسید.

ارسطو گرچه ادراک حسی را معتبر می دانست، اما استدلال کردن را یک کار عقلی معتبر می شمرد. به نظر او عقل می تواند به اموری ماورای حس پی ببرد و آنها را اثبات نماید.

۱۷- در دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران، کدام ابزار شناخت، معتبر تلقی می شد و چه تفاوت هایی میان فیلسوفان این دوره وجود داشت؟

در این دوره فیلسوفان بزرگی ظهور کردند که همگی سه ابزار حس و عقل و قلب را معتبر می دانستند، با این تفاوت که برخی از آنها بیشتر درباره حس و عقل سخن گفته اند، برخی به شهود قلبی توجه ویژه کرده اند و برخی نیز میان حس و عقل و قلب و شهود وحیانی پیوند برقرار ساخته و از هر سه بهره برده اند.

۱۸- دیدگاه فارابی و ابن سینا درباره اعتبار حس و عقل و شناخت وحیانی و شهودی را بیان کنید.

فارابی و ابن سینا مانند افلاطون و ارسطو، هم حس و هم عقل را معتبر می دانستند. آنان علاوه بر اینکه برای شناخت وحیانی اعتبار خاص قائل بودند و آن را یکی از راه های شناخت می دانستند که اختصاص به پیامبران دارد، نیم نگاهی هم به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی کردند.

۱۹- دیدگاه سهروردی درباره معرفت شهودی را بنویسید.

سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.

۲۰- ملاصدرا چگونه توانست میان فلسفه و معرفت وحیانی یا میان عقل و وحی پیوند مستحکمی برقرار نماید؟

ملاصدرا با بهره مندی از همه ابزارهای معرفت، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد. وی توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره مند است. او همچنین پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد و اثبات کرد که تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد و بالعکس عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند.

۲۱- دیدگاه ملاصدرا درباره ارتباط عقل و دین را توضیح دهید.

ملاصدرا در کتاب «مبدأ و معاد» می گوید: عقل و دین در همه احکام خود با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت آنور با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد و افسوس به حال فلسفه ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد.

۲۲- نظر علامه طباطبایی در مورد نقش ملاصدرا در برقراری پیوند مستحکم میان عقل و وحی را بنویسید.

علامه طباطبایی فیلسوف بزرگ معاصر می گوید: «صدرالمآلهین پایه بحث های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف (شهود) و شرع (وحی و سنت) گذاشت و در راه کشف حقایق الهیات از مقدمات برهانی و مطالب کشفی (شهودی) و

مواد قطعی دینی (آنچه از قرآن و حدیث به دست می آید) استفاده نمود . اگرچه ریشه این نظر در کلمات معلم ثانی (ابو نصر فارابی)، ابن سینا، شیخ اشراق و خواجه نصیر طوسی نیز به چشم می خورد، ولی این صدرالمتألهین است که توفیق کامل انجام این مقصد را پیدا کرد .

۲۳- عموم فیلسوفان جهان اسلام، برای کدام ابزار شناخت اعتبار قائل بودند ؟

عموم فیلسوفان جهان اسلام، هم برای معرفت حسی و هم برای معرفت عقلی اعتبار قائل اند . فلاسفه اسلامی همچنین معرفت شهودی و وحیانی را قبول دارند و هر کدام را در جای خود مفید می دانند .

۲۴- مقصود از دوره جدید اروپا در تاریخ فلسفه چیست؟ و چه ویژگی هایی دارد ؟

مقصود از دوره جدید، دوره ای است که از قرن شانزدهم آغاز می گردد و تاکنون ادامه دارد. در این دوره جدید، اروپا به تدریج از حاکمیت کلیسا خارج می شود، علوم تجربی گسترش می یابد و در حوزه های مختلف اجتماعی، از جمله سیاست، فرهنگ و فلسفه تحولات زیادی رخ می دهد .

۲۵- در دوره جدید فلسفه در اروپا که از قرن شانزدهم با پیشگامی فرانسیس بیکن و دکارت آغاز می شود، بحث و جدال فلسفی، بیشتر بر سر چه موضوعاتی بود ؟ در این دوره نزاع فلسفی بر سر این بود که در کسب معرفت، آیا حس و تجربه ارزش و اعتبار بیشتری دارد و بهتر ما را به حقایق می رساند یا استدلال عقلی؟

۲۶- در دوره جدید فلسفه در اروپا ، حاصل نزاع فلسفی بیکن و دکارت پیدایش دو مکتب تجربه گرایان و عقل گرایان بود . دیدگاه این دو مکتب را بنویسید .

گروهی که برای تجربه اهمیت بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می دانستند ، به « تجربه گرایان » و گروهی که به عقل و استدلال عقلی اهمیت می دادند، به «عقل گرایان » مشهور شدند .

۲۷- نخستین کسی که در دوره جدید فلسفه در اروپا ، بر اهمیت حس و تجربه اصرار ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود چه کس بود و چه دیدگاهی داشت ؟ بیکن از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود. به نظر بیکن فیلسوفان گذشته با دنباله روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و در نتیجه علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور بماند و پیشرفت نکند .

۲۸- تأکید جان لاک بر روش تجربه گرایی از چه جهتی مهم تلقی می شد ؟ این تأکید از آن جهت اهمیت داشت که در دوره قرون وسطی کمتر به تجربه توجه می شد و علوم تجربی از عقب ماندگی فوق العاده ای رنج می برد .

۲۹- چرا نظر دکارت و بیکن در موضوع معرفت شناسی، نقطه مقابل یکدیگر است؟

زیرا دکارت به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد و برعکس بیکن، معتقد بود انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که از تجربه به دست نیامده اند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا. به اعتقاد وی، انسان در فهم این قبیل امور نیازی به حس و تجربه ندارد .

۳۰- آیا اعتقاد دکارت به معرفت های ذاتی انسان که حاصل تجربه نیست به معنای مخالفت او با علوم تجربی است ؟

خیر، دکارت مخالف با تجربه و علم تجربی نبود و خود او نقش مؤثری در پیشرفت علم در اروپا داشت، بخصوص که او یک ریاضی دان بزرگ هم شمرده می شد. آنچه دکارت را از تجربه گرایان جدا کرد، قبول گزاره ها و قواعد عقلانی بود که از طریق تجربه قابل دستیابی نبودند و فقط متکی بر استدلال عقلی بودند .

۳۱- وجه متمایز کننده عقیده دکارت با تجربه گرایان چیست؟

آنچه دکارت را از تجربه گرایان جدا کرد، قبول گزاره ها و قواعد عقلانی بود که از طریق تجربه قابل دستیابی نبودند و فقط متکی بر استدلال عقلی بودند .

۳۲- کانت برای آشتی دادن دو دیدگاه تجربه گرایی بیکن و دیدگاه عقل گرایی دکارتی چه اقدامی انجام داد و چه نظریه ای را مطرح کرد؟

کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشید هم اعتبار عقل و هم تجربه را اثبات کند. کانت در صدد بود تا نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است. کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان تصوراتی مثل زمان و مکان و مفاهیمی مانند علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی آورد. به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او می رسد، در قالب این مفاهیم درک می کند.

۳۳- آیا تلاش های عقل گرایان در برابر تجربه گرایان اروپایی تلاشی موفقیت آمیز بود؟

خیر- تلاش های عقل گرایان در برابر تجربه گرایان تلاش موفق نبود و تجربه گرایی به صورت یک دیدگاه غالب فلسفی در اروپا درآمد.

۳۴- دیدگاه ها «پوزیتیویسم» یا «اثبات گرایی» درباره مباحث معرفت شناسی را توضیح دهید.

پوزیتیویست ها علاوه بر اینکه تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه می دانستند، معتقد بودند که اصولاً آن دسته از مفاهیم و گزاره ها که تجربه پذیر نیستند و از طریق تجربه نمی توانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، بی معنا هستند. بنابراین دیدگاه، مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و روح که تجربه درباره نفی یا اثبات آنها نمی تواند نظر دهد، معنای روشنی ندارند. لذا اصولاً قابل بررسی علمی نیستند.

۳۵- پیامدها و نتایج رشد اندیشه نسبی گرایی در معرفت شناسی غرب را بنویسید.

رشد اندیشه نسبی گرایی به حاشیه رفتن استدلال عقلی و جریان عقل گرایی و توجه خاص به مسئله تجربه، سبب رشد دانش هایی شد که بر تجربه و آزمایش های تجربی استوار بودند؛ علمی مانند فیزیک، شیمی، زیست شناسی و پزشکی.

۳۶- چرا توجه ویژه به تجربه و بی مهری به تفکر عقلی، در معرفت شناسی غربی، اشکالات نظری متعددی را پدید آورده است؟ زیرا اولاً روش تجربی نمی توانست پاسخگوی سؤال های مهم انسان باشد. مثلاً تجربه نمی توانست درباره نیاز جهان به مبدأ و خدا و وجود عوالمی غیر از عالم طبیعت و اساس خوب و بد های اخلاقی اظهار نظر کند؛ زیرا ابزار لازم برای چنین مسائلی را در اختیار نداشت. ثانیاً ناتوانی تجربه در دستیابی به همه خصوصیات اشیا و احتمالی بودن بسیاری از نتایج تجربی و تفاوت میان تجربه انسان ها، می توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد. در هر حال چنین مشکلاتی سبب شد که واقع نمایی دانش تجربی، بار دیگر با اشکال رو به رو شود و جریان های نسبی گرا در داخل تجربه گرایی ظهور کنند.

۳۷- نظریه نسبی گرایی در معرفت شناسی را توضیح دهید.

نسبی گرایی بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی های خود درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است. بنابراین شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد؛ مثلاً بر اساس این دیدگاه، به طور مطلق نمی توان گفت «فلز بر اثر حرارت انبساط پیدا می کند» بلکه فرد حداکثر می تواند بگوید «من در این وضعیت، فکر می کنم فلز بر اثر حرارت منبسط می شود»

۳۸- نسبی گرایی در معرفت شناسی، به تدریج به چه حوزه هایی راه یافت؟

نسبی گرایی در معرفت شناسی، به تدریج به حوزه هایی مانند انسان شناسی، اخلاق، حقوق و دین نیز وارد شد و به نسبی گرایی در هویت انسان، اخلاق، دین و حقوق انجامید.

۳۹- دیدگاه معرفت شناسی پراگماتیسم یا مکتب اصالت عمل (مصلحت علمی) در خصوص واقعیت اشیاء ملاک درستی یک عمل را بیان کنید .

پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت اشیاء را شناخت. به عقیده پراگماتیست ها ما نباید هدف خود را کشف واقعیت قرار دهیم، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند . مثلاً کسی که باور دارد آب در حال جوش بسیار داغ است و دست را می سوزاند، به آب جوش دست نمی زند و دچار سوختگی نمی شود. پس این دانش در عمل برای ما مفید است و همین فایده، به معنی درست بودن است.

۴۰- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- | | |
|---|-----------------|
| الف) منکر وجود حرکت | ۱- معرفت وحیانی |
| ب) تنها برای شناخت عقلی ارزش قائل بود. | ۲- پارمیندس |
| ج) شناخت حسی را معتبر می دانست. | ۳- برگسون |
| د) اختصاص به پیامبران دارد. | ۴- هراکلیتوس |
| و) سهروردی براین معرفت تاکید بسیاری داشت. | ۵- اثبات گرایی |
| ه) پوزیتیویسم | ۶- اصالت عمل |
| ی) پراگماتیسم | ۷- معرفت شهودی |

الف) پارمیندس ب) پارمیندس ج) هراکلیتوس د) معرفت وحیانی و) معرفت شهودی ه) اثبات گرایی ی) اصالت عمل

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- انسان از سه طریق می تواند به معرفت برسد. آنها را نام ببرید. عقل - حس - شهود
- ۲- درباره سه طریق رسیدن به معرفت، چه بحث و گفت و گویی همواره میان فیلسوفان بوده است؟
درباره ارزش این سه راه و میزان توانایی آنها در رساندن انسان به معرفت
- ۳- اولین کسانی که درباره شناخت انسان و ارزش و اعتبار آن نظر داده اند، چه کسانی بوده اند؟
دانشمندان و متفکرین پیش از سقراط
- ۴- فیلسوفان پیش از سقراط به ترتیب، به کدام شناخت اهمیت می دادند و توجه کمتری به کدام شناخت داشتند؟
شناخت حسی - شناخت عقلی
- ۵- کدام یک از فیلسوفان یونانی پیش از سقراط، به ترتیب علاوه بر حس به عقل هم اهمیت می داد و کدام یک شناخت حسی را معتبر نمی دانست؟ هراکلیتوس - پارمیندس
- ۶- کدام یک از فیلسوفان یونانی پیش از سقراط، معتقد بود که ما وجود حرکت در این جهان را از طریق حس در می یابیم و درک می کنیم و کدام یک وجود حرکت را انکار می کرد؟ هراکلیتوس - پارمیندس
- ۷- به عقیده افلاطون، کدام شناخت مطمئن تر است؟ شناخت عقلی
- ۸- به عقیده افلاطون، جهان برتر از جهان طبیعت که عقل می تواند آن را بشناسد و برای آن استدلال ارائه نماید چه نام دارد؟
عالم مُثُل
- ۹- به نظر افلاطون، عالم طبیعت سایه ای از کدام عالم است؟ عالم مثل
- ۱۰- افلاطون علاوه بر شناخت عقلی و حسی، کدام طریق شناخت را باور داشت؟ شهود قلبی

۱۱- به عقیده افلاطون، آن عالم برتری که سقراط مشاهده کرده بود چه نام داشت؟ عالم مثل

۱۲- کدام فیلسوف مسلمان، به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می دهد اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال های فلسفی

سخنی نمی گوید؟ ابن سینا

۱۳- دو جریان فکری که در دوره جدید در اروپا شکل گرفت را نام ببرید. توجه به تجربه و توجه به عقل

۱۴- فیلسوفی که پس از بیکن روش او را دنبال کرد و بر تجربه گرایی تاکید داشت، چه کسی بود؟ جان لاک

۱۵- یکی از مهمترین جریان های تجربه گرایی که در دوره جدید در اروپا بروز کرد کدام دیدگاه بود؟ پوزیتیویسم

۱۶- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را برای اولین بار استفاده کرده، کدام فیلسوف بود؟ اوگوست کنت

۱۷- نام دو تن از فیلسوفان معاصر غرب که به شهود عرفانی و تجربه دینی معتقدند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دهند، را

بنویسید. ویلیام جیمز و برگسون

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

۱- اولین دوره معرفت شناسی به دوره بازمی گردد. یونان

۲- در دوره یونان که معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح نبود، و میزان انطباق شناخت انسان با از مسائلی بود که

نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود. ارزش شناخت - واقعیت

۳- پارمنیدس، شناخت معتبر نمی دانست و تنها برای شناخت ارزش قائل بود. حسی - عقلی

۴- پارمنیدس معتقد بود که وجود ندارد؛ زیرا از طریق برای ما معلوم شده و احتمال خطا در آن وجود دارد. حرکت - حس

۵- به عقیده هراکلیتوس شناخت معتبر است و به همین دلیل وجود را در عالم قبول داشتند. حسی - حرکت

۶- سوفسطائیان، با زیرسؤال بردن اصل امکان شناخت مدعی شدند که از راه حس و عقل، نمی توان به رسید.

واقعیت - حقیقت

۷- پروتاگوراس که طرز تلقی ... را داشت، می گفت حقیقت چیزی است که هرکس به آن گواهی می دهد. سوفسطائیان - حواس

۸- به نظر افلاطون، عالم طبیعت،، عالم مثل است و اگر انسان به آن جهان برتر راه یابد، می تواند آن را نظاره کند.

سایه - حقایق

۹- از نظر افلاطون، ابزار توانایی درک جهان طبیعت را به انسان می دهد و درک جهان برتر تنها با و شهود امکان پذیر

است. حس - عقل

۱۰- سهروردی بر.... تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق به صورت الهامات به دست آورده بود، تبیین

استدلالی کند و نظام فلسفی خود را بر پایه آنها بنا نماید. معرفت شهودی - شهودی

۱۱- ملاصدرا، با بهره مندی از همه ابزارهای معرفت، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت در

کنار معرفت بهره ببرد. شهودی - عقلی

۱۲- ملاصدرا توانست پیوند مستحکمی میان و برقرار و اثبات کند عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند. فلسفه - معرفت وحیانی

۱۳- عموم فیلسوفان جهان اسلام، هم برای معرفت و هم برای معرفت اعتبار قائل اند. حسی - عقلی

۱۴- در دوره جدید، فلسفه در اروپا از قرن ۱۶ با پیشگامی و آغاز شد. فرانسیس بیکن - دکارت

۱۵- در قرن ۱۶ میلادی به توجه ویژه ای شد و از این دوره به بعد، این مسئله در کانون مباحثات قرار گرفت.

معرفت شناسی - فلسفی

- ۱۶- در قرن ۱۶ میلادی، نزاع فلسفی بر سر این بود که در کسب معرفت، آیا ... ارزش و اعتبار بیشتری دارد و بهتر ما را به حقایق می‌رساند یا ...؟ حس (تجربه) - استدلال عقلی
- ۱۷- ... از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می‌ورزید و به اصالت ... معتقد بود. بیکن - تجربه
- ۱۸- گروهی که برای تجربه اهمیت بیشتری قائل اند و آن را اساس کسب معرفت می‌دانستند، به ... مشهور شدند. تجربه‌گرایان
- ۱۹- گروهی که به عقل و استدلال اهمیت می‌دادند، به و آن را اساس کسب معرفت می‌دانستند، به ... مشهور شدند. عقل‌گرایان
- ۲۰- به نظر بیکن، فیلسوفان گذشته با دنباله روی از ...، بیشتر براستدلال عقلی تکیه کرده بودند و در نتیجه علوم ... در خرافات و تعصب‌های بیجا محصور شده و پیشرفت نکرده بود. ارسطو - تجربی
- ۲۱- دکارت به تفکر ... اهمیت بسیار می‌داد و برعکس بیکن، معتقد بود انسان به طور ... معرفت‌هایی دارد که آنها را با عقل درک می‌کند. عقلی - ذاتی
- ۲۲- به اعتقاد دکارت انسان در فهم ... و ... نیازی به حس و تجربه ندارد. نفس مجرد - وجود خدا
- ۲۳- کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشید، نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری ... و ... است. حس - عقل
- ۲۴- به نظر کانت، قوه ... انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان و ... را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی‌آورد. ادراکی - علیت
- ۲۵- تلاش کانت برای آشتی دادن و به پیدایش دیدگاه‌های جدیدی در معرفت‌شناسی غرب از جمله پوزیتیویسم منجر شد. عقل‌گرایان - تجربه‌گرایان
- ۲۶- از نظر پوزیتیویست‌ها، اموری که از طریق ... قابل بررسی نیستند، اصولاً اموری ... هستند که بشر به عللی به آنها معتقد شده است. تجربه - بی‌معنا
- ۲۷- به اعتقاد پوزیتیویست‌ها، تنها اموری ارزش تحقیق و پژوهش دارند که قابل ارزیابی ... و ... باشند. حسی - تجربی
- ۲۸- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را برای اولین بار استفاده کرده، ... است. اوگوست کنت
- ۲۹- رشد اندیشه ...، به حاشیه رفتن جریان ... و توجه خاص به مسئله تجربه، سبب رشد دانش‌هایی مانند فیزیک، شیمی، پزشکی شد که بر تجربه و آزمایش‌های تجربی استوار بودند. نسبی‌گرایی، عقل‌گرایی
- ۳۰- بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی‌های خود درباره امور به شناختی می‌رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است. پس شناخت هرکس برای خود و نسبت به خود ... دارد. نسبی‌گرایان - اعتبار
- ۳۱- پراگماتیسم همان مکتب اصالت ... است و پراگماتیست‌ها معتقدند که از طریق ... نمی‌توان واقعیت را شناخت. عمل (مصلحت‌عملی) - تجربه
- ۳۲- پراگماتیست‌ها می‌گویند هدف ما کشف ... نیست، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در ... به کار ما بیایند. واقعیت - عمل
- ۳۳- و از جمله کسانی هستند که به شهود عرفانی و تجربه دینی معتقدند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می‌دهند. ویلیام جیمز - برگسون
- تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می‌باشد.
- ۱- اولین دوره معرفت‌شناسی به دوره یونان بازمی‌گردد. درست
- ۲- در دوره جدید فلسفه در اروپا معرفت‌شناسی به صورت مستقل مطرح نبود. نادرست
- ۳- «ارزش شناخت» و میزان انطباق شناخت انسان با «واقعیت» مورد توجه دانشمندان پیش از سقراط قرار گرفته بود. درست
- ۴- هراکلیتوس شناخت حسی را، به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می‌دهد، معتبر نمی‌دانست. نادرست

- ۵- هراکلیتوس تنها برای شناخت عقلی ارزش قائل بود. نادرست
- ۶- به نظر پارمنیدس حرکت وجود ندارد؛ زیرا از طریق حس برای ما معلوم شده و احتمال خطا در حس وجود دارد. درست
- ۷- پارمنیدس شناخت حسی معتبر است و حرکت را در عالم قبول داشتند. چون حرکت قابل مشاهده حسی است. نادرست
- ۸- سوفسطائیان با زیرسؤال بردن اصل امکان شناخت واقعیت، مدعی شدند که از راه حس و عقل، نمی توان به حقیقت رسید. درست
- ۹- به نظر، پروتاگوراس حقیقت چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهد. درست
- ۱۰- به عقیده پروتاگوراس حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می تواند متفاوت باشد. درست
- ۱۱- ارسطو با تدوین منطق گامی مهم در مبارزه با سوفسطائیان برداشت. درست
- ۱۲- ارسطو با تدوین منطق، شیوه های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش داد و مانع دچار شدن انسان ها به سفسطه شود. درست
- ۱۳- به نظر افلاطون، عالم طبیعت، سایه عالم مثل است و اگر انسان به جهان برتر راه یابد می تواند حقایق آن را نظاره کند. درست
- ۱۴- از نظر افلاطون، ابزار حسی فقط توانایی درک جهان طبیعت را به انسان می دهد و درک جهان برتر تنها با عقل و شهود امکان پذیر است. درست
- ۱۵- به نظر افلاطون، گرچه حس اعتبار دارد، اما از درجه اهمیت کمتری برخوردار است، زیرا صرفاً جهان سایه ها را به ما نشان می دهد نه آن جهان برتر را. درست
- ۱۶- فارابی و ابن سینا فیلسوفان بزرگ اسلام و جهان، مانند افلاطون و ارسطو، فقط عقل را معتبر می دانستند. نادرست
- ۱۷- فارابی و ابن سینا برای شناخت وحیانی اعتبار خاص قائل بودند و آن را هم یکی از راه های شناخت می دانستند که اختصاص به پیامبران دارد. درست
- ۱۸- فارابی و ابن سینا اعتنایی به شناخت شهودی نداشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی کردند. نادرست
- ۱۹- سهروردی، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورد، تبیین استدلالی کرد و نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید. درست
- ۲۰- ملاصدرا با بهره مندی از همه ابزارهای معرفت، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد. درست
- ۲۱- ملاصدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره مند است. درست
- ۲۲- ملاصدرا، اثبات نمود که تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد و عقل و وحی مویذ یکدیگرند. درست
- ۲۳- همه فیلسوفان جهان اسلام، هم برای معرفت حسی و هم برای معرفت عقلی و هم معرفت شهودی و وحیانی اعتبار قائل اند و هر کدام را در جای خود مفید می دانند. نادرست
- ۲۴- در دوره معاصر، عموم فیلسوفان مسلمان نظر علامه طباطبایی را قبول دارند. درست
- ۲۵- عموم فیلسوفان مسلمان معاصر معتقدند که عقل و حس و شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند. درست
- ۲۶- دوره جدید فلسفه در اروپا از قرن شانزدهم با پیشگامی فرانسیس بیکن و کانت آغاز شد. نادرست
- ۲۷- دکارت از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود. نادرست
- ۲۸- به نظر بیکن فیلسوفان گذشته با دنباله روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و در نتیجه علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور شده و پیشرفت نکرده بود. درست
- ۲۹- به نظر کانت، انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که با عقل درک می کند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا. نادرست

- ۳۰- کانت کوشید با طرح دیدگاهی جدید نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است. درست
- ۳۱- به نظر کانت قوه ادراکی انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان و علیت را نزد خود دارد و می تواند آنها را از راه حس و تجربه به دست آورد. نادرست
- ۳۲- تلاش کانت برای آشتی دادن عقل گرایان و تجربه گرایان به پیدایش دیدگاه های جدیدی در معرفت شناسی غرب از جمله پراگماتیسم منجر شد. نادرست
- ۳۳- از نظر پراگماتیست ها، اموری که از طریق تجربه قابل بررسی نیستند، بی معنا هستند و بشر به علی به آنها معتقد شده است. نادرست
- ۳۴- به اعتقاد پوزیتیویست ها، تنها اموری ارزش تحقیق دارند که قابل ارزیابی حسی و تجربی باشند. درست
- ۳۵- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را برای اولین بار استفاده کرد، اوگوست کنت است. درست
- ۳۶- به نظر نسبی گرایان شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد. درست
- ۳۷- نسبی گرایی در معرفت شناسی، به تدریج به حوزه هایی مانند انسان شناسی، اخلاق، حقوق و دین نیز وارد شد. درست
- ۳۸- پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه می توان واقعیت را شناخت. نادرست
- ۳۹- به عقیده پراگماتیست ها، هدف کشف واقعیت نیست، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند. درست
- ۴۰- جریان تجربه گرایی، که امروزه قالب های جدیدی یافته، همچنان بر عقل گرایی غلبه دارد. درست
- ۴۱- برخی از فیلسوفان معاصر، درحالی که تجربه گرایی را قبول دارند، به شهود معنوی و تجربه دینی نیز معتقد هستند. درست
- ۴۲- ویلیام جیمز و برگسون به شهود عرفانی و تجربه دینی معتقد بودند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دادند. درست

سوالات تستی

- ۱- اولین دوره معرفت شناسی مربوط به کدام دوره است؟
- ۱) رنسانس (۲) یونان باستان (۳) ایران باستان (۴) قرون وسطی
گزینه ۲
- ۲- در اولین دوره معرفت شناسی در یونان، معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح و شناخت و میزان انطباق شناخت انسان با از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود.
- ۱) بود - ارزش - حقیقت (۲) نبود - ارزش - واقعیت (۳) نبود - امکان - حقیقت (۴) بود - امکان - حقیقت
گزینه ۲
- ۳- کدام مطلب، به ترتیب تفاوت دیدگاه پارمیندس و هراکلیتوس در مورد شناخت را به روشنی بیان می کند؟
- ۱) شناخت حسی معتبر است - شناخت عقلی معتبر نیست (۲) شناخت حسی معتبر نیست - فقط شناخت عقلی معتبر است
۳) شناخت حسی معتبر نیست - شناخت حسی معتبر است (۴) شناخت حسی معتبر است - شناخت عقلی معتبر است.
گزینه ۳
- ۴- کدام مطلب، تفاوت دیدگاه پارمیندس و هراکلیتوس در مورد حرکت را به روشنی بیان می کند؟
- ۱) پارمیندس منکر حرکت است زیرا حرکت از طریق حس برای ما معلوم می شود و احتمال خطا در حس وجود دارد.
۲) هراکلیتوس منکر حرکت است زیرا حرکت از طریق حس برای ما معلوم می شود و احتمال خطا در حس وجود دارد.
۳) پارمیندس وجود حرکت را در عالم قبول داشت چون حرکت قابل مشاهده حسی است و شناخت حسی معتبر است
۴) هراکلیتوس وجود حرکت را در عالم قبول داشت چون حرکت قابل امری عقلی است و شناخت عقلی معتبر است.
گزینه ۱
- ۵- کدام گزینه بیانگر اساس فلسفه پارمیندس است؟
- ۱) شناخت حسی معتبر است - انکار حرکت (۲) شناخت حسی معتبر است - پذیرش حرکت
۳) شناخت حسی معتبر نیست - انکار حرکت (۴) شناخت حسی معتبر نیست - پذیرش حرکت
گزینه ۳

۶- کدام یک از موارد زیر در باره پارمنیدس صحیح است؟

- (۱) او اعتقاد داشت احتمال خطا در حس وجود ندارد . (۲) پارمنیدس از فیلسوفان پس از سقراط می باشد .
(۳) وی معتقد بود حرکت وجود دارد . (۴) وی شناخت حسی را به خاطر خطاهایی که دارد معتبر نمی دانست
۷- مهمترین عامل زیر سوال بردن اصل امکان شناخت واقعیت توسط سوفسطائیان چه بود ؟

(۱) عدم توفیق فلاسفه نخستین یونان در حل مسئله ماده اولیه جهان (۲) یافتن اطلاعات گسترده درباره تمدن های دیگر

- (۳) به سبب مغالطه هایی که برای آنها رخ داده بود (۴) بی اعتمادی نسبت به حواس
۸- پروتاگوراس جزء کدام دسته به شمار می رود ؟

(۱) افلاطونیان (۲) سوفسطاییان (۳) پیروان ارسطو (۴) نو افلاطونیان
۹- جمله « حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهد » مربوط به کدام فیلسوف است؟ (کارگاه آموزش مجازی)

- (۱) هراکلیتوس (۲) افلاطون (۳) پارمنیدس (۴) پروتاگوراس
۱۰- کدام یک ، با نظرات پروتاگوراس سازگار نیست ؟

(۱) حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهد.

(۲) هر چیزی، برای کسی که به آن معتقد است، حقیقت به شمار می رود.

(۳) حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می تواند متفاوت باشد .

(۴) اشیا، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، برای تو نیز همان طور هستند .
۴ گزینه

۱۱- مفاد کدام عبارت ، بیانگر نظر خاص پروتاگوراس است ؟

(۱) ادراک حسی انسان ها را به امر ثابتی می رساند. (۲) اشیا، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، برای تو نیز همان طور هستند.

(۳) انسان ها در مورد حقیقت باهم اختلاف نظر دارند (۴) هر چیزی که انسان درک کند، حقیقت است .
۴ گزینه

۱۲- برای گریز از خطا با تدوین کتاب گام مهمی برداشت. (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) افلاطون - جمهوری (۲) افلاطون - منطق (۳) ارسطو - مابعد الطبیعه (۴) ارسطو - منطق
۱۳- از نظر افلاطون ... فقط توانایی درک این جهان و ... درک جهان برتر را به انسان می دهد. (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) عقل و شهود - عقل و شهود (۲) حس - حس (۳) حس - عقل و شهود (۴) عقل و شهود - حس
۱۴- کدام عبارت مثل افلاطونی را به درستی توصیف می کند ؟

(۱) سایه هایی از حقیقت برین اند . (۲) وجود موجودات در عقل هستند.

(۳) بدل موجودات طبیعی هستند. (۴) اصل و حقیقت هر موجود طبیعی اند.
۴ گزینه

۱۵- محتوای کدام عبارت با تمثیل غار افلاطون سازگار نیست ؟

(۱) عالم طبیعت، سایه عالم مثل شمرده می شود و اگر انسان به آن جهان برتر مثل راه یابد، می تواند حقایق را نظاره کند.

(۲) ابزارحسی فقط توانایی درک این جهان را به انسان می دهد و درک جهان برتر تنها با عقل و شهود امکان پذیر است.

(۳) حس اعتبار دارد اما ازدرجه اهمیت کمتری برخوردار است، زیرا صرفاً جهان سایه ها را نشان می دهد نه جهان برتر را

(۴) ابزار حسی معتبر نیست زیرا صرفاً جهان سایه ها را به ما نشان می دهد نه آن جهان برتر را
۴ گزینه

۱۶- از دیدگاه فیلسوفان مسلمان ابزارهای شناخت چه چیزهایی است؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) شناخت حسی و عقلی و شهودی و وحی (۲) شناخت حسی و شهودی و عقل

(۳) شناخت حسی و عقلی و وحی (۴) شناخت تجربی و عقلی و وحی

گزینه ۲

۱۷- شناخت شهودی نزد فارابی چگونه بوده است؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) شناخت شهودی را مختص پیامبران می داند .

(۲) شناخت شهودی را قبول دارد اما از ارتباط آن با استدلال فلسفی حرفی نمی زند .

(۳) شناخت شهودی را اصلاً قبول ندارد .

(۴) شناخت شهودی را یکی از ابزارهای شناخت قبول دارد .

گزینه ۱

۱۸- اشتراک فارابی و ابن سینا با افلاطون و ارسطو چیست؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) اعتبار عقل و حس (۲) اعتبار عقل بیشتر از حس (۳) اعتبار عقل و بی اعتباری حس (۴) اعتبار حس و بی اعتباری عقل

۱۹- از دیدگاه فارابی و ابن سینا ، منابع معرفتی انسان کدامند ؟

گزینه ۱

(۱) حس- عقل - وحی (۲) وحی - حس - تجربه (۳) حس - عقل - شهود (۴) عقل - شهود - وحی

۲۰- تفاوت فارابی و ابن سینا با سهروردی در مورد معرفت شهودی کدام است ؟

(۱) فارابی و ابن سینا نیم نگاهی به شناخت شهودی داشتند و آن را در تبیین فلسفی خود وارد کردند.

(۲) سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به

دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و درنهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.

(۳) فارابی و ابن سینا بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کردند و کوشیدند، نظام فلسفی خود را بر پایه شهودها بنا نمایند.

گزینه ۲

(۴) سهروردی نیم نگاهی به شناخت شهودی داشت اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نکرد.

۲۱- سهروردی ابزار شناخت را بیشتر از چه طریقی می دانست؟ (کارگاه آموزش مجازی)

گزینه ۱

(۱) معرفت شهودی (۲) معرفت عقلی (۳) معرفت حسی (۴) معرفت وحی

۲۲- کدام متفکر در قرن یازدهم هجری ، فلسفه اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد؟

گزینه ۲

(۱) قطب الدین شیرازی (۲) ملاصدرای شیرازی (۳) خواجه نصیرالدین طوسی (۴) علامه طباطبایی

۲۳- ملاصدرا معتقد است عقل و وحی چه رابطه ای با هم دارند؟ (کارگاه آموزش مجازی)

گزینه ۱

(۱) تأیید کننده یکدیگر (۲) هر کدام نظر و دیدگاه خود را دارند. (۳) تضاد (۴) تناقض

۲۴- ملاصدرا برای کشف حقایق الهیات از و استفاده نمود. (کارگاه آموزش مجازی)

گزینه ۳

(۱) برهان - شهود - حس (۲) حس - عقل - شهود (۳) برهان - شهود - دین (۴) برهان - حس - دین

۲۵- ملاصدرا برای چه فلسفه ای افسوس می خورد؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) فلسفه ای که با تجربه در تضاد نباشد . (۲) فلسفه ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد.

گزینه ۲

(۳) فلسفه ای که دین را برتر از عقل نداند (۴) فلسفه ای که دین و عقل با هم تعارض داشته باشند .

۲۶- ریشه نظرات ملاصدرا را در کدام فیلسوفان می توان پیدا کرد؟ (کارگاه آموزش مجازی)

گزینه ۴

(۱) خواجه نصیر الدین طوسی، ابن سینا (۲) سهروردی، ابن سینا (۳) ابن سینا، فارابی (۴) همه موارد

۲۷- با توجه به نظر ملاصدرا کدام مطلب را نمی توان برداشت کرد ؟

- ۱) نمی توان پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد زیرا فلسفه مطابق با کتاب و سنت خداوندی نیست.
۲) تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد، بلکه عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند .
۳) عقل و دین در همه احکام با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد.
۴) می توان پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد .

گزینه ۱

۲۸- علامه طباطبایی درباره ملاصدرا معتقد است که وی پایه های بحث های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان و و گذاشت. (کارگاه آموزش مجازی)

- ۱) عقل - شهود - کشف (۲) حس - شرع - وحی (۳) عقل - شهود - شرع (۴) عقل - وحی - شهود
۲۹- در دوره معاصر ، عموم فیلسوفان مسلمان نگرش کدام فیلسوف را درباره مبحث زیر پذیرفتند ؟

« صدرالمتألهین پایه بحث های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف و شرع گذاشت و در راه کشف حقایق الهیات از مقدمات برهانی و مطالب کشفی و مواد قطعی دینی استفاده نمود،» پس عقل و حس و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند و در جای خود می توانند ابزاری برای کسب معرفت باشند.

- ۱) علامه طباطبایی (۲) محی الدین عربی (۳) حضرت امام خمینی (۴) شیخ طوسی
۳۰- نخستین کسانی که در دوره جدید فلسفه در اروپا در قرن شانزدهم ، مسائل معرفت شناسی را به طور منظم و جدی مورد

بحث قرار دادند و سبب شد مسئله معرفت شناسی در کانون مباحثات فلسفی قرار گرفت، چه کسانی بودند؟

- ۱) هیوم - کانت (۲) کانت - دکارت (۳) بیکن - دکارت (۴) کانت - بیکن
۳۱- پیشگام دوره جدید فلسفه در اروپا چه کسانی هستند؟ (کارگاه آموزش مجازی)

- ۱) دکارت و کانت (۲) کانت و آگوست کنت (۳) بیکن و دکارت (۴) بیکن و کانت
۳۲- گروهی که برای تجربه اهمیت بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می دانستند چه گروهی بودند؟

- (کارگاه آموزش مجازی)
۱) تجربه گرایان (۲) عقل گرایان (۳) پدیدارگرایان (۴) اثبات گرایان
گزینه ۱

۳۳- نخستین کسی که دوره جدید فلسفه در اروپا ، در بحث معرفت شناسی بر اهمیت حس و تجربه اصرار ورزید و به اصالت تجربه معتقد شد چه کسی بود ؟

- ۱) کانت (۲) دکارت (۳) بیکن (۴) هیوم
۳۴- فرانسیس بیکن از فلاسفه کدام مکتب فکری محسوب می شود؟

- ۱) پوزیتیویسم (۲) عقل گرایان (۳) اثبات گرایان (۴) تجربه گرایان
۳۵- مهمترین ویژگی فرانسیس بیکن چیست ؟

- ۱) تأکید بر عقل (۲) تأکید بر تجربه (۳) تأکید بر اشراق الهی (۴) تأکید بر شهود
۳۶- کدام گزینه با توجه به اندیشه های بیکن درست است ؟

۱) بدلیل دنباله روی فیلسوفان گذشته از ارسطو، و تکیه بر استدلال عقلی ، علوم تجربی در خرافات محصور شده و پیشرفت نکرده است.
۲) انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که آنها را با عقل درک می کند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا
۳) انسان در فهم امور عقلانی نیازی به حس و تجربه ندارد.

- ۴) معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است.
گزینه ۱

۳۷- بیکن دلیل محصور ماندن و پیشرفت نکردن علوم تجربی را چه می داند؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) پیروی کردن فیلسوفان قدیم از ارسطو و تجربه (۲) پیروی کردن فیلسوفان قدیم از ارسطو و استدلال عقلی

(۳) اهمیت دادن فیلسوفان قدیم به حس و عقل با هم (۴) اهمیت دادن فیلسوفان قدیم به حس و تجربه
گزینه ۲

۳۸- کدام گزینه با توجه به اندیشه های دکارت درست است ؟

(۱) دلیل دنباله روی فیلسوفان گذشته از ارسطو، و تکیه بر استدلال عقلی، علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور شده و پیشرفت نکرده است.

(۲) انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که آنها را با عقل درک می کند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا

(۳) انسان در فهم امور عقلانی نیز نیازمند حس و تجربه است.

(۴) معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است.
گزینه ۲

۳۹- اعتقاد به این که انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که آن را با عقل درک می کند مربوط به کدام فیلسوف است؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) کانت (۲) بیکن (۳) ارسطو (۴) دکارت
گزینه ۴

۴۰- دکارت در فهم کدام امور معتقد است نیازی به حس و تجربه نیست؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) اعتقاد به عوالم هستی (۲) اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا (۳) اثبات وجود جسمانی (۴) اعتقاد به احکام دینی
گزینه ۲

۴۱- دغدغه کانت آشتی دادن میان کدام دیدگاه ها بوده است؟ (کارگاه آموزش مجازی)
گزینه ۴

(۱) پراگماتیسم ها و تجربه گرایان (۲) شک گرایان و عقل گرایان (۳) اثبات گرایان و عقل گرایان (۴) عقل گرایان و تجربه گرایان

۴۲- این عقیده که انسان آن چه را که از طریق حس به او می رسد، در قالب مفاهیم زمان و... قرار می دهد و درک می کند از کیست؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) دکارت (۲) آگوست کنت (۳) کانت (۴) بیکن
گزینه ۳

۴۳- بر اساس اندیشه های کانت کدام گزینه درست نیست ؟

(۱) معرفت، حاصل همکاری عقل، حس و امور وجدانی و شهودی است.

(۲) قوه ادراکی انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان و علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی آورد.

(۳) انسان آنچه را که از طریق حس به او می رسد، در قالب مفاهیم ادراکی قرار می دهد و درک می کند.

(۴) انسان روشن شدن زمین را بعد از طلوع خورشید درمی یابد و این دریافت، ناشی از همکاری دستگاه ادراکی با حس است که یکی بعدیت زمانی را می فهمد و دیگری تصویرها را از خارج به دستگاه ادراکی می رساند.
گزینه ۱

۴۴- تلاش کانت برای آشتی دادن عقل گرایان و تجربه گرایان به پیدایش دیدگاه های جدیدی در معرفت شناسی غرب منجر شد

(۱) پوزیتیویسم (۲) پراگماتیسم (۳) نسبی گرایی (۴) اصالت عمل
گزینه ۳

۴۵- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را برای نخستین بار استفاده کرد... فیلسوف فرانسوی قرن هجدهم بود.

(۱) کانت (۲) آگوست کنت (۳) ویلیام جیمز (۴) برگسون
گزینه ۲

۴۶- آگوست کنت در کدام گروه فیلسوفان قرار می گیرد؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) پراگماتیست ها (۲) عقل گرایان (۳) نسبی گرایی (۴) پوزیتیویست ها

۴۷- از دیدگاه چه کسانی اموری که از طریق تجربه قابل بررسی نباشند؛ اموری بی معنا هستند؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) عقل گرایان (۲) سوفسطائیان (۳) تجربه گرایان (۴) اثبات گرایان
گزینه ۴

۴۸- بر اساس فلسفه اثبات گرایی یا پوزیتیویسم شناختی معتبر و اموری ارزش تحقیق و پژوهش دارند که

(۱) قابل ارزیابی شهودی نبوده اما با کمک عقل عملی و اخلاق وجدانی اثبات شده است .

(۲) قابل ارزیابی حسی و تجربی باشند و با استفاده از روش تجربی اثبات شوند .

(۳) با بررسی های محققانه فیلسوفان به اثبات رسیده باشد.

گزینه ۲

(۴) قابل ارزیابی عقلی و استدلالی اند درغیراین صورت ارزش معرفتی ندارند.

۴۹- کدام مطلب نادرست است ؟

(۱) پوزیتیویسم مورد نقد بسیاری از فلاسفه اروپایی قرار گرفت .

(۲) امروزه دیدگاه های دیگری در برابر پوزیتیویسم مطرح گردیده است.

(۳) در اکثر دیدگاه هایی که امروزه در برابر پوزیتیویسم مطرح شده، همچنان اصل و اساس تجربه گرایی و عدم توانایی عقل در

کسب معرفت مستقل از تجربه غلبه دارد و نظر غالب فلاسفه اروپایی را تشکیل می دهد.

گزینه ۴

(۴) امروزه نظر غالب فلاسفه اروپایی به حاشیه رفتن تجربه و توجه مجدد به استدلال عقلی است .

۵۰- آگوست کنت به چه چیز معتقد نبود؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) امور ماوراء حسی ارزش معرفتی ندارند.

(۲) عقل ابزار کسب معارف غیر حسی است.

(۳) تنها اموری که حس می شوند ارزش پژوهش و تحقیق را دارند

گزینه ۲

(۴) اموری که از طریق تجربه به دست می آیند، معرفت محسوب می شوند .

۵۱- کدام مورد سبب رشد دانش هایی مانند فیزیک، شیمی، زیست شناسی و پزشکی شد که بر تجربه و آزمایش های تجربی

استوار بودند؟

(۱) رشد اندیشه مطلق گرایی- به حاشیه رفتن استدلال عقلی و جریان عقل گرایی - توجه خاص به مسئله تجربه

(۲) رشد اندیشه نسبی گرایی- توجه خاص به استدلال عقلی و جریان عقل گرایی - به حاشیه رفتن تجربه

(۳) رشد اندیشه نسبی گرایی - به حاشیه رفتن استدلال عقلی و جریان عقل گرایی - توجه خاص به مسئله تجربه

گزینه ۳

(۴) رشد اندیشه مطلق گرایی- توجه خاص به استدلال عقلی و جریان عقل گرایی - به حاشیه رفتن تجربه

۵۲- کدام یک از مکاتب زیر از لحاظ فکری به سوفسطائیان نزدیک ترند؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) نسبی گرایان (۲) عقل گرایان (۳) پراگماتیسم (۴) تجربه گرایان

گزینه ۱

۵۳- باور نسبی گرایی بر چه مبنایی استوار است؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) نسبی بودن اعتبار شناخت (۲) معتبر بودن شناخت هر فرد برای همه اشخاص

گزینه ۴

(۳) نسبی بودن شناخت فرد و اعتبار شناختش (۴) نسبی بودن شناخت هر فرد متناسب با ویژگی های خود

۵۴- محتوای کدام عبارت با دیدگاه نسبی گرایان سازگار نیست ؟

(۱) هر فرد متناسب با ویژگی های خود درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است.

(۲) به طور مطلق نمی توان گفت « فلز بر اثر حرارت انبساط پیدا می کند » بلکه فرد حداکثر می تواند بگوید « من در این وضعیت،

فکر می کنم فلز بر اثر حرارت منبسط می شود »

(۳) هر چند که هر فرد متناسب با ویژگی های خود درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است اما این

شناخت برای همگان معتبر است.

گزینه ۳

(۴) شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد.

۵۵- اشکالاتی که به دلیل توجه ویژه به تجربه و بی مهری به تفکر عقلی وارد شد، در همه گزینه آمده است به جز

(۱) تجربه توانایی تبیین هر مسئله ای را ندارد زیرا توانایی آن محدود به حس و تجربه است.

(۲) مسائلی مانند خطاهای تجربه، تغییرات علوم تجربی و تفاوت های موجود در تجربه انسان های مختلف، می توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد

(۳) واقع نمایی دانش تجربی، باز با اشکال رو به رو شد و جریان های دیگر فلسفی برای تبیین جایگاه دانش تجربی پیدا شدند.

(۴) شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار خواهد داشت .
گزینه ۴

۵۶- توجه به حس و تجربه چه اشکالات نظری را پیش آورد؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) توانایی توضیح همه مسائل-تغییرات علوم تجربی (۲) قطعیت احکام تجربی-بیان خوبی و بدی اخلاقی

(۳) عدم توانایی تبیین همه مسائل- خطاهای تجربه (۴) عدم پاسخگویی تجربه به مسئله وجود عوامل دیگر، پایدار بودن آزمایش های تجربی

۵۷- پراگماتیسم به چه معناست؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) تجربه گرایی (۲) عقل گرایی (۳) اثبات گرایی (۴) عمل گرایی

۵۸- منظور از پراگماتیسم و پوزیتیویسم به ترتیب چیست؟

(۱) اصالت عمل - اثبات گرایی (۲) اصالت ذهن - اثبات گرایی

(۳) اثبات گرایی - اصالت عمل (۴) تجربه گرایی - اصالت ذهن
گزینه ۱

۵۹- اصل مکاتب پراگماتیسم و پوزیتیویسم به ترتیب بر اساس چیست؟

(۱) عمل - عقل (۲) حس - شهود (۳) عمل - تجربه (۴) تجربه - عمل

۶۰- کدام مطلب، تمایز و یا تشابه مکتب پوزیتیویسم و پراگماتیسم در مورد شناخت تجربی را بهتر بیان می کند؟

(۱) پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت را شناخت اما پوزیتیویسم ها معتقدند که از طریق تجربه می توان واقعیت را شناخت .

(۲) پوزیتیویسم ها معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت را شناخت اما پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه می توان واقعیت را شناخت .

(۳) پراگماتیست ها و پوزیتیویسم ها هر دو معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت را شناخت .

(۴) پوزیتیویسم ها و پراگماتیست ها هر دو معتقدند که از طریق تجربه می توان واقعیت را شناخت .
گزینه ۱

۶۱- در معرفت شناسی پراگماتیسم نه تنها هدف کشف واقعیت بلکه ما نیازمند مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند خود را نشان دهند و این فایده به معنی بودن است .

(۱) است - باورهای - سودمندی - درست (۲) نیست - تجربیات - آثار - درست

(۳) نیست - باورهای - سودمندی - درست (۴) است - تجربیات - آثار - درست
گزینه ۳

۶۲- معیار مکتب پراگماتیسم برای درستی یک گزاره چیست؟

(۱) مطابقت با واقع (۲) مفید بودن در زندگی (۳) سازگاری درونی با محیط (۴) سازگاری بیرونی با محیط
گزینه ۲

۶۳- کدام عبارت درست نیست ؟

۱) پراگماتیسم وقتی به حوزه هایی مانند اخلاق، حقوق، دین و حتی هنر وارد می شود، نتایج و تبعاتی دارد که امروزه در جوامع مختلف می توانیم آن تبعات مشاهده کنیم .

۲) در ادامه تحولات حوزه معرفت شناسی، از اواسط قرن بیستم، جریان های متعددی در اروپا و آمریکا پدید آمد که در واقع مکمل رخدادهای و تحولات قبلی به شمار می آید .

۳) به طور کلی جریان تجربه گرایی، که امروزه قالب های جدیدی یافته، همچنان بر عقل گرایی غلبه دارد .

۴) با وجود قالب های جدید امروزی، راه های دیگر معرفت مانند شهود عرفانی و وحی دیگر طرفدارانی ندارند .
گزینه ۴

۶۴- کدام فیلسوفان معاصر، در حالی که تجربه گرایی را قبول دارند، به شهود معنوی و تجربه دینی نیز معتقد هستند؟

۱) ویلیام جیمز - آگوست کنت (۲) ویلیام جیمز - برگسون (۳) برگسون - آگوست کنت (۴) بیکن - دکارت
گزینه ۲

۶۵- ویلیام جیمز و برگسون علاوه بر اینکه ... را قبول دارند به ... و ... اهمیت می دهند. (کارگاه آموزش مجازی)

۱) تجربه گرایی - شهود - تجربه دینی - بعد معنوی انسان (۲) عقل گرایی - بعد معنوی انسان - تجربه حسی - شهود

۳) تجربه گرایی - عقل - شهود - وحی (۴) عقل گرایی - تجربه حسی - شهود - وحی

۶۶- در حال حاضر رویکرد غالب در اروپا در دوران معاصر کدام است؟ (کارگاه آموزش مجازی)

۱) پراگماتیسم (۲) تجربه گرایی (۳) پوزیتیویسم (۴) عقل گرایی
گزینه ۲

کدام یک جزء نظرات پوزیتیویسم شمرده نمی شود ؟

۱) اموری که از طریق تجربه قابل ارزیابی نیستند، اصولاً اموری بی معنا هستند که بشر به عللی به آنها معتقد شده است.

۲) اموری ارزش تحقیق دارند که قابل ارزیابی حسی و تجربی اند و اگر از طریق تجربه اثبات شوند، معرفت به شمار می روند.

۳) اموری که از طریق تجربه اثبات می شوند، معرفت به حساب می آیند، در غیر این صورت ارزش معرفتی ندارند و باید کنار گذاشته شوند .

۴) تنها اموری ارزش تحقیق دارند که قابل ارزیابی عقلی و استدلالی اند در غیر این صورت ارزش معرفتی ندارند.
گزینه ۴

فصل سوم : انسان

درس ۹ : چیستی انسان (۱) شامل مبحث :

▪ حقیقت انسان چیست؟

درس ۱۰ : چیستی انسان (۲) شامل مباحث :

▪ دیدگاه فیلسوفان مسلمان درباره حقیقت انسان

▪ از جانب بالا

▪ حقیقت نورانی نفس

▪ تا بی نهایت

درس ۱۱ : انسان موجود اخلاق گرا شامل مباحث :

▪ فعل طبیعی و فعل اخلاقی

▪ برخی دیدگاه ها در معیار فعل اخلاقی

فصل سوم - درس نهم : چیستی انسان (۱)

سوالات تشریحی

- ۱- عقیده افلاطون درباره روح و بدن انسان را توضیح دهید.
افلاطون به صورت روشن بیان کرد که انسان، علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتری به نام نفس است که محدودیت های بدن را ندارد و قابل رؤیت نیست. به عقیده افلاطون، «نفس تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد، چیزی نامرئی، غیر فانی و جاوید است»
- ۲- به عقیده افلاطون حقیقت برتر انسان چیست و چه ویژگی هایی دارد؟ (ذکر سه ویژگی کافی است)
نفس - غیر قابل رؤیت (نامرئی)، مجرد، جاوید (غیرفانی)، جزء عقلانی، دارای عقل و خرد
- ۳- عقیده ارسطو درباره روح و بدن انسان را توضیح دهید.
ارسطو نظر استاد خود افلاطون را پذیرفت که قوهٔ نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است، نه بدن. به عقیده ارسطو، بدن بدون نفس، یک موجود مرده است.
به نظر ارسطو؛ نفس انسان به هنگام تولد چگونه است و چگونه کامل می شود؟
از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد، نه علم، نه احساس، نه محبت و نه نفرت و نه هیچ چیز دیگر. نفس، به تدریج این امور را کسب می کند و به «فعلیت» می رسد و کامل و کامل تر می شود.
- ۴- به عقیده ارسطو، تفکر و نطق مربوط به کدام بعد وجودی انسان است؟
مربوط به بُعد غیرمادی وجود انسان، یعنی «روح» است. به نظر ارسطو، روح است که می اندیشد، اراده می کند و از بدن در کارهای مختلف بهره می گیرد.
- ۵- در مورد انسان شناسی در دوره جدید اروپا، شاهد دو نوع جریان فلسفی بوده ایم؟ عقیده آن دو جریان را بنویسید.
جریانی که همانند افلاطون و ارسطو، معتقد به وجود «روح» یا «نفس» است. فلاسفه این جریان، برای انسان دو بُعد روحی و مادی قائل اند و حقیقت انسان را همان روح و نفس وی می دانند.
و جریانی که تمایل دارند اصولاً وجود «نفس» را انکار می کنند. فلاسفه این جریان، انسان را یا یک موجود مادی می دانند و یا نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی می کنند و از آثار و لوازم بدن به شمار می آورند.
- ۶- عقیده جریانی که در دوره جدید اروپا اصولاً وجود نفس را انکار می کردند، بنویسید.
فلاسفه این جریان، انسان را یا یک موجود مادی می دانند و یا نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی می کنند و از آثار و لوازم بدن به شمار می آورند.
- ۷- نظریه دکارت در مورد نفس و بدن را بنویسید.
دکارت، که دربارهٔ بدن و دربارهٔ نفس تحقیق کرده، بدن را ماشینی پیچیده می داند که به طور خودکار فعالیت می کند. به نظر وی «من» همان «روح» یا «نفس» است که مرکز اندیشه های ماست. استدلال می کند، می پذیرد یا رد می کند.
- ۸- منظور از «من» در فلسفه دکارت، چیست؟ توضیح دهید.

به عقیده دکارت بدن، حقیقت « من » انسان را تشکیل نمی دهد. از نظر دکارت، « من » همان « روح » یا « نفس » است که مرکز اندیشه های ماست. از نظر دکارت، روح است که استدلال می کند، می پذیرد یا رد می کند.

۹- دوگانگی ذهن و بدن در فلسفه دکارت را شرح دهید.

از نظر دکارت، روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا بوده و خاصیت های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگرند و روح از بدن استفاده می کند. به نظری، روح از قوانین فیزیکی آزاد است اما بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می کند و آزاد نیست.

۱۰- کانت چگونه توانست به اثبات حقانیت نفس انسان پردازد؟

کانت، با استدلال دیگری که با استدلال دکارت متفاوت بود، به اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار آن پرداخت و از این راه نفس مختار و اراده آزاد انسان را اثبات کرد. به عقیده وی، انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است و یک چنین ویژگی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد. پس، اختیار ویژگی نفس است، نه بدن که یک امر مادی است.

۱۱- دیدگاه ماتریالیست ها در مورد انسان را بنویسید.

ماتریالیست ها فیلسوفانی هستند که معتقدند همه موجودات، از جمله انسان، از نوعی ماده ساخته شده است. به عقیده آنها، همه موجودات، از جمله انسان، فقط یک بُعد و یک ساخت دارند که همان بُعد مادی و جسمانی است. و ذهن و روان هم چیزی جز مغز و سلسله اعصاب انسان نیست. طبق این دیدگاه، انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن.

۱۲- دیدگاه هابز و مارکس درباره انسان را با هم مقایسه کنید.

هابز، ذهن بشر را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند مارکس، انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده اند.

۱۳- دیدگاه هابز درباره ذهن بشر را بنویسید.

هابز، ذهن بشر را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند

۱۴- مارکس، انسان را چگونه موجودی می دانست؟

مارکس، انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده اند.

۱۵- دیدگاه داروینیست ها در مورد انسان را بنویسید.

داروینیست ها، عقایدی نزدیک به ماتریالیست ها دارند، و از نظریه داروین درباره پیدایش حیات، تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان، نتایج فلسفی گرفتند. داروینیست ها، می گویند « انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت » با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است و همان طور که یک کرم با یک پرنده تفاوت ندارد و هر دو حیوان شمرده می شوند، انسان نیز با آنها تفاوت حقیقی جز پیچیدگی ندارد.

۱۶- به عقیده ماتریالیست ها و داروینیست ها، دلیل توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی ناشی از چیست؟

به این دلیل نیست که فضیلت گرایی در روح و فطرت او وجود دارد، بلکه به این دلیل است که انسان ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده و زیست اجتماعی آنها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند.

۱۷- از نظر داروینیست ها و ماتریالیست ها، چرا نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد و دلیل گرایش انسان به فضائل اخلاقی چیست؟
از نظر آنان چون تفاوت واقعی ای میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد. و اگر انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی توجه کرده، به این دلیل نیست که فضیلت گرایی در روح و فطرت او وجود دارد، بلکه به این دلیل است که انسان ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده اند و این زیست اجتماعی آنها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند.

۱۸- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- | | |
|--|-----------------|
| الف) نظر دقیق و روشن درباره انسان، در دوره یونان باستان، اولین بار از جانب وی ابراز شد . | ۱- ارسطو |
| ب) به عقیده وی قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است، نه بدن. | ۲- نفس |
| ج) مرکز اندیشه ها به عقیده دکارت | ۳- زیست اجتماعی |
| د) به نظر دکارت ماشینی پیچیده است که بطور خودکار فعالیت می کند. | ۴- روح |
| و) به نظر دکارت، از قوانین فیزیکی آزاد است . | ۵- بدن |
| ه) به نظر کانت ، اختیار ویژگی آن است، . | ۶- افلاطون |
| ی) منشاء و دلیل فضیلت گرایی به عقیده ماتریالیست ها و داروینیست ها | ۷- من |

الف: ۶ ب: ۱ ج: ۷ د: ۵ و: ۴ ه: ۲ ی: ۳

(توضیح: در صورتی که به جای روح؛ نفس یا به جای من، نفس و روح قرار داده شود قابل قبول است)

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- کدام فیلسوف دوره یونان باستان برای اولین بار نظر دقیق و روشن درباره انسان ارائه نمود؟ افلاطون
- ۲- مجموعه آثار افلاطون منعکس کننده اندیشه های کدام فیلسوف یونانی است؟ سقراط
- ۳- این سخن از کیست؟ تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و نفس چیزی نامرئی است افلاطون
- ۴- این سخن از کیست؟ نفس جزء عقلانی انسان است که او را از حیوانات متمایز می کند و غیر فانی و جاوید است « افلاطون
- ۵- مقصود اصلی ارسطو از « ناطق » بودن انسان چیست؟ مقصود قوه تفکر و تعقل است.
- ۶- نام دو تن از فیلسوفان دوره جدید اروپا که اعتقاد دارند انسان علاوه بر بدن، یک حقیقت روحانی برتر دارد که اختیار و اراده مربوط به آن است را بنویسید. دکارت و کانت
- ۷- دو فیلسوف ماتریالیست دوره جدید اروپا را نام ببرید. هابز و مارکس
- ۸- عقاید داروینیست ها در مورد انسان نزدیک به کدام جریان فکری فلسفی بود؟ ماتریالیست ها
- ۹- به عقیده داروینیست ها، تفاوت حقیقی میان انسان و حیوانات در چیست؟ انسان با حیوانات تفاوت حقیقی جز پیچیدگی ندارد.
- ۱۰- عبارت « انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت» دیدگاه کدام جریان فکری فلسفی دوره جدید اروپا به شمار می رود؟ داروینیست ها
- ۱۱- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، چرا نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد؟ چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد.

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- نظر دقیق و روشن درباره انسان، در دوره یونان باستان، اولین بار از جانب ارسطو ابراز شد . نادرست
- ۲- دیدگاه افلاطون در مجموعه آثار وی، به میزان زیادی، منعکس کننده اندیشه های سقراط است. درست
- ۳- مطابق دیدگاه هابز، انسان، علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتر است که محدودیت های بدن را ندارد. نادرست
- ۴- به عقیده افلاطون، حقیقت برتر انسان نفس است که قابل رؤیت نیست. درست
- ۵- از نظر ارسطو، نفس با ارزش ترین دارایی انسان است . نادرست
- ۶- به نظر افلاطون، توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین سان نفس زیبا و به فضایل آراسته شود. درست
- ۷- به عقیده هابز، تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و این نفس چیزی نامرئی است . نادرست
- ۸- به عقیده مارکس، نفس جزء عقلانی انسان است که او را از حیوانات متمایز می کند و غیر فانی و جاوید است « نادرست
- ۹- به عقیده ارسطو قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است، نه بدن. درست
- ۱۰- ارسطو با نظریه استادش در مورد نفس به مخالفت پرداخت . نادرست
- ۱۱- به عقیده ارسطو، بدن بدون نفس، یک موجود مرده است. درست
- ۱۲- از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد. درست
- ۱۳- به عقیده ارسطو، نفس، به تدریج این امور را کسب می کند و به « فعلیت » می رسد و کامل و کامل تر می شود. درست
- ۱۴- مقصود ارسطو از « ناطق » بودن انسان صرفاً سخن گفتن او نیست، بلکه مقصود اصلی، قوه تفکر و تعقل است. درست
- ۱۵- به نظر ارسطو، انسان پس از تنظیم استدلال با سخن گفتن و نطق محتوای استدلال را به دیگران منتقل می نماید. درست
- ۱۶- در دوره جدید اروپا، بر اثر غلبه تجربه گرایی بر عقل گرایی در بحث انسان شناسی یک تلقی از انسان پدید آمد. نادرست
- ۱۷- در مباحثات انسان شناسی دوره جدید اروپا، هر دو جریان تجربه گرایی و عقل گرایی بر فرهنگ و زندگی اروپاییان معاصر تأثیر گذارتری یکسان داشته است. نادرست
- ۱۸- جریان تجربه گرایی، همانند افلاطون و ارسطو، معتقد به وجود « روح » یا « نفس » است. نادرست
- ۱۹- فلاسفه جریان تجربه گرا، برای انسان دو بُعد روحی و مادی قائل اند و حقیقت انسان را روح و نفس می دانند. نادرست
- ۲۰- جریان تجربه گرا، به این سو تمایل دارند که اصولاً وجود « نفس » را انکار می کنند. درست
- ۲۱- فلاسفه جریان تجربه گرا، انسان را یا یک موجود مادی می دانند و یا نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی می کنند و از آثار و لوازم بدن به شماری آورند. درست
- ۲۲- کانت بدن را ماشینی پیچیده می داند که به طور خودکار فعالیت می کند. نادرست
- ۲۳- به عقیده کانت، بدن، حقیقت « من » انسان را تشکیل نمی دهد. نادرست
- ۲۴- از نظر کانت، « من » همان « روح » یا « نفس » است که مرکز اندیشه های ماست. نادرست
- ۲۵- از نظر دکارت، روح است که استدلال می کند، می پذیرد یا رد می کند. درست
- ۲۶- از نظر دکارت، روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می کند. درست

- ۲۷- به نظر دکارت، هم روح و هم بدن از قوانین فیزیکی آزاد است و هیچکدام از قوانین فیزیکی تبعیت نمی کنند . نادرست
- ۲۸- کانت، با استدلالی مشابه استدلال دکارت به اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار آن پرداخت . نادرست
- ۲۹- دکارت برخلاف کانت از طریق نفس مختار و اراده آزاد انسان به اثبات حقیقت نفسانی پرداخت. نادرست
- ۳۰- به عقیده هابز، انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است . نادرست
- ۳۱- به عقیده هیوم، وجدان اخلاقی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد. نادرست
- ۳۲- به نظر هابز ، اختیار ویژگی نفس است، نه بدن که یک امر مادی است . نادرست
- ۳۳- دکارت و کانت، در این مورد که انسان علاوه بر بدن، یک حقیقت روحانی برتر دارد که اختیار و اراده مربوط به آن است هم عقیده نیستند. نادرست
- ۳۴- ماتریالیست ها معتقدند که همه موجودات، از جمله انسان، از نوعی ماده ساخته شده است. درست
- ۳۵- به عقیده ماتریالیست ، همه موجودات فقط یک بُعد و یک ساخت دارند که همان بُعد مادی و جسمانی است. درست
- ۳۶- ماتریالیست می گویند ذهن و روان چیزی فراتر از مغز و سلسله اعصاب انسان است. نادرست
- ۳۷- از نظر ماتریالیست ها انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن. درست
- ۳۸- هابز و مارکس در زمره فلاسفه عقل گرا دوره جدید اروپا به شمار می آیند. نادرست
- ۳۹- هابز و مارکس در زمره فلاسفه ماتریالیست دوره جدید اروپا به شمار می آیند . درست
- ۴۰- هابز، ذهن بشر را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند . درست
- ۴۱- مارکس، انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند . درست
- ۴۲- به عقیده مارکس نیازهای انسان مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده اند. درست
- ۴۳- داروینیست ها، عقایدی نزدیک به ماتریالیست ها دارند. درست
- ۴۴- فیلسوفانی که از نظریه داروین درباره پیدایش حیات، تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان، نتایج فلسفی گرفتند، ماتریالیست نامیده می شوند. نادرست
- ۴۵- به عقیده ماتریالیست انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت . نادرست
- ۴۶- به عقیده داروینیست ها انسان از تفاوت حقیقی با حیوانات جز پیچیدگی ندارد. درست
- ۴۷- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، لذا نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد. درست
- ۴۸- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها ، توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی به این دلیل است که فضیلت گرایی در روح و فطرت او وجود دارد. نادرست
- ۴۹- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی به این دلیل است که انسان ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده اند .
- ۵۰- به نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، زیست اجتماعی است که انسان ها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است. درست

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- نظر دقیق و روشن دربارهٔ انسان، در دوره یونان باستان، اولین بار از جانب ... ابراز شد . افلاطون
- ۲- افلاطون به صورت روشن بیان کرد که انسان علاوه بر بدن، دارای ... برتر است که ... های بدن را ندارد. حقیقتی - محدودیت
- ۳- به عقیده افلاطون، حقیقت برتر انسان ، ... است که قابل ... نیست. نفس - رؤیت
- ۴- به عقیده افلاطون، تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، ... است و این نفس چیزی ... است. نفس - نامرئی
- ۵- به عقیده افلاطون، جزء عقلانی انسان ... اوست که ... است . نفس - جاوید (غیرفانی)
- ۶- از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، حالت ... دارد و هیچ چیز ... ندارد. بالقوه - بالفعلی
- ۷- دکارت، ، بدن را پیچیده می داند که به طور ... فعالیت می کند. ماشینی - خودکار
- ۸- به عقیده دکارت بدن، حقیقت « من » انسان را تشکیل نمی دهد.
- ۹- از نظر دکارت، « من » همان یا است که مرکز اندیشه های ماست. روح - نفس
- ۱۰- به نظر دکارت، از قوانین فیزیکی آزاد است اما مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می کند . روح - بدن
- ۱۱- به عقیده ، انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از اخلاقی است . کانت - وجدان
- ۱۲- و اعتقاد دارند که انسان علاوه بر بدن، یک حقیقت روحانی برتر دارد که اختیار و اراده مربوط به آن است. دکارت - کانت
- ۱۳- ماتریالیست ها فیلسوفانی هستند که معتقدند همه موجودات، از جمله انسان، از نوعی ساخته شده است. ماده
- ۱۴- به عقیده ماتریالیست، همه موجودات، از جمله انسان فقط یک بُعد و یک ساخت دارند که همان بُعد و است. مادی - جسمانی
- ۱۵- ماتریالیست می گویند و چیزی جز مغز و سلسلهٔ اعصاب انسان نیست. ذهن - روان
- ۱۶- از نظر ماتریالیست ها انسان یک ماشین بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن. مادی
- ۱۷-، ذهن بشر را یک ماشین پیچیدهٔ تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند هابز - مادی
- ۱۸- ، انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند . مارکس
- ۱۹- داروینیست ها، عقایدی نزدیک به دارند و از نظریهٔ داروین دربارهٔ پیدایش حیات، نتایج گرفتند. ماتریالیست ها - فلسفی
- ۲۰- از نظر و ، تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد. ماتریالیست ها - داروینیست ها
- ۲۱- از نظر و داروینیست ها توجه انسان به اخلاق به این دلیل نیست که فضیلت گرایی در روح و او وجود دارد. ماتریالیست ها - فطرت
- ۲۲- از نظر ماتریالیست ها و توجه انسان به اخلاق به این دلیل است که انسان ها، وارد اجتماعی شده اند. داروینیست ها - زندگی (زیست)
- ۲۳- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها اجتماعی است که انسان ها را وادار به ابداع اصول و رعایت آنها کرده است . زیست - اخلاقی

سوالات تستی

- ۱- نظر دقیق و روشن دربارهٔ انسان، در دوره یونان باستان، اولین بار از جانب ابراز شد و ذهن بشر را یک ماشین پیچیدهٔ مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند.
- ۱) افلاطون - مارکس ۲) ارسطو - هابز ۳) ارسطو - مارکس ۴) افلاطون - هابز گزینه ۴
- ۲- نظراسطو در مورد نفس نظر افلاطون است و کانت، با استدلال دیگری که با استدلال دکارت بود، به اثبات حقیقت نفسانی انسان واراده و اختیار آن پرداخت .
- ۱) موافق - مشابه ۲) مخالف - متفاوت ۳) مخالف - متفاوت ۴) موافق - متفاوت گزینه ۴
- ۳- کدام گزینه در مورد نفس نزد جریان تجربه گرا درست نیست ؟
- ۱) اصولاً وجود « نفس » را انکار می کنند. ۲) نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی می کنند .
- ۳) اصولاً نفس را مرکز اندیشه های بشر می دانند. ۴) نفس را از آثار و لوازم بدن به شماری آورند. گزینه ۳
- ۴- مفهوم « من » نزد دکارت بیانگر است که مرکز ما است .
- ۱) ذهن - اندیشه های ۲) نفس - اراده های ۳) ذهن - اراده های ۴) نفس - اندیشه های گزینه ۱
- ۵- کدام مطلب بر دوگانگی ذهن و بدن نزد دکارت دقیق تر اشاره می کند ؟
- ۱) ذهن تنها مجموعه ای از سلول های مغزی است که افکار را جمع و جور می کنند و به یکدیگر مرتبط می سازند.
- ۲) ذهن و بدن دو چیز متفاوت اند و کاملاً از یکدیگر مجزاً هستند .
- ۳) هم ذهن و هم بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی پیروی می کند و آزاد نیستند.
- ۴) ذهن و بدن دو چیز متفاوت اند اما کاملاً از یکدیگر مجزاً نیستند . گزینه ۲
- ۶- کدام گزینه در مورد فلسفه ماتریالیسم درست نیست ؟
- ۱) من همان ذهن است که مجموعه ای از سلول های مغزی است که فعالیت اثبات، قضاوت و جمع کردن افکار را به عهده دارد.
- ۲) انسان نهایتاً مانند یک ماشین بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن
- ۳) میان انسان و رایانه تفاوت حقیقی ای وجود ندارد؛ تفاوت این دو فقط در میزان پیچیدگی شان است.
- ۴) براساس اعتقاد به ماده انسان را نوعی ماشین می داند. گزینه ۱
- ۷- عبارت « انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت » نظر کدام مکتب فلسفی است ؟
- ۱) مکتب اگزیستانسیالیست ۲) مکتب ماتریالیسم ۳) مکتب داروینیست ۴) مکتب دکارتی گزینه ۳
- ۸- از دیدگاه داروینیست چه چیزی انسان را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است ؟
- ۱) فضیلت گرایی فطری ۲) ویژگی های متمایز روحی ۳) تمایلات فطری ۴) زیست اجتماعی گزینه ۴
- ۹- محتوای کدام عبارت با نظریه داروینیست در مورد انسان سازگار است ؟
- ۱) چون تفاوت واقعی ای میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد.
- ۲) اگر انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی توجه کرده، به این دلیل است که فضیلت گرایی در نهاد و فطرت او وجود دارد.
- ۳) هرچند فضیلت گرایی در نهاد انسان نیست اما وی ناچار، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده نشده است.
- ۴) این نظریه که زیست اجتماعی انسان را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است، درست نیست. گزینه ۱

فصل سوم - درس دهم : چستی انسان (۲)

سوالات تشریحی

- ۱- فیلسوفان مسلمان از چه طریقی توانستند در توضیح و تبیین حقیقت انسان قدم های بلندی بردارند؟
فیلسوفان مسلمان با استفاده از آنچه از افلاطون و ارسطو و پیروان آن دو به دستشان رسیده بود و نیز با الهام از آموزه های دینی خود، در توضیح و تبیین حقیقت انسان قدم های بلندی برداشتند .
- ۲- دیدگاه فیلسوفان مسلمان از جمله فارابی و ابن سینا درباره انسان چه بود ؟
نمی توان انسان را به یک موجود صرفاً زمینی و مادی تقلیل داد و در همان حال برای وی ویژگی هایی متعالی و ارزشمند مانند آزادگی، کرامت انسانی، نوع دوستی و فضایی از این قبیل قائل شد.
- ۳- به عقیده ابن سینا، خداوند چه زمانی روح انسانی را به وی عطا می کند ؟
ابن سینا معتقد است که وقتی بدن دوره جنینی را در رحم مادر گذراند و به مرحله ای رسید که صاحب همه اندام های بدنی شد، خداوند روح انسانی را به آن عطا می کند.
- ۴- به عقیده ابن سینا، روح انسانی چه ویژگی هایی دارد؟ و چگونه استعداد کسب علم را به دست می آورد؟
این روح، که جنبه غیرمادی دارد و از جنس موجودات مجرد است، استعداد کسب علم از طریق تفکر را دارد. این روح همچنین می تواند اموری از قبیل اخلاق، عشق، دوستی، نفرت، پرستش و معنویت را دریابد و آنها را در خود پدید آورد.
- ۵- سهروردی چگونه و از چه طریقی به حقایق دست یافت و کوشید آنها را به چه زبانی بیان نماید؟
سهروردی با بهره مندی از الهامات و اشرافات معنوی خود، بسیاری از حقایق را از طریق شهود درونی به دست می آورد و تلاش می کند آنها را به زبان فلسفه و استدلال بیان کند.
- ۶- دیدگاه سهروردی در مورد نفس انسان را بیان کنید.
سهروردی عقیده داشت که نفس انسان، همان جنبه نورانی وجود و جسم و بدن او، همان جنبه ظلمانی اوست.
سهروردی، نفس انسانی را حقیقتی مربوط به مشرق عالم می داند که از مشرق وجود دور افتاده و مشتاق بازگشت به آنجاست.
- ۷- مطابق دیدگاه سهروردی نفس انسان چه زمانی می تواند حقایق هستی را بهتر رؤیت کند ؟
به عقیده سهروردی ، اگر نفس انسان نورانیت بیشتری کسب کند، حقایق هستی را بهتر رؤیت می کند و می تواند با کسب شایستگی و لیاقت بیشتر، مسیر کمال را طی کند.
- ۸- مقصود سهروردی از مشرق و مغرب عالم را توضیح دهید.
سهروردی عقیده داشت خدا یا همان نورالانوار، مشرق عالم است و از خداست که انوار بعدی طلوع می کنند. آنجا که نور وجود به پایین ترین حد خود می رسد، مغرب عالم قرار گرفته است.
- ۹- با توجه دیدگاه حکمت متعالیه ، حقیقت انسان، را توضیح دهید .
از دیدگاه حکمت متعالیه ، حقیقت انسان، حقیقتی دو بُعدی است: روح و بدن . براساس این مکتب، روح چیزی ضمیمه شده به بدن نیست، بلکه نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است.

۱۰- با توجه دیدگاه حکمت متعالیه رابطه روح و بدن را بنویسید.

روح و بدن دو چیز مجزاً نیستند که کنار هم قرار گرفته باشند بلکه اینها وحدتی حقیقی دارند به گونه ای که (روح) باطن (بدن) است. به نظر ملاصدرا، هر اتفاقی در روح بیفتد، در بدن ظاهر می شود و هر اتفاقی در بدن رخ دهد، بر روح تأثیر می گذارد.

۱۱- با توجه دیدگاه حکمت متعالیه، ظرفیت و استعداد انسان چگونه است؟ را توضیح دهید.

از نظر حکمت متعالیه روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می توانند به آن برسند. ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می تواند به هر مرتبه کمالی در جهان دست یابد.

۱۲- از منظر مکتب فلسفی متعالیه، انسان چگونه می تواند ظرفیت و استعداد بی نهایت را به فعلیت برساند؟

انسان باید با اختیار و اراده خود این ظرفیت را به فعلیت برساند و با ایمان و عمل، مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب نماید

۱۳- چرا در ابتدای زندگی، معلوم نیست هر انسانی چه هویتی خواهد داشت؟

زیرا همه صفات انسان از قبیل شجاعت، ترسویی، بخل، بخشندگی، علم و جهل به صورت بالقوه در وجود انسان هست و بالفعل شدن هر کدام از آنها، به گزینش ها و شیوه زندگی انسان مربوط است.

۱۴- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- | | |
|---|---------------|
| الف) سهروردی به جای مفهوم « وجود » بیشتر از این مفهوم استفاده می کرد. | ۱- روح |
| ب) به نظر سهروردی، نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد. | ۲- نور |
| ج) به عقیده ابن سینا، استعداد کسب علم از طریق تفکر را داراست. | ۳- نورالانوار |
| د) جنبه نورانی وجود انسان نزد سهروردی | ۴- مشرق عالم |
| ه) نورالانوار | ۵- نفس |

الف) ۲ ب) ۳ ج) ۱ د) ۵ ه) ۴

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- کدام فیلسوف مسلمان همچون عارفان برای روح جایگاهی بسیار رفیع در نظام خلقت قائل شد؟ ابن سینا
- ۲- کدام فیلسوف مسلمان، برای توصیف بی قراری و کوشش روح برای رسیدن به جایگاه اصلی اش، شعری به زبان عربی سرود و وضعیت روح را با بیانی تمثیلی، در آن شرح داد؟ ابن سینا
- ۳- سهروردی به جای مفهوم « وجود » بیشتر از کدام مفهوم استفاده کرد؟ نور
- ۴- کدام فیلسوف یکی از فیلسوفان بزرگ جهان اسلام و یک عارف و سالک الهی الله محسوب می شود؟ سهروردی
- ۵- تعبیری که سهروردی از خداوند در فلسفه اشراقی خویش داشت چه بود؟ نورالانوار
- ۶- به نظر سهروردی خداوند یا نورالانوار چه ویژگی هایی دارد؟ نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد.
- ۷- مراتب نور در فلسفه سهروردی کدام است؟ هستی
- ۸- در فلسفه سهروردی مراتب وجود، نور هستی خود را از کجا دریافت می کنند؟ از نورالانوار
- ۹- مکتب فلسفی ملاصدرا چه نام دارد؟ حکمت متعالیه

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- به عقیده فیلسوفان مسلمان نمی توان انسان را به یک موجود صرفا و تقلیل داد . زمینی - مادی
- ۲- به عقیده ابن سینا روح جنبه دارد و از جنس موجودات است. غیرمادی - مجرد
- ۳- به عقیده ابن سینا روح ، استعداد کسب علم از طریق را دارد. تفکر
- ۴- ، بی قراری و کوشش روح برای رسیدن به جایگاه اصلی اش را در شعری عربی و با بیانی توصیف کرد. ابن سینا- تمثیلی
- ۵- سهروردی با بهره مندی از الهامات معنوی، بسیاری از حقایق را از طریق درونی به دست آورد و کوشید آنها را به زبان بیان کند. شهود - فلسفه (استدلال)
- ۶- سهروردی به جای مفهوم « وجود » بیشتر از مفهوم استفاده می کرد و براساس این نظریه ، ، مراتب نور است. نور - هستی
- ۷- به نظر سهروردی ، خداوند که نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد است . نورالانوار
- ۸- به نظر سهروردی ، مراتب ، نور هستی خود را از دریافت می کنند. وجود - نورالانوار
- ۹- به نظر سهروردی ، چون مراتب وجود نور کامل نیستند، ترکیبی از و هستند. نور - ظلمت
- ۱۰- به عقیده سهروردی ، انسان، جنبه نورانی وجود و او، جنبه ظلمانی اوست. نفس- بدن (جسم)
- ۱۱- به عقیده سهروردی نفس انسان، جنبه وجود و جسم و او، جنبه اوست. نورانی - ظلمانی
- ۱۲- به عقیده سهروردی ، اگر انسان نورانیت بیشتری کسب کند، هستی را بهتر رؤیت می کند . نفس- حقایق
- ۱۳- به عقیده سهروردی ، نورالانوار، عالم است و از اوست که بعدی طلوع می کنند. مشرق - انوار
- ۱۴- به عقیده سهروردی، آنجا که نور وجود به پایین ترین حدّ خود می رسد، عالم قرار می گیرد. مغرب
- ۱۵- به نظر سهروردی، حقیقت انسانی مربوط به مشرق عالم است اما از مشرق دور افتاده و مشتاق بازگشت است. نفس- وجود
- ۱۶- حکمت نام مکتب فلسفی ملاصدرا است که براساس آن ظرفیت انسان پایان ندارد. متعالیه - روح
- ۱۷- از منظر مکتب فلسفی متعالیه انسان باید با ... و اراده خود ظرفیت بی نهایت انسان را به برساند. اختیار- فعلیت
- ۱۸- از منظر مکتب فلسفی متعالیه ، انسان می تواند با ... و ... مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب و طی کند. ایمان - عمل
- ۱۹- از دیدگاه حکمت متعالیه ، حقیقت انسان، حقیقتی دو بُعدی است و متشکل است از و روح - بدن

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- فیلسوفان مسلمان صرفا با استفاده از اندیشه های افلاطون و ارسطو در تبیین حقیقت انسان قدم های بلندی برداشتند . نادرست
- ۲- به عقیده فیلسوفان مسلمان هم می توان انسان را به یک موجود صرفا زمینی و مادی تقلیل داد و هم برای وی ویژگی هایی متعالی قائل شد. نادرست
- ۳- فیلسوفان مسلمان تلاش کردند که حقیقت متعالی انسان را بشناسند و جایگاه برتر او در هستی را نشان دهند. درست
- ۴- ابن سینا کوشید نظر ارسطو درباره حقیقت انسان را عمیق تر بیان کند و ابعاد دیگر آن را روشن نماید. درست
- ۵- به نظر ابن سینا وقتی بدن ما به مرحله ای رسید که صاحب همه اندام های بدنی شد، خدا، روح انسانی را به آن عطا می کند. درست
- ۶- به عقیده ابن سینا روح جنبه غیرمادی دارد و از جنس موجودات مجرد است. درست

- ۷- به عقیده ابن سینا روح ، استعداد کسب علم از طریق تفکر را دارد. درست
- ۸- به عقیده ابن سینا روح می تواند اموری مانند اخلاق، عشق، دوستی و پرستش را دریابد و آنها را در خود پدید آورد. درست
- ۹- ابن سینا برخلاف عارفان برای روح جایگاهی بسیار رفیع در نظام خلقت قائل شد. نادرست
- ۱۰- ابن سینا، بی قراری و کوشش روح برای رسیدن به جایگاه اصلی اش را در شعری عربی و با بیانی تمثیلی توصیف کرد. درست
- ۱۱- شیخ شهاب الدین سهروردی یکی از فیلسوفان بزرگ جهان اسلام و یک عارف و سالک الی الله محسوب می شود. درست
- ۱۲- سهروردی با بهره مندی از الهامات معنوی، بسیاری از حقایق را از طریق شهود درونی به دست آورد و کوشید آنها را به زبان عرفان بیان کند. نادرست
- ۱۳- ابن سینا به جای مفهوم « وجود » بیشتر از مفهوم « نور » استفاده می کرد. نادرست
- ۱۴- به نظر سهروردی هستی مراتب نور است. درست
- ۱۵- به نظر ملاصدرا ، خداوند که نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد « نورالانوار » است . نادرست
- ۱۶- به نظر سهروردی ، مراتب وجود ، نور هستی خود را از نورالانوار دریافت می کنند. درست
- ۱۷- به نظر سهروردی ، چون مراتب وجود نور کامل نیستند، ترکیبی از نور و ظلمت اند. درست
- ۱۸- به عقیده سهروردی ، نفس انسان، جنبه نورانی وجود و جسم و بدن او، جنبه ظلمانی اوست. درست
- ۱۹- به عقیده سهروردی ، اگر نفس انسان نورانیت بیشتری کسب کند، حقایق هستی را بهتر رؤیت می کند . درست
- ۲۰- به عقیده سهروردی ، نفس با کسب نورانیت ، شایستگی و لیاقت بیشتر، می تواند مسیر کمال را طی کند. درست
- ۲۱- به عقیده سهروردی ، نورالانوار، مَشْرُق عالم است اما از نورقاهر است که انوار بعدی طلوع می کنند. نادرست
- ۲۲- به عقیده سهروردی، آنجا که نور وجود به پایین ترین حدّ خود می رسد، مغرب عالم قرار می گیرد. درست
- ۲۳- به نظر سهروردی، حقیقت نفس انسانی مربوط به مشرق عالم است اما از مشرق وجود دور افتاده و مشتاق بازگشت است. درست
- ۲۴- حکمت متعالیه نام مکتب فلسفی ملاصدرا است. درست
- ۲۵- از دیدگاه حکمت متعالیه ، حقیقت انسان، حقیقتی دو بُعدی است: روح و بدن . درست
- ۲۶- براساس حکمت متعالیه، روح چیزی ضمیمه شده به بدن و نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است. نادرست
- ۲۷- از دیدگاه حکمت متعالیه، روح و بدن دو چیز مجزاً نیستند بلکه وحدتی حقیقی دارند به گونه ای که روح باطن بدن است. درست
- ۲۸- به نظر ملاصدرا، هر اتفاقی در روح بیفتد، در بدن ظاهر می شود و هر اتفاقی در بدن رخ دهد، بر روح تأثیر می گذارد. درست
- ۲۹- از نظر حکمت متعالیه روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می توانند به آن برسند. درست
- ۳۰- بر اساس حکمت متعالیه ، ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می تواند به هر مرتبه کمالی در جهان دست یابد. درست
- ۳۱- از منظر مکتب فلسفی متعالیه، ظرفیت و استعداد بی نهایت انسان، به معنای رسیدن حتمی وی به کمالات است. نادرست
- ۳۲- از منظر مکتب فلسفی متعالیه انسان باید با اختیار و اراده خود ظرفیت بی نهایت انسان را به فعلیت برساند. درست
- ۳۳- از منظر مکتب فلسفی متعالیه ، انسان می تواند با ایمان و عمل، مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب و طی کند. درست
- ۳۴- از منظر مکتب فلسفی متعالیه، همه صفات انسانی مانند علم و جهل به صورت بالفعل در وجود انسان هست . نادرست
- ۳۵- از منظر مکتب فلسفی متعالیه، بالفعل شدن هر کدام از صفات انسانی، به گزینش ها و شیوه زندگی انسان مربوط است. درست

سوالات تستی

۱- با بهره مندی از الهامات و اشارات معنوی خود، بسیاری از حقایق را از طریق به دست می آورد و تلاش کرد آنها را به زبان بیان کند.

(۱) سهروردی - سیرو سلوک قلبی - اشراق و عرفان (۲) ابن سینا - شهود درونی - فلسفه و استدلال

(۳) ابن سینا - سیرو سلوک قلبی - اشراق و عرفان (۴) سهروردی - شهود درونی - فلسفه و استدلال

۲- سهروردی به جای مفهوم بیشتر از مفهوم استفاده کرد و عقیده داشت که مشرق عالم همان است و نفس انسانی را حقیقتی مربوط به عالم می دانست .

(۱) وجود - نور - واجب الوجود - مغرب (۲) نور - وجود - واجب الوجود - مشرق

(۳) وجود - نور - نورالانوار - مشرق (۴) نور - وجود - نورالانوار - مغرب

۳- کدام مطلب با اندیشه های سهروردی در مورد نفس انسان سازگار نیست؟

(۱) نفس چیزی ضمیمه شده به بدن و نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است.

(۲) نفس انسان، همان جنبه نورانی وجود و جسم و بدن او، همان جنبه ظلمانی اوست..

(۳) نفس انسانی را حقیقتی مربوط به مشرق عالم می داند که از مشرق وجود دور افتاده و مشتاق بازگشت به آنجاست..

(۴) اگر نفس انسان نورانیت بیشتری کسب کند، حقایق هستی را بهتر رؤیت می کند

گزینه ۳

۴- کدام مطلب بر دوگانگی روح و بدن نزد ملاصدرا دقیق تر اشاره می کند ؟

(۱) روح و بدن دو چیز مجزا نیستند که کنار هم قرار گرفته باشند بلکه اینها وحدتی حقیقی دارند و روح باطن بدن است.

(۲) روح و بدن دو چیز متفاوت اند و کاملا از یکدیگر مجزا هستند .

(۳) هم روح و هم بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی پیروی می کند و آزاد نیستند.

(۴) روح چیزی ضمیمه شده به بدن و نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است.

گزینه ۱

۵- کدام نظریه مورد پذیرش حکمت متعالیه نیست؟

(۱) ظرفیت های بالقوه در وجود انسان هست و بالفعل شدن هر کدام از آنها، به گزینش و شیوه زندگی انسان مربوط است.

(۲) انسان ظرفیت و استعداد بی نهایت دارد، و این استعداد، ضرورتا می تواند وی را به کمالات برساند.

(۳) انسان باید مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب نماید و با ایمان و عمل این مسیر را طی کند.

(۴) در ابتدای زندگی معلوم نیست هر انسانی چه هویتی خواهد داشت .

گزینه ۲

فصل سوم - درس یازدهم : انسان موجود اخلاق گرا

سوالات تشریحی

- ۱- کارهای انسان را به طور کلی به دو دسته می توان تقسیم کرد نام برده و هر کدام را با ذکر مثالی توضیح دهید؟
فعل طبیعی : کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای طبیعی خود انجام می دهد، از قبیل خریدمایحتاج روزانه، ورزش و تفریح .
فعل اخلاقی : کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقبیح قرار می گیرند؛ مانند احسان ، گذشت، ایثار
- ۲- تفاوت فعل طبیعی و فعل اخلاقی در چیست؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
فعل طبیعی : کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای طبیعی خود انجام می دهد، از قبیل خریدمایحتاج روزانه،
فعل اخلاقی : کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقبیح قرار می گیرند؛ مانند احسان، گذشت
- ۳- معیار فعل اخلاقی نزد افلاطون چیست؟
از نظر افلاطون، فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد. به اعتقاد افلاطون ، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، ردیلت و بدی شمرده می شود.
- ۴- به عقیده افلاطون چه زمانی یک فعل اخلاقی « فضیلت » یا « ردیلت » به شمار می رود ؟
به اعتقاد افلاطون ، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، ردیلت و بدی شمرده می شود.
- ۵- به عقیده افلاطون در وجود انسان چند قوه اصلی نهفته است و هر کدام چه ویژگی هایی دارد ؟
در وجود انسان سه قوه اصلی فعال هستند : « قوه شهوت » که انسان را به سوی لذایذ و امیال فرا می خواند .
« قوه غضب » که انسان را در برابر خطر ها و موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند .
« قوه عقل » که خوب را از بد تشخیص می دهد و سعادت واقعی را شناسایی می کند.
- ۶- افلاطون در پاسخ این سؤال « در چه صورتی یک عمل در جهت سعادت است » چه دیدگاهی ارائه می کند؟
عمل انسان در صورتی در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد. یعنی قوه غضب و قوه شهوت، تحت کنترل و حکومت عقل باشند با راهنمایی عقل عمل کنند .
- ۷- به نظر افلاطون ، اگر عقل بر قوه غضب و قوه شهوت حاکم شود ، چه نتایج اخلاقی حاصل می شود ؟
افلاطون می گوید؛ اگر عقل که از فضیلت حکمت برخوردار است حاکم باشد ؛ قوه شهوت « خویشتن داری » پیش می گیرد . قوه غضب متصف به « شجاعت » می شود . بر ایند و نتیجه چنین سامانی، برقراری « عدالت » میان قوای عقل و شهوت و غضب و در سراسر شخصیت انسان است.
- ۸- به نظر افلاطون ، برای اینکه انسان به نیک بختی و سعادت برسد، باید به چه فضیلت هایی آراسته گردد؟
انسانی که آراسته به چهار فضیلت « حکمت » ، « خویشتن داری » ، « شجاعت » و « عدالت » است، نیک بخت است؛ این معیار میان همه انسان ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی کند.
- ۹- عامل سعادت و نیک بختی انسان نزد ارسطو چیست؟ توضیح دهید.
ارسطو معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در میان قوا می رسد و همین اعتدال، عامل سعادت و نیک بختی انسان است. به تعبیری دیگر از نظر ارسطو، اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشد، انسان به سعادت می رسد. ارسطو معتقد است عقل هر انسانی این اعتدال را درک می کند و آن را به عنوان امری درست می پذیرد.
- ۱۰- به عقیده ارسطو ، کدام دو قوه انسان همواره در معرض تفریط و افراط قرار دارند؟ توضیح دهید.
شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند اما عقل می تواند مانع این افراط و تفریط شود؛ البته شرط لازم برای چنین امری این است که خود عقل رشد کرده و به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تفریط نشود.

۱۱- ارسطو، «سعادت» را چگونه تعریف می کند؟ عمل بر طبق عقل و قابلیت انتخاب حد وسط و دستیابی به اعتدال

۱۲- کانت، معیار فعل اخلاقی را در چه چیزی جست و جو می کند؟ توضیح دهید.

کانت، فیلسوف قرن ۱۸ آلمان، عقیده دارد معیار فعل اخلاقی را باید در «وجدان اخلاقی» جست و جو کرد.

کانت می گوید هر انسان در درون خود حقیقتی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می کند. هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود. مثلاً اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت، بلکه فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت می کند، انجام دهد، فضیلت است.

۱۳- به عقیده کانت چه زمانی یک فعل، خیر اخلاقی شمرده می شود؟

هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود

۱۴- قاعده اخلاقی کانت را نوشته و مقصود وی از این قاعده را توضیح دهید؟

کانت می گوید «بر طبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون کلی و عمومی شود» مقصود کانت این است که عمل هر انسانی باید به گونه ای باشد که اگر دیگران هم همان کار را در مورد وی انجام دادند، او آن کار را پسندد و عاملان آن را تحسین کند.

۱۵- کانت جمله بسیار مشهوری دارد که بر اساس آن معتقد است دو چیز وی را به شگفتی وا داشته است؟ آن دو چیز کدامند؟

یکی آسمانی که بالای سر ماست، دیگر وجدانی که در درون ما قرار دارد.

۱۶- با توجه به دیدگاه فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست ها، ریشه های فعل اخلاقی را باید در کجا جست و جو کرد؟

فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست ها و عموم کسانی که بعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی انسان جست و جو می کنند. از نظر این گروه انسان، مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می دهد. بنابراین «خوب» و «بد» عناوینی هستند که خود ما به هر کار می دهیم، بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضررمان. از آنجا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناکزیر است منفعت دیگران را نیز رعایت کند؛ زیرا، در غیر این صورت، منفعت خودش نیز حفظ نمی شود.

۱۷- اولین قانون اخلاقی را نوشته، بگویید این عبارت که «هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد،

باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند». از کیست؟ اولین قانون اخلاقی این است «آنچه برای

خود می پسندی، برای دیگران هم پسند. در این صورت است که می توانی با دیگران زیست کنی.» - توماس هابز

۱۸- به عقیده توماس هابز، چرا انسان قواعد اخلاقی را ابداع می کند و آیا اموری مانند صداقت، عدالت و امانت داری، ارزش

حقیقی داشته و فضیلت اخلاقی شمرده می شوند؟

طبق این دیدگاه، انسان از زمانی که دریافته نفع او در گروه دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده و مثلاً گفته است: باید با دیگران راستگویی پیشه کرد؛ در امانت نباید خیانت ورزید، بر این اساس اموری مانند صداقت، عدالت و امانت داری در واقع ارزش حقیقی ندارند و فضیلت شمرده نمی شوند اما چون برای زندگی اجتماعی ضروری هستند و منفعت افراد در رعایت آنهاست، باید آنها را مراعات کرد.

۱۹- با توجه به دیدگاه ابن سینا و فلاسفه مسلمان، منبع شناخت ها فضیلت ها و رذیلت ها کدام است؟ توضیح دهید .

عقل - عقل فضیلت هایی مانند عدل، احسان، خویشن داری و شجاعت را کمالاتی می داند که باعث رشد و کمال روح می شود؛ درست مانند آب و غذا و اموری از این قبیل که جسم انسان را رشد می دهند. بنابراین هر انسانی فضیلت ها را دوست دارد و از رذائل اخلاقی مانند ظلم، بخل و ریا گریزان است. این رذائل اخلاقی به روح صدمه رسانده و آن را از کمال باز می دارند. بنابراین هر انسانی به دنبال کسب فضائل است؛ زیرا او با کسب این فضائل احساس نشاط و لذت می کند و به رضایت درونی می رسد

۲۰- علت نامگذاری عقل عملی به این نام چیست ؟

این عقل از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد «عقل عملی» ، می نامند.

۲۱- به عقیده فلاسفه مسلمان ، انسان دارای چند نوع تمایلات است؟ آنها را توضیح دهید.

انسان دو دسته تمایلات دارد: تمایلات مربوط به بُعد مادی و حیوانی، مانند تمایل به ثروت و لذت های مادی. تمایلات مربوط به بُعد روحی و معنوی، مانند تمایل به عدالت و سخاوت که تمایلاتی برتر هستند و فضیلت شمرده می شوند.

۲۲- به عقیده فلاسفه مسلمان ، علت انجام رذایل اخلاقی چیست ؟

علت انجام رذایل اخلاقی این است که گاه میان فضیلت ها و منافع و تمایلات مادی و حیوانی انسان تلاقی پیدا می شود؛ در چنین شرایطی اگر تمایلات حیوانی و مادی قوی باشند انسان را به سوی خود می کشانند و مانع رسیدن او به فضیلت ها می شوند و حتی او را به سوی رذیلت ها سوق می دهند.

۲۳- چرا فلاسفه مسلمان معتقدند شناخت فضائل و رذائل به تنهایی نمی تواند باعث ترک رذیلت و تمایل به کسب فضیلت باشد؟

زیرا علاوه بر این تمایل ذاتی، پشتوانه ای دیگر هم لازم است تا هنگام تضاد میان تمایلات شخصی و فضائل اخلاقی انسان بتواند فضائل را بر تمایلات ترجیح دهد. این پشتوانه به اعتقاد فلاسفه مسلمان خداست؛ اگر خداوند نیز ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، میل به فضائل در انسان تقویت می شود.

۲۴- به عقیده فلاسفه مسلمان، به هنگام تضاد میان تمایلات شخصی و فضائل اخلاقی انسان به چه پشتوانه ای نیازمند است تا بتواند فضائل را بر تمایلات ترجیح دهد؟ این پشتوانه به اعتقاد فلاسفه مسلمان خداست

۲۵- به عقیده فلاسفه مسلمان، اگر خداوند ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، آیا عمل به فضیلت قطعی و حتمی می شود؟ چرا؟

خیر در چنین شرایطی ، عمل به فضیلت قطعی و حتمی نمی شود، زیرا در هر صورت، انسان موجودی مختار و با تمایلات قوی و شدید است و ممکن است برای رسیدن به آن تمایلات، از فرمان خدا هم سرپیچی کند.

۲۶- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

الف) معیار فعل اخلاقی نزد کانت	۱- شره
ب) حد وسط قوه غضب نزد ارسطو	۲- وجدان
ج) حالت افراط قوه شهوت نزد ارسطو	۳- نفع
د) نظریه هابز درباره ابداع قواعد اخلاقی	۴- شجاعت

الف: ۲ ب: ۴ ج: ۱ د: ۳

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- کارهای انسان را به طور کلی به دو دسته می توان تقسیم کرد ، آنها را نام ببرید . فعل طبیعی و فعل اخلاقی
- ۲- کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای طبیعی خود انجام می دهد ، در زمره چه نوع افعالی قرار می گیرند؟ فعل طبیعی
- ۳- کارهایی که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقیح قرار می گیرند؛ در زمره چه نوع افعالی قرار می گیرند؟ فعل اخلاقی
- ۴- خرید مایحتاج روزانه و احسان و گذشت به ترتیب شامل چه نوع افعالی می شوند ؟ فعل طبیعی و فعل اخلاقی
- ۵- به عقیده افلاطون فعل اخلاقی با کدامیک از موضوعات اخلاقی آدمی رابطه دارد؟ سعادت و نیک بختی حقیقی
- ۶- به نظر افلاطون چه زمانی یک فعل اخلاقی ، فضیلت محسوب می گردد؟ اگر در جهت سعادت حقیقی باشد.
- ۷- به نظر افلاطون چه زمانی یک فعل اخلاقی، فضیلت محسوب می گردد؟ اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد.
- ۸- به نظر افلاطون ، کدام قوه انسان را به سوی لذایذ و امیال فرا می خواند ؟ قوه شهوت
- ۹- به نظر افلاطون ، کدام قوه انسان را در برابر خطرها و موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند؟ قوه غضب
- ۱۰- به نظر افلاطون، اگر عقل که از فضیلت حکمت برخوردار است، حاکم باشد: قوه شهوت و قوه غضب متصف به چه صفتی می شوند؟ قوه شهوت « خویشتن داری » پیش می گیرد . قوه غضب متصف به « شجاعت » می شود .
- ۱۱- به نظر افلاطون، چه انسانی نیک بخت است ؟ انسانی که آراسته به چهار فضیلت : حکمت، خویشتن داری ، شجاعت و عدالت است.
- ۱۲- به نظر ارسطو ، چه زمانی انسان به اعتدال در میان قوا می رسد ؟ اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود.
- ۱۳- به نظر ارسطو، عامل سعادت و نیک بختی انسان چیست؟ اعتدال در میان قوای انسانی
- ۱۴- به نظر ارسطو چه قوه ای می تواند مانع افراط و تفریط شهوت و غضب شود؟ عقل
- ۱۵- به نظر ارسطو کدام قوا در انسان همواره در معرض افراط و تفریط هستند؟ شهوت و غضب
- ۱۶- به نظر ارسطو به ترتیب، حالت افراط ، تفریط و حدوسط قوه عقل چیست؟ جربزه - سفاهت - حکمت
- ۱۷- به نظر ارسطو به ترتیب، حالت افراط ، تفریط و حدوسط قوه غضب چیست؟ تهور - ترس - شجاعت
- ۱۸- به نظر ارسطو به ترتیب، حالت افراط ، تفریط و حدوسط قوه شهوت چیست؟ شره - خمودی - خویشتن داری
- ۱۹- کدام فیلسوف غربی معتقد بود که معیار فعل اخلاقی را باید در « وجدان اخلاقی » جست وجو کرد؟ کانت
- ۲۰- به عقیده کانت ، معیار فعل اخلاقی را باید در چه چیزی جست وجو کرد؟ وجدان اخلاقی
- ۲۱- به عقیده کدام فیلسوف، انسان باید ، طبق قاعده ای عمل کند که بتواند اراده کند، قاعده مزبور قانونی کلی و عمومی شود؟ کانت
- ۲۲- ابن سینا و فیلسوفان مسلمان دیگر، منبع شناخت فضیلت ها و رذیلت ها را چه چیزی می دانند ؟ عقل
- ۲۳- دو دسته از تمایلات انسانی را فقط نام ببرید. تمایلات مربوط به بُعد مادی و حیوانی - تمایلات مربوط به بُعد روحی و معنوی
- ۲۴- به عقیده فیلسوفان مسلمان ، چه پشتوانه ای در انسان می تواند باعث ترک رذیلت و تمایل به کسب فضیلت باشد؟ خداوند

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- انسان با مفهوم آشناست و می تواند خوب و بد را درک کند. اخلاق - اخلاقی
- ۲- اخلاق و درک خوبی و بدی را می توان یکی از وجوه تمایز از سایر دانست. انسان - موجودات
- ۳- انسان موجودی است اخلاقی که ... و ... را درک می کند و کارهایی براساس این درک انجام می دهد. حُسن - قبح
- ۴- کارهای انسان را به طور کلی به دو دسته می توان تقسیم کرد که عبارتند از فعل و فعل طبیعی ، اخلاقی
- ۵- کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای طبیعی خود انجام می دهد، در زمره فعل قرار می گیرند طبیعی
- ۶- کارهایی که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقییح قرار می گیرند در زمره فعل قرار می گیرند. اخلاقی
- ۷- از نظر افلاطون فعل اخلاقی با و حقیقی آدمی رابطه دارد. سعادت - نیک بختی
- ۸- به نظر افلاطون، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی یا برخلاف آن باشد، به ترتیب و محسوب می گردد. فضیلت - رذیلت (بدی)
- ۹- به اعتقاد افلاطون، قوه انسان را به سوی لذایذ و امیال فرا می خواند و قوه انسان را در برابر خطرها و موانع، دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند. شهوت - غضب
- ۱۰- به نظر افلاطون ، قوه خوب را از بد تشخیص می دهد و واقعی را شناسایی می کند. عقل - سعادت
- ۱۱- از نظر افلاطون، عمل انسان در صورتی در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی ... انجام پذیرد. عقل
- ۱۲- قوه ... و قوه ، تحت کنترل و حکومت عقل اند و با راهنمایی عقل عمل می کنند . غضب - شهوت
- ۱۳- افلاطون می گوید؛ اگر عقل که از فضیلت برخوردار حاکم باشد ، قوه شهوت پیش می گیرد. حکمت - خویشتن داری
- ۱۴- به عقیده افلاطون ؛ اگر عقل که از فضیلت برخوردار حاکم باشد ، قوه غضب متصف به می شود . حکمت - شجاعت
- ۱۵- به عقیده ارسطو، اعتدال در میان قوا ، عامل و انسان است. سعادت - نیک بختی
- ۱۶- به اعتقاد ارسطو و همواره در معرض افراط و تفریط هستند. شهوت - غضب
- ۱۷- به عقیده کانت، معیار فعل اخلاقی را باید در جست وجو کرد. وجدان اخلاقی
- ۱۸- به نظر کانت، انسان در درون خود حقیقتی به نام دارد که او را به سوی عمل ... اخلاقی دعوت می کند. وجدان اخلاقی - خیر
- ۱۹- به عقیده کانت ، اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت، بلکه فقط بدان جهت که بدان دعوت می کند، انجام دهد، است . وجدان - فضیلت
- ۲۰- کانت می گوید برطبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون و شود . کلی ، عمومی
- ۲۱- کانت می گوید؛ دو چیز همواره مرا به شگفتی وا می دارد.... که بالای سر ماست و که در درون ما قرار دارد. آسمانی - وجدانی
- ۲۲- فیلسوفان و، ریشه های فعل اخلاقی را در رفتار طبیعی انسان جست وجو می کنند. طبیعت گرا - ماتریالیست ها
- ۲۳- از منظر فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست ها، « خوب » و « بد » عناوینی هستند که خود ما به هر کار می دهیم، بسته به اینکه آن کار به ما باشد یا به مان. سود - ضرر
- ۲۴- توماس هابز می گوید : هر گاه انسانی بخواهد در برابر دیگران زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان باشند. آزادی - آزاد
- ۲۵- ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان ، عقل را منبع شناخت و می دانند. فضیلت ها - رذیلت ها
- ۲۶- به نظر فلاسفه مسلمان ، بشر به فضیلت ها علاقه مند است اما فضائل و عمل به آنها چندان آسان نیست. فطرتاً - انتخاب
- ۲۷- به عقیده فیلسوفان مسلمان ، تمایلات انسان یا مربوط به بعد ... است یا مربوط به بعد ... مادی (حیوانی) - روحی (معنوی)
- ۲۸- به عقیده فیلسوفان مسلمان ، تمایل به عدالت و سخاوت تمایلاتی ... هستند و ... شمرده می شوند. برتر - فضیلت
- ۲۹- به نظر فیلسوفان مسلمان، اعتقاد به، عامل تقویت کننده است، اما سبب نمی شود که عمل به قطعی و حتمی شود. خدا - فضیلت

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- اخلاق و درک خوبی و بدی را می توان یکی از وجوه تمایز انسان از سایر موجودات دانست. درست
- ۲- انسانی موجودی است اخلاقی که حُسن و قبح را درک می کند و کارهایی براساس این درک انجام می دهد. درست
- ۳- کارهای انسان را به طور کلی به دو دسته، فعل طبیعی و فعل اخلاقی می توان تقسیم کرد. درست
- ۴- کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای طبیعی خود انجام می دهد، را فعل اخلاقی می گویند. نادرست
- ۵- از نظر افلاطون فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد. درست
- ۶- به اعتقاد افلاطون، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد. درست
- ۷- به عقیده افلاطون، فعل اخلاقی اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می شود. درست
- ۸- قوه شهوت انسان را در برابر خطرها و موانع، دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند. نادرست
- ۹- قوه عقل « خوب را از بد تشخیص می دهد و سعادت واقعی را شناسایی می کند. درست
- ۱۰- قوه غضب، انسان را به سوی لذایذ و امیال فرا می خواند. نادرست
- ۱۱- به نظر افلاطون، قوه غضب و قوه شهوت تحت کنترل و حکومت عقل اند و با راهنمایی عقل عمل می کنند. درست
- ۱۲- افلاطون می گوید، اگر عقل که از فضیلت حکمت برخوردار است حاکم باشد، قوه شهوت، خویشتن داری پیش می گیرد. درست
- ۱۳- به نظر افلاطون، قوه غضب متصف به « حکمت» می شود و عقل نیز به صفت « شجاعت » می رسد. نادرست
- ۱۴- به نظر افلاطون، انسانی که آراسته به چهار فضیلت حکمت، خویشتن داری، شجاعت و عدالت است، نیک بخت است. درست
- ۱۵- ارسطو، شاگرد افلاطون، درباره معیار فعل اخلاقی نظری نزدیک به استاد خود دارد. درست
- ۱۶- به عقیده ارسطو، اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال می رسد و اعتدال، عامل سعادت انسان است. درست
- ۱۷- به عقیده ارسطو، شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط اند و عقل نمی تواند مانع این افراط و تفریط شود. نادرست
- ۱۸- از نظر ارسطو، اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشد، انسان به سعادت می رسد. درست
- ۱۹- کانت، عقیده دارد، معیار فعل اخلاقی را باید در « وجدان اخلاقی » جست وجو کرد. درست
- ۲۰- هابز می گوید هر انسان در درون خود حقیقتی به نام وجدان دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می کند. نادرست
- ۲۱- کانت می گوید، برطبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون کلی و خصوصی شود. نادرست
- ۲۲- طبق جمله مشهور کانت، دو چیز شگفتی ساز است، آسمانی که بالای سر ماست و وجدانی که در درون ماست. درست
- ۲۳- فیلسوفان طبیعت گرا و ماتریالیست ها، ریشه های فعل اخلاقی را در وجدان انسان جست وجو می کنند. نادرست
- ۲۴- طبق اولین قانون اخلاقی آنچه برای خود می پسندی، برای دیگران بپسند. در این صورت می توانی با دیگران زیست کنی. درست
- ۲۵- توماس هابز می گوید: هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند. درست
- ۲۶- ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، دیدگاهی نزدیک به افلاطون و ارسطو دارند. درست
- ۲۷- فلاسفه مسلمان می گویند چون بشر به فضیلت ها فطرتاً علاقه مند است لذا انتخاب فضائل و عمل به آنها آسان است. نادرست
- ۲۸- به نظر فلاسفه مسلمان، شناخت فضائل و رذائل و علاقه مندی به آنها، به تنهایی می تواند باعث ترک رذیلت و کسب فضیلت شود. نادرست
- ۲۹- به نظر فلاسفه مسلمان، تضاد میان تمایلات شخصی و فضائل اخلاقی، نیازمند پشتوانه ای همچون خداست تا فضائل بر تمایلات ترجیح داده شوند. درست
- ۳۰- به عقیده فیلسوفان مسلمان، تمایلات انسان یا مربوط به بعد مادی و حیوانی است یا مربوط به بعد روحی و معنوی. درست
- ۳۱- به عقیده فیلسوفان مسلمان، تمایل به عدالت و سخاوت تمایلاتی برتر هستند و فضیلت شمرده می شوند. درست
- ۳۲- به نظر فیلسوفان مسلمان اعتقاد به خدا، عامل تقویت کننده است، و سبب می شود که عمل به فضیلت قطعی و حتمی شود. نادرست

سوالات تستی

- ۱- افلاطون برای این پرسش که «در چه صورتی یک عمل در جهت سعادت است» چه پاسخ مناسب تری ارائه می دهد ؟
- (۱) هر گاه به احساس نشاط و لذت و رضایت درونی برسد. (۲) هر گاه دریابد که نفع او در گرو نفع دیگران است. (۳) هر گاه بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد. (۴) اگر معیار فعل اخلاقی وجدان باشد. گزینه ۳
- ۲- کدام تعریف افلاطون از فضیلت دقیق تر است ؟
- (۱) اگر فعل اخلاقی در ردیف شقاوت ابدی باشد. (۲) اگر فعل اخلاقی در جهت وجدان بیدار باشد. (۳) هر گاه فرد دریابد که نفع او در گرو نفع دیگران است. (۴) اگر فعل اخلاقی در جهت سعادت حقیقی باشد. گزینه ۴
- ۳- از نظر فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد و هر گاه فعل اخلاقی در جهت سعادت حقیقی باشد، محسوب می گردد و اگر باعث ... گردد، رذیلت شمرده می شود.
- (۱) افلاطون - فضیلت - شقاوت (۲) هابز - فضیلت - شقاوت (۳) هابز - شقاوت - فضیلت (۴) افلاطون - شقاوت - فضیلت گزینه ۱
- ۴- با توجه به نظریه اخلاقی افلاطون، کدام مطلب را نمی توان برداشت کرد ؟
- (۱) اگر عقل که از فضیلت حکمت برخوردار است حاکم باشد ، قوه شهوت «خویشتن داری» پیش می گیرد . (۲) اگر عقل که از فضیلت اخلاقی برخوردار است، حاکم باشد، قوه غضب متصف به «حکمت» می شود . (۳) انسانی که آراسته به چهار فضیلت «حکمت» ، «خویشتن داری» ، «شجاعت» و «عدالت» است، نیک بخت است. (۴) قوه عقل «خوب را از بد تشخیص می دهد و سعادت واقعی را شناسایی می کند» گزینه ۲
- ۵- با توجه به دیدگاه ارسطو قوه غضبیه در سه حالت (حد وسط - حد افراط - حد تفریط) به ترتیب چه نام دارد ؟
- (۱) شجاعت - ترس - تهور (۲) تهور - شجاعت - ترس (۳) شجاعت - تهور - ترس (۴) ترس - تهور - شجاعت گزینه ۳
- ۶- با توجه به دیدگاه ارسطو قوه شهویه در سه حالت (حد وسط - حد افراط - حد تفریط) به ترتیب چه نام دارد ؟
- (۱) شره - خویشتن داری - خمودی (۲) خویشتن داری - خمودی - شره (۳) شره - خمودی - خویشتن داری (۴) خویشتن داری - شره - خمودی گزینه ۴
- ۷- با توجه به دیدگاه ارسطو قوه عقل در سه حالت (حد وسط - حد افراط - حد تفریط) به ترتیب چه نام دارد ؟
- (۱) حکمت - جربزه - سفاهت (۲) جربزه - سفاهت - حکمت (۳) سفاهت - حکمت - جربزه (۴) حکمت - سفاهت - جربزه گزینه ۱
- ۸- با توجه به دیدگاه ارسطو کدام قوه همواره در معرض افراط و تفریط هستند و قوه مانع این افراط و تفریط کدام است ؟
- (۱) عقل - شهویه - غضبیه (۲) شهویه - غضبیه - عقل (۳) غضبیه - عقل - شهویه (۴) عقل - غضبیه - شهویه گزینه ۲
- ۹- از نظر ارسطو، عامل سعادت و نیکبختی انسان کدام است ؟
- (۱) هر گاه به احساس نشاط و لذت و رضایت درونی برسد. (۲) هر گاه دریابد که نفع او در گرو نفع دیگران است. (۳) اگر قوای وجودی انسان در حد اعتدال باشد. (۴) اگر معیار فعل اخلاقی وجدان باشد. گزینه ۳
- ۱۰- از دیدگاه ارسطو سعادت چیست ؟
- (۱) عمل بر طبق وجدان (۲) عمل بر طبق عقل (۳) عمل بر طبق لذت و رضایت درونی (۴) عمل بر طبق منفعت گزینه ۲
- ۱۱- با توجه به نظریه کانت ؛ هر کاری که انسان ، صرفاً برای اطاعت از خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود.
- (۱) شهود (۲) تصمیم (۳) وجدان (۴) عقل گزینه ۳
- ۱۲- معیار فضیلت اخلاقی از نگاه کانت چیست ؟
- (۱) عمل بر طبق وجدان (۲) عمل بر طبق عقل (۳) عمل بر طبق تشویق و تمجید دیگران (۴) عمل به هدف رسیدن به سعادت گزینه ۱

۱۳- این جمله از کیست؟ دو چیز همواره مرا به شگفتی وا می دارد: یکی آسمانی که بالای سر ماست، دیگر وجدانی که در درون ما قرار دارد.

۱) کانت (۲) هابز (۳) افلاطون (۴) ارسطو
۱۴- کانت می گوید؛ برطبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون ... و ... شود.

۱) عمومی - ثابت (۲) کلی - خصوصی (۳) عمومی - متغیر (۴) کلی - عمومی
۱۵- کدام عقیده با دیدگاه فیلسوفان طبیعت گرا سازگاری ندارد؟

۱) انسان، مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می دهد.

۲) ریشه های فعل اخلاقی را باید در رفتار طبیعی انسان جست و جو کرد.

۳) «خوب» و «بد» عناوینی هستند که ما به هر کار می دهیم، بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضررمان.

۴) معیار فعل اخلاقی باید وجدان باشد زیرا، در غیر این صورت، منفعت انسان نادیده گرفته می شود.

۱۶- مطابق عقیده فیلسوفان طبیعت گرا، عبارت زیر در کدام گزینه به درستی کامل می شود؟

قواعد اخلاقی مانند صداقت، عدالت و امانت داری در واقع ارزش حقیقی ... و ... شمرده نمی شوند و چون برای زندگی اجتماعی ... هستند و منفعت افراد در رعایت آنهاست، باید آنها را مراعات کرد.

۱) ندارند- فضیلت- ضروری (۲) ندارند- رذیلت- ضروری (۳) دارند- رذیلت- ضروری (۴) دارند- فضیلت- ضروری

۱۷- این سخن که «هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند» از کیست؟

۱) هابز (۲) کانت (۳) ارسطو (۴) دکارت
۱۸- نظر ابن سینا درباره اخلاق شباهت و نزدیکی بسیاری با دیدگاه کدام فیلسوفان دارد؟

۱) کانت - هابز (۲) افلاطون - دکارت (۳) افلاطون - ارسطو (۴) ارسطو - دکارت
۱۹- کدام یک از عبارتهای زیر با دیدگاه اخلاقی فیلسوفان مسلمان مطابقت نمی کند؟

۱) انسان می تواند فضائل و رذائل را بشناسد، اما این شناخت به تنهایی باعث ترک رذیلت و تمایل به کسب فضیلت نمی باشد.

۲) علاوه بر شناخت فضائل و رذائل و تمایل ذاتی، پشتوانه ای همچون خدا لازم است تا هنگام تضاد میان تمایلات شخصی و فضائل اخلاقی انسان بتواند فضائل را بر تمایلات ترجیح دهد.

۳) اگر خداوند ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، میل به فضائل در انسان تقویت می شود.

۴) اگر خداوند ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید، عمل به فضیلت قطعی و حتمی می شود.